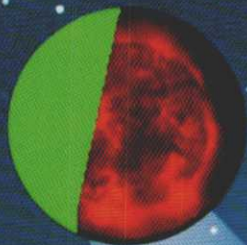


و شما خواهید دید که گروه

گروه مردم به دین خدا میپیوندند

(کتاب مقدس)

خورشید



ماه

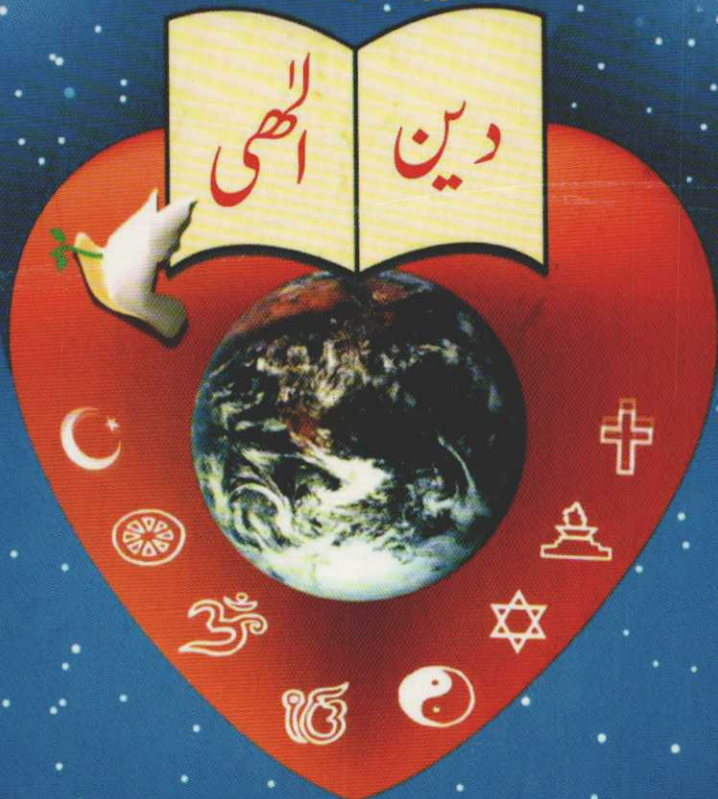


رازی که نهفته شده پشت تصویر هایی که در

خورشید و ماه دیده میشود در تصویر هایی

که بوسیله ناسا (NASA) و دیگر مؤسسات

معروف گرفته شده



## دین الهی

این کتاب ارزش مطالعه و تحقیق را

برای همه ادیان دارد همچنین برای تمام

گروههای مردم، این کتاب مبارزه ای است

با آنهایی که روحانیت را رد می کنند

ناشر

حضرت ریاض احمد گوهر شاهی

# حضرت ریاض احمد گوهر شاہی

(ناشر)

## دین الہی

رموز نہفتہ خدا

حق نشر این کتاب مقدس محفوظ است

کتاب مقدس (دین الہی) ہدیہ ایست برای مرد می کہ عشق می ورزند و در جستجوی خدا هستند.

**تبصرہ برای ذاکرین (مریدان حضرت گوهر شاہی)**

تقدیم کنید این کتاب مقدس را به اشخاص رو شنفکر در ستکار و آنهایی کہ در جستجوی خدا هستند ریاکاران (از زمان قبل از وجود انسان) کوشش می کنند این کتاب را مردود اعلام کنند.

موافقت شدہ توسط

امجد علی (امارات متحدہ)

یونس الگوهر (انگلستان)

**حرکت مهدی بین المللی**

Website: [www.goharshahi.com](http://www.goharshahi.com)

تماس بگیریڈبا

[amjad\\_ali7@hotmail.com](mailto:amjad_ali7@hotmail.com), [younus38@hotmail.com](mailto:younus38@hotmail.com), [mehdi\\_foundation@yahoo.co.in](mailto:mehdi_foundation@yahoo.co.in)

مترجم: کاظم کاتبیہ بامراہی زہرہ نعمت الہی (dubai, UAE)



### حضرت والا ریاض احمد گوهر شاهی

حضرت والا گوهر شاهی که مدت ۳ سال رادر اعتکاف روحانی بسر برد در کوههای سند سهوان و لعل باغ سند، پاکستان، بخاطر عشق آسمانی. حضرتش از دنیا و لذات آن دوری کرد تا به اتحاد با خدا دست یابد. سپس به روال عادی زندگی برگشت البته بدستور خداوند. ایشان یادگر خدا قلوب هزاران نفر را روشن ساخت و تعداد زیادی از افراد را به عشق آسمانی جذب کرد.

پیروان ادیان بسیاری از حضرتش دعوت بعمل آوردند تا در محل های معین برای آنها از روحانیت صحبت کند و اعم از مسجد، معبد و کلیسا تا به تعلیمات ذکر قلبی دست یابند بسیاری زنان و مردان از گناهان دست کشیدند و به خدا متوجه شدند حضرتش بسیاری از مردم را که دچار بیمار یهای غیر قابل علاج بودند شفا داد از طریق شفای روحانی.

پس خداوند چهره مبارک ایشان را بر روی ماه نقش فرمود. بعداً چهره نورانی حضرتتشان روی حجر الاسود منقوش گردید. اسم مبارک ایشان در چهار گوشه جهان طنین انداز شد. ملاهایی که از مقامات روحی درونی محروم بودند و آنهایی که زهاد را قبول ندارند حضرت مبارکشان را مردود اعلام کردند. آنها کتابهای ایشان را رد کردند و خون ایشان را مباح اعلام کردند. آنها بمب بنزینی به خانه ایشان پرتاب کردند در منچستر و زمانی که در کنزی پاکستان مشغول موعظه بودند بطرف ایشان نارنجک پرتاب کردند. برای سر مبارکشان مبالغی پول پیشنهاد شد. در پاکستان اعلام جرمی با پنج ماده بر علیه ایشان اقامه شد توسط اشخاصی که بی احساس هستند. توسط نواز شریف رئیس جمهور پاکستان و همچنین حاکم محلی سند در این موضوع درگیر شد. از این پنج تهمت دو تا تهمت قتل بود، یکی حمل سلاح غیر مجاز و دیگری اشغال زمین غیر قانونی حتی در آمریکا هم از ایشان شکایتی انجام شد. روزنامه "نگاران زرد" هیچ حربه ای نبود که بر علیه ایشان بکار نبرند. بالاخره پس از تجسس های بسیار داد گاه تمام اتهامات را رد کرد و بیگناهی ایشان را پذیرفت. به این ترتیب خدا ایشان و دوستانشان را از تمام بلاها محفوظ نگاهداشت همانطور که همیشه نگاه می دارد.

**گزارش اتهاماتی که بر علیه جناب ایشان اقامه شد توسط داد گاه موجود است**

**حضرت ایشان مدام در تله های فضولانه فرقه ای گرفتار می شوند.**

ORDER SHEET  
IN THE HIGH COURT OF SINDH HYDERABAD JUDGE

Cr.B.A.No.159 of 1999.

APPELLANT  
DEFENDENT  
PLAINTIFF/DEBTOR  
APPLICANT

VERSUS

RESPONDENT  
DEPENDENT  
OPPONENT  
JUDGEMENT DEBTOR

Serial No.	Date	Order with signature of Judge
------------	------	-------------------------------

1. FOR ORDERS ON MA NO.238/99.(If granted).
2. FOR ORDERS ON MA NO.239/99.
3. FOR ORDERS ON MA NO.240/99.
4. FOR HEARING.

18.03.1999.

Mr.Qurban Ali Choochan Advocate for the applicant  
Mr.Behadur Ali Baloch A.A.G.

1. Granted.
2. Granted subject to all just exceptions.
3. Granted as the bail application No.88/99 has also been moved by the present applicant.
4. Learned counsel submits that the present bail application has been moved seeking bail before arrest of the applicant/accused with regard to his alleged involvement in crime No.18/99 for which an F.I.R. was lodged on 16.03.1999 by Police Station City at Hyderabad. It is alleged that the applicant on the day of incident viz. 19.03.1999 in the day

time produced a T.T. Pistol bearing No.3BP-13410 of 30 bore and licence bearing No.5105339 dated 04.02.1999 issued by District Magistrate Sanghar in the name of accused Mohammad Nadeem who has been nominated in crime No.10/99 pending with Police Station City Hyderabad. Thereafter upon verification by the police authorities it transpired that the said licence was a forged one and was not issued in the name of accused <sup>Nadeem</sup> Mohammad/. The F.I.R. was accordingly registered against the applicant U/s.420, 458, 471 PPC read with Section 13-D Arms Ordinance.

Learned counsel submits that the lodging of the FIR is a further attempt by the political and religious foes of the applicant to have him implicated in xxx false and concocted case, as earlier attempts have failed and in two other cases the applicant was granted bail before arrest by this Court. Learned counsel submits that for all the offences above mentioned the maximum sentence is seven years along with fine and consequently do not come within the prohibitory clause of Section 497 Cr.P.C. The learned counsel vehemently argued that unless this bail application is granted and the applicant is given protection by this Court he would be immediately arrested by the police as he has been prevented from approaching the trial Court for seeking bail.

I have gone through the F.I.R. as well as the

( 4 )

memo of this application. In the first instance, it appears that nowhere in the FIR it is mentioned as to why the applicant/accused visited the Police Station City on 19.02.1999 along with the weapon in question and its licence. Secondly, no reasons have been given in the FIR as to why the same was lodged after almost one month of the day of incident. In the earlier bail application No.88/99 I have granted interim protective bail to the applicant on the basis that the FIR in the said case appeared to have been lodged due to enmity and jealousy between the applicant and religious sects as well as political parties. The lodging of the FIR in the present case also appears to have been motivated by the same factors.

In the circumstances, the applicant is granted pre-arrest bail in a sum of Rs.1,00,000/- in the form of security or cash and P.R. bond in the like amount to the satisfaction of Additional Registrar of this Court. Notice to A.A.G. for 24.03.1999.

5. Today I have received a pamphlet allegedly from the applicant seeking justice from the Prime Minister of Pakistan regarding his persecution at the hands of various ~~other~~ religious sects and Ulama. Although the pamphlet has not been signed by the applicant, copies have been forwarded to all High Courts of Pakistan as well as Supreme

( 5 )

Court of Pakistan and others. At the end of the pamphlet a threat has been extended to the Government that unless the applicant/accused request is acceded to the Government will soon crumble by hidden spiritual forces. In my view if at all this pamphlet has been either issued by the applicant or his supporters and sent to this Court, it amounts to unlawful interference in the administration of justice and may be taken up as a contempt matter. In these circumstances, let a notice be issued to the applicant inviting his comments on the pamphlet, a copy whereof to be sent along with the notice



CERTIFIED TO BE TRUE  
SUPERINTENDENT

SP/0 HANMAD J USMANI  
JUDGE

Cr. Bail Application No. 159/1999.

No. 2009 Dt. 22/3/99

Copy Forwarded to the Sessions Judge Hyderabad for information and compliance, He is informed that surety has been furnished on behalf of the abovesaid applicant before the Additional Registrar of this Court in the sum of Rs. 100,000/- vide Bond No. 5823 and P.R. Bond No. 5824 dated:- 22.3.1999.

COPY TO THE APPLICANT FURNISHED.

( GHULAM MUSTAFA CHANNA )  
DEPUTY REGISTERAR  
HIGH COURT OF SINDH CIRCUIT COURT  
HYDRABAD

این شیاطین (ملاها) بس از شکست های قبلیشان در ساختن برونده های دروغین دوباره برونده دروغینی ساختند (به شماره PPC-295 و اظهار کردند که ایشان ادعای پیغمبری نموده) و حضرت والا گوهر شاهی را به دادگاه کشاندند. ملاها نظر افراد والا مقام را به خود جلب کردند. حتی رفیق طرار سابق رئیس جمهور پاکستان تمایل کور کو انه ای به آنها پیدا کرد. در نتیجه، قاضی محکمه ضد ترور تحت فشار قرار گرفت و رأی بر علیه حضرت والا گوهر شاهی صادر کرد. انشاء الله این رأی یا در محکمه عالی و یا در محکمه اعلا مردود و حکم برائت حضرت والا صادر خواهد شد.

## مقدمه

بعد از ظهور سیمای مبارک حضرت گوهر شاهی ، روی حجر الاسود در مکه، ماه، خورشید و معبد شیو و در مکانهای زیاد دیگر، بسیاری از مسلمانان و غیر مسلمانان باور کردند که ایشان همان مری موعود میباشند یا کالکی اوتار و یا مسیحا. بسیاری از کتابهای مقدس آمدن او را پیشگویی کرده بوند.

ما از شما دعوت میکنیم تا خودتان قضاوت بفرمایید. برای مطالعه و جستجو با ماس بگیرید. شما میتوانید وجود و خصوصیات ایشان را از کتابهایشان دریافت کنید.

محمد یونس الگوهر

لندن ، انگلستان

younus38@hotmail.com



## ابتدائیه

ادیانی که بر اساس کتب آسمانی هستند معتبرند تا زمانی که تغییری در آنها داده نشده باشد.

ادیان، قایقها و دانشمندان همانند ملاحانند. هر کدام عیبی داشته باشند، غیر ممکن است که بساحل برسند؛ هر چند که، اولیاء میتوانند کشتی شکسته را نیز به ساحل برسانند (مردم را). دل شکسته هابه همین منظور دور آنها جمع می شوند.

بالاتر از دین، عشق به خدا است که عصاره ادیانند، در حالیکه نور خدا روشنگر راه می باشد.

سه بخش دانش ظاهریه می باشند و یک بخش باطنیه دیگر توسط خضر توسعه یافت (ویشنو مهاراج).

عشق به خداتنها راه نزدیکی به خدا می باشد. سگ بهتر از کسی است که قلبش خالی از عشق به خدا است، چون سگها به اربابشان عشق می ورزند، و طالب نزدیکی به صاحبشان هستند، در غیر این صورت سگ و انسانی که با آسمان ارتباط دارد قابل مقایسه نیستند.

اگر بخواهید بهشت و حور یانش را، خدا را زیاد عبادت کنید تا به بالاترین طبقه بهشت برسید.

در عین حال، اگر شما در جستجوی خدا هستید، شما روحانیت را نیز بیاموزید، تا اینکه وقتی در راه راست قرار دارید بتوانید رایحه خدا را بدست آورید.

حضرت ریاض احمد گوهر شاهی

## انسان از ابتدای انبیا

وقتی خدا خواست ارواح را بسازد، او گفت "باش" (گن) و بسیاری ارواح بوجود آمدند. در مقابل خداوند یک او ارواح پیغمبران بودند. پشت سر او در ردیف دوم ارواح اولیاء بودند و ردیف سوم ارواح مؤمنین و پشت سر آنها ارواح مردم عمومی بودند. بنابراین، ارواح زنان در جایگاه چشم انبیا را نمی دید و پشت سر آنها ارواح حیوانات و بعد ارواح گیاهی و دیگر ارواح جمادات که قادر به حرکت نبودند در دست راست خدا، ارواح فرشتگان بودند متعاقب آنها حوریان (بهشتی) آنها نمی توانستند چهره خدا را ببینند، چون فرشتگان در طرف راست خدا بودند، نمی توانستند چهره خدا را ببینند و پشت سر آنها ارواح موکلین بودند (موجودات شبیه فرشته) که بعداً به دنیا آمدند تا مراقب پیغمبران و اولیاء باشند. در طرف چپ خدا، روح جنها بودند پشت سر آنها ارواح جنیمی بودند و روحهای بد، که به شیطان بعد از آمدنش به کره خاکی کمک می کردند. ارواح چپ و راست، نمی توانستند تجلیات باری تعالی را ببینند (قبل از خلقت)

به این دلیل اجنه، فرشتگان و زنان می توانستند دو طرفه با خدا صحبت کنند ولی نمی توانستند او را ببینند.

یک توپ آتشین بود که خدا فرمان داد سرد شود، پس قطعات آن در فضا پخش شد (تشکیل منظومه شمسی را دادند)، ماه خورشید، ژوپیتر، زمین و ستاره ها همه قطعات آن می باشند. و خورشید هم باقی مانده آن گوی آتشین می باشد. زمین چیزی نبود جز خاکستر. ارواح جمادی (ارواحی که تشکیل آنها می ساخت را می دهند) به پایین فرستاده شدند به زمین تا تشکیل سنگها را بدهند. سپس، ارواح گیاهی به پایین فرستاده شدند تا تشکیل درخت جوانه بار در سنگها بدهند از آن بعد، حیوانات از ارواح حیوانی بوجود آمدند در روی زمین در حیطه خاکی.

خدا از همه ارواح پرسید (در زمان قبل از خلقت)، "آیا من را باب شما هستم؟" تمام ارواح قبول کردند و در جواب رو به زمین حرکت کردند. ارواح گیاهی و صحراها هم رو به زمین کردند همانطور که در یک آیه از کتاب مقدس اشاره شده.

سپس برای آزمون ارواح. خدا یک جهان خیالی به نمایش گذاشت به لذات آن، و پرسید چه کسانی به آن تمایل دارند (جهان) بروند و به آن برسند. تعداد زیادی از ارواح به طرف آن هجوم بردند و از چهره خدا دوری گزیدند. برای آنها سر نوشت رفتن به جهنم رقم زده شد. سپس خدا صورت بهشت را به ارواح نشان داد که از صورت اولی اولاتر بود و محلی برای مطیعان و فدائیان، خیلی از ارواح بطرف آن رو کردند برای آنها بهشت نوشته شد. بسیاری از ارواح نتوانستند تصمیمی اتخاذ کنند جای آنها بین خدا و شیطان تعیین شد. روح آنها بین این دو گرفتار شد در زندگی زمینی و سر نوشت آنها مربوط به کسانی شد که با آنها ارتباط برقرار کردند.

بسیاری از ارواح چهره خدا را نکرده (قبل از خلقت) بدون توجه به بهشت یا دنیا. خدا آنها را دوست دارد و آنها عاشق هستند. پس از آمدن به دنیا آنها دنیا را مادی را رها کردند و به جنگل پناه بردند. برای خدمت به ارواح و شادی آنها هیچ ه هزار نوع مخلوق بوجود آمد. شش هزار در دریا، شش هزار بر روی زمین و شش هزار در هوا و فضای آسمانی. سپس خدا هفت طبقه بهشت ساخت و هفت طبقه جهنم. هفت طبقه بهشت عبارتند از (خلد، دار السلام، دار القرار، عدن، المأوا، نعیم و فردوس) هفت طبقه جهنم عبارتند از (سقر، سعیر، نلی، حطمة، جحیم، جهنم و باوید).

تمام این اسامی سریانی هستند - (زبانی که خدا با آن به فرشته ها تکلم می کند) -

تمام ادیان اصولی دارند که خدا آنها را به جهنم می فرستد یا بهشت، هر چه او اراده کند - اگر خدا روحی را مستقیماً به جهنم بفرستد (قبل از خلقت) او شکایت خواهد کرد که او چه گناهی مرتکب شده - خدا به او می گوید که تو رویت را از من گرداندی و دنیا را برگزیدی - روح سپس خواهد گفت "این تنها یک قرآحقیانه بودن یک عمل" - سپس روح به دنیا فرستاده خواهد شد تا ثابت کند این بهانه را -

آدم که پنجمین شکلرگی شناخته میشود، از خاک بهشت خلق شد، غیر از روح انسانی خصوصیات روانی دیگری نیز در آن قرار گرفت - وقتی بدن آدم ساخته می شد، شیطان از حسادت به او ترف انداخت - و آب دهن بر ناول افتاد میکرب آب دهن وارد بدن شد - شیطان از اجنه می باشد و در ادبیات دیگر کشورها گفته شده که هر کس بدنی می آید یک روح جنی همراه او بدنی می آید (شیطانی) بدن انسانی از خاک ساخته شد تا شانزده پدیده روانی را در خود جادو دهد همراه با خناس و چهار پرنده روحانی نیز -

قسمتی از دنده چپ آدم بیرون آمد که شبیه به یک زن بود - سپس یک روح در آن دمیده شد و تبدیل به "حوا" شد - بنا بر این آدم از آسمان به سری لکانزول کرد و حوا به جده فرستاده شد - این پایه نژاد آسیایی است سپس ارواح دیگر به زمین فرستاده شدند - ادیان مثل کلاسهایی برای تربیت مردم قرار داده شده پنجمین برای صعود و تعلیم ارواح - طبق سرنوشت آنها در قبل از خلقت، بعضی دارای دین شدند و بعضی بدون دین -

ارواحی که عاشق خدا بودند نیز به این دنیا آمدند - بعضی از آنها به خانه مسلمانان آمدند، بعضی در خانه هندو و بعضی در خانه سیک ها، مسیحیان یا یهودیان - آنها در صد پیدا کردن خدا از طریق ادیان خود بر آمدند - به این دلیل است که برگزیدگان هر دین به مقام زهد رسیدند - بعضی می گویند که زهد (گوشه گیری) در اسلام نیست - این ادعا صحیح نیست - پیغمبر اسلام نیز به غار "هرا" میرفت - شیخ عبدالقادر گیلانی، خواجہ معین الدین جمیری، داتا علی، ججویری، بری امام، بابا فرید، شهباز قلندر و غیره به مقام صعود روحانی رسیدند فقط بعد از زهد (تصوف) - تبلیغات دینی توسط آنها انجام میشود -

## اصل انسان در جهان

وقتی که انسان وارد رحم میشود روح جمادی وارد میشود تا خون را قادر به جمع آوری کند - سپس جنین در رحم رشد می کند بدون روح گیاهی - روح حیوانی بعد از چهار ماه وارد رحم میشود و جنین شروع به رشد می کند - آنها را به نام روح زمینی می نامند - پس از تولد، روح حیوانی همراه با خصوصیات روانی دیگر وارد بدن میشود که ارواح آسمانی نامیده میشوند -

اگر بچه در رحم بمیرد چند ماه قبل از تولد، هیچ مراسم تدفین برایش انجام نمی شود مثل اینکه او یک انسان کامل نبوده - اما اگر چند لحظه پس از تولد بمیرد، مراسم تدفین برایش لازم است - بجا آورد - روح انسانی همراه با روح فردی همراه با خصوصیات همراهش در نقطه ناف - اگر روح جمادی قوی باشد او ترجیح می دهد در کوه زندگی کند و اگر روح گیاهی در او قوی بوده باشد احساس قوی خواهد داشت نسبت به گلها و گیاهان و همچنین رفتار حیوانی توسعه می یابد اگر روح حیوانی در کسی مسلط شود فرد شبیه به یک سگ می شود - اشخاصی که شخصیت فردی (خود) در آنها مسلط شود شرمی شوند و شیطان بر روح آنها در دفاع از خود مسلط می شود آنها در وقت ورود به بدن شخص به مردم آسیب می رسانند آنها را ارواح شیطانی می نامند - بر طبق انجیل، مسیح عادت داشت که ارواح شیطانی را از بدن آنها بی که دارای آنها بودند خارج کند - روح زمینی همراه با خصوصیات فردی بعد از مرگ در جهان می ماند در حالیکه روح انسانی یا به علین بالا رفته یا به سحین نزول پیدا می کند - همان جاییکه ارواح شرم تا روز قیامت - بقیه خصوصیات روانی انسان در وجود او اگر تعالی یافته باشد به علین می رود، در غیر این صورت در قبر فاسد می شوند - بعلت خصوصیات فردی انسان ناخالص شد -

به گفته "ولی بوله شاه" خصوصیات فردی ما را ناخالص ساخت، ما از ابتدا ناخالص نبودیم - کتابهای مقدس آشکار شدند پیغمبران و اولیا برای پاکی روح بشر آمدند انسان بعضی اوقات از جهنم می ترسید و بعضی اوقات با انگیزه بهشت به حرکت در می آمد - با تجربه انواع مختلف تقدس، تفکرات، عبادت، روزه مساعی انسان شروع به تحول و پیشرفت می کند فقط آنوقت است که او شایسته رفتن به بهشت می شود - بسیاری خود را پاک کردند با دانش اختصاصی و از آنجا در زمره دوستان خدا درآمدند -

## وجود نفس (خودمرکزی یا من)

این میکرب شیطانی است و جای آن در نقطه ناف می باشد۔ تمام پیغمبران و اولیا از زشتی او در جستجوی راهی بودند۔ خوراک او فسفری و بدبو بوده که در اتخو آنها یافت می شود همچنین در ذغال و تاپاله۔ تمام ادیان اکتھام را بعد از رابطه جنسی تجویز کرده اند بعلت بوی بد عمل از روزنه های پوست بیرون می زند۔ بعلاوه نوشیدنیها گوشت حیوانات با بوهای بد۔ استفاده از آنها برای انسان ممنوع شده تمام ارواح در پیشگاه خدا حتی ارواح جمادی همه با هم آشنا شده و متحد شدند در زمان قبل از خلقت۔ انسان خانه ساخت از صحره بواسطه داشتن روح جمادی از شاخ و برگ درختان سقف ساخت بخاطر داشتن روح گیاهی۔ از سایه درختان استفاده کرد چون آن اکسیون تمیز برایش میساخت۔ ارواح حیوانات که در پشت دیگران قرار داشتند هم به جهان آمدند و حیوان شدند و برای استفاده انسان حلال شدند۔ پرندگان نیز بهمان ترتیب حلال شدند۔

در سمت چپ خدا، اجنه و ارواح دوزخی بوجود آمدند، و پشت سر آنها ارواح شیطانی که بعد آن دشمن خدا شدند، ارواح حیوانی، گیاهی و جمادی که پشت سر ارواح شیطانی قرار داشتند با انسان به ضدیت برخاستند۔ ارواح جمادی این بحث وقتی به دنیا آمدند خاکسترو ذغال شدند۔ گازهای متصاعد شده از آنها برای انسان مضر بود۔ گیاهان خاردار خطرناک و درختان انساخوار از ارواح گیاهی این بحث پدیدار شدند۔

در رابطه با ارواح حیوانی این بحث (در طرف چپ خدا) حیوانات انساخوار و وحشی بوجود آمدند پرندگان مربوط به این گروه که مضر برای انسان تشخیص داده شد حرام اعلام گردیدند۔ این دسته پرندگان بواسطه اینکه غذای خود را با آنچه های خودی گیرند شناخته میشوند۔

ارواح سمت راست خدا بدنیآ آمدند بصورت نوکران کمک یا نامه بر برای انسان۔ خدا انسان را بالاترین موجودات قرار داد۔ اکنون انسان مختار است که با کوشش و سر نوشت خود این مقام را حفظ کند یا از دست بدهد۔

روح در خواب از بدن خارج میشود بصورت انسان ظاهر میشود، و در اجتماع شیاطین وارد میشود۔ روح (خود) همراه خناس که شبیه یک فیل است و بین نفس و قلب می نشیند حرکت می کند۔ خناس همراه نفس به گمراهی انسان می پردازد۔ بعلاوه چهار پرنده روحانی به چهار بخش روحانی انسان می آویزند در بدن انسان و او را گمراه می کنند۔ از این چهار پرنده خروسک به قلب می آویزد و آنرا به هوسها متمایل می کند۔ با تفکرات قلب خروسک مصفا شده و به آگاهی می رسد تا بین خوب و بد انتخاب کند و حلال و حرام را بشناسد۔ قلب در این حالت ”قلب سلیم“ نامیده میشود (قلب سالم)۔

چسبیده به وجود روحانی سیری که یک کلاغ است خالق حرص است۔ تشابه با آن، همراه با خنی یک طاوس است که خالق حسد است و همراه با انھی کوتریت که خالق خست می باشد طبیعت این پرندگان وارد می کند حرص و حسد را بر وجود روحانی۔ تا زمانیکه روشنایی روحانی به آنها بتابد همین چهار پرنده بوند که از بدن ابراهیم گرفته شد، خالص شد و به بدنش برگشت۔ پس از مرگ، پرندگان داخل بدن تزکیه یافته پس از خروج از آن به خانه شان در درخت برمی گردند۔ بسیاری از مردم صدای شبیه به پرندگان از خود در می آورند پس از گذراندن چند روز در جنگل۔ این پرندگان با صمیمیت به آنها کمک کردند تا شفا یابند۔

## نکته مهم

روح شخصیت فردی (خود) در ارتباط با شیطان است - پنج موجود روحانی داخل سینه با احترام مرتبط به پنج پیغمبر بزرگ می باشند -

موجود روحانی انا (که در سر جادارد) در ارتباط با خدا است -

مشابه آن، رابطه بدن انسان با کامل مرشد میباشد (ارباب جهانی) -

وقتی انسان در ارتباط خاص با وجود روحانی نباشد او خود را از ارتباط با بخشندگی و عظمت روحانی محترمانه جدا می کند -

## وجود روحانی قلب

پیامبری و دانش به پیامبر "آدم" هدیه شد

قسمت گوشتی قلب "دل" به اردو و "فواد" به عربی نامیده میشود. وجود روحانی (عضو ظریف) همراه دل همان "قلب" نامیده میشود. حضرت آدم پیغمبری و دانش را دریافت کرد. با یک رسم پیغمبری، تفاوتیست بین "دل" و "قلب" این جهان خاکی عالم ناسوت. بعلاوه، عالمهای دیگری وجود دارند مثل ملکوت (محل ملائکه ها)، عکبوت، جبروت (عالم آسمانی) لاهوت (عالم طبیعت خدایی) وحدت (عالم اتحاد) احدیت (عالم وحدانیت خدا).

این عوامل قبل از انجبار کلوله آتشین در عالم زمینی ناسوت وجود داشتند و خصوصیات آن قبلاً بهمان شکل بود. ملائک همراه با ارواح بوجود آمدند اما ملائک مقرب و موجودات روحانی لطائف (که در زمان تولد در درون او بوجود آمدند) قبلاً در این ایستگاهها وجود داشتند. بعداً، بسیاری از سیارات در عالم خاکی وجود داشتند. همزمان، بعضی از این اشکال زندگی خاموش شدند و دیگران در انتظار (فناهی خود) بودند. فرشته های مقرب و موجودات روحانی "لطائف" (بدن انسان) هفت هزار سال قبل از خلقت (کن) ارواح وجود داشتند. از موجودات روحانی خدا "قلب" را ایستگاه عشق قرارداد. اورا بطی است که ارتباط بین خدا و بنده را برقراری سازد و مثل یک اپراتور تلفن می ماند بین خدا و بنده او دلیل (اثبات تظاهر) والهام به انسان از طریق آن انجام خواهد شد.

عبادتی که توسط موجودات روحانی انجام میشود به بالاترین عالم راه پیدای کند تا سریر خدایی از راه آن عبور می کند. اما این وجود خودش به تنهایی نمی تواند از ملکوت بگذرد (عالم ملائکه ها) جای آن در خلد (آسمان پائین) میباشد.

عبادت او در وسط میماند و تسبیح حسش در میان اسکلتش باقی می ماند (ضربان قلب). ساکنین بهشت بدون تفکرات او (در جهان) پشیمان خواهند شد، زیرا خدا گفت آیا ساکنین بهشت فکر می کنند که آنها باز با دمساویند (که به عالم بالاتر رسیدند با رفتار روحانی، چون آسمان هفت طبقه دارد). آنها بی که تفکرات قلبی انجام میدهند از لذت آن در بهشت بهره مندی شوند (وقتی که قلب آنها با اسم الله به پیش درمی آید. همانطور که در دنیای تمثیلی انجام می داد) دنیای غیر روحانی با مرگ از بین می رود. آنها بیکه قلب و وجودهای روحیشان به اندازه کافی قوی نیست از نور خدا، در قبر از میان میروند و تباها میشوند. اما وجودهای مصفی و وجودهای قوی روحانی به علین می روند (مکانهای بالا) پس از روز جزا، و یک بدن جدید به آنها داده خواهد شد و وجودهای مصفای روحانی همراه با روح انسانی به بدن وارد خواهد شد. مردمی که به وجود روحانی خود تفکر را آموخته اند و اسم خدا را میسر آیند در این دنیا همین نام در دنیای دیگر نیز زمزمه می کنند آنها به صعود ادامه می دهند وقتی به آنجا برسند "پرده قلبها" (که به روشنی نرسیده اند) در این دنیای تمثیلی، پرده سیاه بر قلبشان کشیده شده در جهانی که در پیش دارند، (چون آن جهان عمل بود) پس همانطور بدون حرکت باقی خواهند بود.

هم مسیحیان و یهودیان، و هم هندو با به موجودات روحانی اعتقاد دارند. هندو با به آنها "شاکتیان" می گویند و مسلمین آنها را الطائف مینامند. قلب دوازده طرف چپ دل قرار دارد. این موجود رنگش زرد است. بر انگلیختن آن چشم هارابه رنگ زرد متمایل می کند. آنهایی که دارو های دیگری را تجویز می کنند مردم را به رنگ این الطائف روحانی معالجه می کنند.

معمولاً مردم کلمات دشان را (احساسات درونیشان را) بعنوان حقیقت می پذیرند. اگر دلها در حقیقت راست می گفتند پس چرا همه اهل دل متحد و یکصد نیستند. قلب بسیاری از مردم خواب و بی احساس است. (قلب صنوبر) و هیچ فهم و درک صحیحی ندارد. این عدم فهم و ادراک بواسطه تسلط نفس و خناس (وسوسه گر) می باشد. یا بواسطه سادگی و نفهمی آنهاست.

وارد کردن اعتماد به دل خواب (بی حس) احمقانه است. وقتی نام خدا دل را به پیش و امیدار در درک درست و غلط و فهم متعاقب آن می آید. در این حالت قلب سلیم ناامیده میشود (قلب سالم). و تعالی تفکرات قلب به سوی خدا تغییر جهت می دهد. در این صورت نامش قلب منیب است (قلب تائب). این قلب می تواند انسان را از شرارت بازدارد اما قضاوت صحیح را باعث نمی شود. وقتی تجلیات خدای شروع به پر کردن دل میشود به آن قلب شهیدی گویند.

یک رسم پیغمبری بیان می کند "رحم خدا به دلهای شکسته و قبرهای شکسته سرازیری شود". (وقتی دل به این مرحله می رسد) انسان باید با آمادگی هر چه دل می گوید قبول کند بخاطر (تجلیات) نفس به نفس مطمئنه تبدیل میشود. در این موقع خدا به او نزدیک تر است از برگ گردن. خدا سپس می گوید: "من زبان او می شوم که با آن سخن میگوید من دست او می شوم وقتی میگیرد".

## روح انسانی

### پیغمبری و دانشش به ابراهیم تعلق گرفت

وجود روحانی "روح" در طرف راست سینه قرار دارد. تفکرات و اندیشه ها روح را برمی انگیزد، سپس تپشی همچون تپش دل مدام طرف راست را می لرزاند. سپس نام خدا "یا الله" هماهنگ میشود با این لرزش. به این ترتیب، دو موجود روحانی متفکر داخل انسان وجود خواهند داشت و این از تفکرات قلبی نیز بالاتر است. رنگ روح قرمز است، وقتی روح بیدار می شود بطرف عالم ارواح پرواز می کند، جبروت، که جایگاه جبرئیل است خشم و طغیان به آن آویزان میشود و در بزرگی او تاثیر میگذارد.

## وجود روحانی سری (مخفی)

### پیغمبری و دانش آن به موسی داده شده

این موجود روحانی در سمت چپ مرکز سینه قرار دارد. آن هم توسط تفکرات در باره خدا "یا حی یا قیوم" بحرکت در خواهد آمد. رنگ آن سفید است. در حالت رؤیا تفکرات عرفانی آن سفری کند تا "لا هوت" عالم طبیعت آسمانی. اکنون سه وجود روحانی در دل انسان در تفکر اند و آن از



## وجود روحانی خفی

پیغمبری و دانش آن به پیغمبر عیسی مسیح اعطا شد

این در طرف راست مرکز سینه قرار دارد۔ آنهم نام خدا را بصورت ”یا واحد“ آموخته است با تفکر۔ رنگش سبز است۔ رسیدن به آن از راه وحدت میباشد (عالم یگانگی)۔ رتبه انسان مرتباً افزوده میشود با تفکر در چهار (لطائف)، مورد۔

## وجود روحانی اخفی (مخفی)

پیغمبری و دانش آن به حضرت محمد ﷺ اعطا گردید

این موجود در مرکز سینه وجود دارد۔ تفکر در باره نام خدا از راه ”یا احد“ به نقطه اوج خود میرسد۔ رنگش بنفش است آنهم مربوط میشود به پرده وحدت که در پشت آن تاج و تخت خدایی قرار دارد۔

دانش خاص در باره این پنج موجود روحانی با کمال احترام به پنج پیغمبر بزرگ اعطا گردید۔ و نصفی از هر کدام از این پنج وجود روحانی نصیب اولیا شد۔ به این ترتیب، به ده قسمت تقسیم شدند۔ سپس، برگزیدگان نیز از سهمیه اولیا بهره گرفتند۔ دانش خاکی مربوط به قسمت فیزیکی بدن میشود (غیر روحانی) کلمات ادا شده۔ عالم خاکی، و نفس (خود) و برای مردم عادی میباشد۔ این دانش در کتاب مربوط به بدن که سی بخش دارد۔ پیغمبران دانش مربوط بدن را نیز از راه ”وحی“ (پیغام آورده شده توسط جبرئیل) می آموزند و ”کتاب مقدس خاکی“ نامیده میشود بسیاری از آیات قرآن بعد از نازل شدن منسوخ گردیدند۔ زمان پیغمبر فقط آیاتی که مربوط به برگزیدگان بودند نازل شد و پیغمبر آنها را بازگو کرد۔ بعداً تفویض این دانش از راه دنیوی ادامه پیدا کرد، از یک ولی به دیگری و اکنون در کتابها بازگو میشود۔

## وجود روحانی اتا (لطیفه اتا)

این موجود داخل سر میباشد و بی رنگ میباشد۔ تفکرات بر اسم خدا ”یا هو“ راه رسیدن به آن است این موجود روحانی وفق تقویت شود با خدا مقابل میشود چهره به چهره و قادر خواهد بود شخصاً بدون پرده با خدا صحبت کند۔ این ایستگاه ”عشق“ میباشد (دوستی عاطفی با خدا)۔ بعلاوه آن، خدا به برگزیدگان خود موجودات روحانی دیگر را نیز مثل ”طفل نوری“ یا ”جسه توفیق الهی“۔ موقعیت آن بالاتر از فهم انسان میباشد۔ با موجود روحانی اتا (لطیفه اتا) دیدن خدا در رویاست با وجود روحانی ”جسه توفیق الهی“ دیدن خدا از راه مراقبت میسر است (وحی موجود روحانی خودش از بدن انسان خارج میشود و به اصل الهی واصل میشود)۔ آنها نیکه دارای موجود روحانی طفل نوری میباشد خدا در دنیا بند وقتی در خود آگاهی قرار دارند۔

آنها "نائب اللہ" نامیده میشوند (نواب خدا) در جهان۔ آنها میتوانند هر کسی را توسط عبادت بگیرند و در تقدس خود و یا اینکه بستایند هر کسی را با نگاهشان در مقام محمود (محل عظمت و بزرگی)۔ لطف روحانی آنها بطرف مسلمین سر از یراست بطرف زندگان و مردگان بطور یکسان۔ همانطور که دزد برگزیده شد بعنوان قطب (ولی) با نگاههای از طرف شیخ عبدالقادر گیلانی، یا ابوبکر حواری یا اینکه منگای دزد بعنوان پیر (مرشد) برگزیده شد با نگاههای از طرف برگزیدگانی مثل او۔

پنج پیغمبر بزرگ با کمال احترام دانش موجودات روحانی (لطائف) به آنها داده شد۔ (با هماهنگی با ظاهری قیافه آنها) همانطور که روحانیت به رشد ادامه میدهد۔ با هر کدام از برگزیدگان شهادت فکر اتان همراه شوید، شهادت در دین مرتبین با پیغمبر قرار خواهد گرفت و کمال روحی قابل احترام۔ هر کدام از موجودات روحانی که تجلی را دریافت کنند۔ زهدی که به آن موجود روحانی عطا شده مرتبط میشود با خط همان پیغمبر۔ پیش رفتن بسوی عوالم هفتگانه و مراتب در هفت آسمان از طریق همین هفت وجود آسمانی میسر است۔

## وظیفه لطائف (وجودهای روحانی) در داخل بدن انسان

**وجود انھی:** انسان در رابطه با وجود روحانی انھی صحبت می کند، در غیر این صورت، انسان لال است با وجود داشتن زبان تفاوت انسان و حیوان مربوط به همین وجود روحانی میباشد۔ در زمان تولد، اگر انھی به هر دلیلی وارد بدن انسان نشود پیغمبر محترم که وظیفه داشت (که شرط رابر آورد) که او را به صحبت در آورد همان که شروع به حرف زدن میکند۔

**وجود سری (راز):** انسان توسط وجود روحانی سری می بیند۔ اگر نتواند وارد بدن بشود، انسان از بدو تولد کر میباشد۔ پیغمبر محترم این وظیفه را داشت که شرائط را انجام دهد که شروع بدیدن میکند۔

**وجود قلب:** بدون این وجود روحانی انسان شبیه به یک حیوان میشود۔ نا آشنا و دور از خدا، زندگی بی هدف و همراه با بدبختی خواهد بود۔ بر گرداندن این موجود به بدن انسان نیز وظیفه پیغمبر میباشد۔ معجزات پیغمبران همچنین به اولیا عطا شد بصورت کرامات به این دلیل ناپاکان و متجاوزین همه به خدا رسیدند۔

## وقتی وجود روحانی محترم برگردانده میشود از طریق ولی یا پیغمبر کرال و کور شفافی یابد

**وجود انا:** وقتی موجود روحانی نتواند وارد بدن شود انسان مجنون به حساب می آید حتی اگر تمام اعصاب و جوارح او عادی کار کنند۔

**وجود خفی:** انسان بدون وجود خفی کر است حتی اگر کانال های گوش کاملا باز باشد۔ شرائط فیزیکی همچنین میتواند علت کری باشد اما آن قابل علاج است۔ اما اگر علت داخلی باشد شفافی یابد مگر به کمک یک پیغمبر یا ولی۔

**وجود نفس (وجود شهوانی نفس)۔۔ خود:** راه انسان بطرف دنیای مادی ادامه می یابد در رابطه با نفس و به خدا میرسد به کمک قلب۔

## کلمه الله

زبان سریانی که با آن در عالم سماوات صحبت میشود زبانی است که خدا فرشته بابا هم در آسمانها صحبت می کنند. آدم صلی الله در بهشت با این زبان صحبت میکرد، آدم و حوا به کره زمین نزول کردند. و در عربستان مسکن گزیدند. بچه های آنها نیز با همان زبان صحبت می کردند به علت اینکه بچه های آنها در سرتاسر زمین پراکنده شدند زبان آنها به زبانهای فارسی، عربی، لاتین و انگلیسی تغییر یافت. به این ترتیب خدا در هر زبانی نامی یافت. چون آدم در عربستان زندگی می کرد بسیاری از کلمات سریانی به زبان عربی وارد شده. خدا با پیغمبران صحبت کرد، آدم بعنوان آدم صلی الله. عیسی بعنوان عیسی روح الله و محمد رسول الله این کلمات (اغلب) در زبان سریانی در لوح محفوظ حک شده بود قبل از اینکه پیغمبران بدینا بیایند. به این دلیل پیغمبر محمد ﷺ گفت من قبل از اینکه بدینا بیایم پیغمبر بودم.

### بعضی فکر می کنند کلمه الله نامیست که توسط مسلمانان داده شده، اما اینطور نیست

نام پدر حضرت محمد "عبد الله" بود که قبل از اسلام زندگی کرد. نام "الله" (کلمه) تمام ادیان قبل از اسلام نیز بوده. وقتی ارواح بوجود آمدند اولین (کلمه) که ادا کردند "الله" بود. وقتی روح وارد بدن آدم شد اولین بار (کلمه) الله را ادا کردند. روح بعد از گفتن (کلمه) "یا الله" وارد بدن شد. بعضی از ادیان این را قبول دارند. و (کلمه) "الله" را تکرار می کنند، و بعضی بخاطر سوءظن و شک از آن امتناع می کنند.

### هر نامی که به خدا مربوط میشود قابل احترام است

راهش را بسوی خدا عوض می کند. اما اثر (متعدد بودن) نام (خدا) آنها از هم سوا کرد. طبق ترتیب حروف و تلفظ آنها یک ترتیب شماره برای هر کدام از حروف وجود دارد. همچنین یک دانش آسمانی وجود دارد. ارزش شماره ای مربوط به همه خلقت می باشد. تصادفاً، ارزش شماره ای هماهنگی در داخل خود ندارند همچنانکه انسان نگران است. بسیاری بطرف ستاره شناسان و آشنایان به این علم میروند و فال بینی. واسطه بانی دارند بر اساس ستاره ها و آنها نامهای بچه های خود را بر اساس آن انتخاب می کنند. یک ترتیب قرار گرفتن حروف عربی (مثلاً، ا، ب، ج، د) (۲، ۳، ۴) به این شکل ارزش حروفی به آنها داده شد. بهیچطور بر اساس این حروف ابجد هر اسمی یک ارزش عددی دارد. اگر همه مردم خدا را به یک نام می نامیدند آنها همه روحاً متحد می شدند با وجود تفاوت دینی آنها. سپس آنها هم مثل ناک صاحب و بابا فرید می گفتند "تمام ارواح از نور خدا آفریده شده اند گرچه محیط و اجتماعاتشان جداست".

ملائکه بانی که در زمین و ظاهری دارند، همچنین زبان مردم دنیا را آموخته اند. برای پیروان هر پیغمبر مهم است زمزمه کنند نیایش "کلمه" ای را که توسط رب به پیغمبرش داده شده در زمان خاص، برای تشخیص، سپاس و تذکیر جامعه اش. و رود هر شخص به هردین منوط به عرضه "کلمه" میباشد. همانطور که قول و قرار در ازواج و خطبه آن یک نوع پیش شرط میباشد، و رود به بهشت نیز منوط به عرضه و بیان "کلمه" میباشد (در اسلام شهادتین). اما در جهان غرب بسیاری از مسلمان و مسیحیان از "کلمه" پیغمبر ایشان اطلاع ندارند یا حتی نام اصلی پیغمبر ایشان را (در زبان اصلی پیغمبرشان).

مردم در موقع بیان کلمه احتیاج به اعمال نیک دارند، و آنهایی که نمی‌توانند کلمه را بیان کنند به بهشت راه ندارند. آنها نیکه در قلبشان تأیید کلمه ریشه گرفته بدون هیچ اشاره‌ای به بهشت وارد میشوند. کتاب آسمانی در هر زبانی که بوده باشند. و اگر در زبان اصلی باشند، وسیله‌ای برای پیدا کردن خدا میباشند. متون به بلوغ رسیده و ترجمه‌ها (مثل آردی که تغییر ماهیت داده برای معده مضر است) برای دین مضرند و گلهای یک دین و یک پیغمبر به حقایق بسیاری تقسیم شده‌اند.

برای اطمینان از شناخت راه راست بهتر، از انوار الهی راهنمایی بجوئیم.

## روش ایجاد نور

در زمانهای قبل از تاریخ - ماش سنگها بهم ایجاد آتش میکرد - و ماش دو قطعه فلز نیز ایجاد جرقه می نماید - اکنون الکتروستات از حرکت آپ بوجود می آید - مشابه آن، از حرکت قلب در بدن ایجاد الکتروسیسته می شود و همچنین از حرکت خون در رگهای انسان - تقریباً یک نصفه (۱/۲) ولت برق در بدن وجود دارد، این بدن انسان را به حرکت سریع وامی دارد، همانطور که ضربان قلب در افراد پیر کند می شود، مقدار برق در بدن کم میشود و همینطور چاقی انسان کم میشود - اولاً باید ضربان قلب مناسب نگهداشته شود - بعضی بار قص و دیگران با ورزش و نرمش و بعضی با زمزمه نام اللہ یا کار را انجام می دهند -

وقتی ضربان قلب مناسب باشد، سعی کنید "اللہ اللہ" را هماهنگ کنید با یک ضرب قلبتان و "هو" گفتن را با ضرب ای دیگر - بعضی اوقات داستان را روی قلبتان بگذارید و با احساس ضربان آن هماهنگ کنید با نام اللہ - گاه گاه هماهنگ کنید آنرا با ضربان (ریتیم) قلب - و تصور کنید که خدا وارد قلبتان می شود - زمزمه "اللہ هو" بهتر و نافذتر است - اگر کسی "هو" را در کند یا از زمزمه "هو" میترسد بهتر است بجای آن "اللہ اللہ" را هماهنگ کند با ضربان و ورزش - زمزمه کند برای آنها نیکه در کلیسا دعای خوانند، تذکار و سرود باعث پاک ماندن هر چه بیشتر میشود -

کارهای نامحترمانه به اتمام نمی رسند و کارهای خوب به اتمام و اکمال میرسند

**اولین روش بوجود آوردن نور:** اللہ را روی یک کاغذ با مرکب سیاه بنویسید و تکرار کنید هر اندازه میتوانید بصورت روزانه - یک روز کلمه اللہ در مقابل چشم شما نقش می گیرد از روی کاغذ - سپس، سعی کنید جا بجا کلمه اللہ از چشمتان به قلبتان توسط تمرکز -

**روش دوم برای ایجاد نور:** اللہ را روی یک لامپ صفر و آبی بنویسید - وقتی بیدارید یا قبل از رفتن به رخت خواب، تمرکز پیدا کنید و سعی کنید که این نام را در چشمتان جذب کنید - وقتی ظاهر شود یا بالای چشمتان به پرواز درآمد یعنی پس از چند روز سعی کنید آنرا با تمرکز به قلبتان وارد کنید -

**روش سوم ایجاد نور:** این روش برای انسانی است که مرشد کامل دارند (رهبر جهانی) که رهبری می کند توسط ارتباط و وابستگی روحی خود - در گوشه انزو بگیرد، تصور کنید انگشت اشاره شما یک قلم است - با استفاده از انگشت و با تمرکز، سعی کنید کلمه اللہ را روی قلبتان بنویسید - رهبر جهانی خود را صدا کنید تا او هم - در حالیکه انگشت شمارا گرفته کلمه اللہ را روی قلبتان حک کند - هر روز این کار را تمرین کنید، تا وقتی که ببینید کلمه اللہ روی قلبتان حک شده - در اولین و دومین روش نام خدا بر قلب نقش می بندد و همیشه بخوبی دیده میشود و وقتی با ضربان قلب هم آهنگ شد - کم کم شروع به درخشش می کند - همانطور معاون رهبر جهانی از این راه به نتیجه رسیده - بسیار خوب نوشته شده و از ابتدا روی قلب می درخشد -

بسیاری از پیغمبران و اولیا به این جهان می آیند - فقط برای آزمایش در حین ذکر (تفکر) - اگر شما مناسب دیدید گاه گاه تمرکز پیدا کنید و نام آنها را بر زبان آورید - اگر ضربان قلب شما زیاد شد یا حال خوشی یافتید به این معنی است که سر نوشت شما (سهم شما از رحمت و مغفرت) همراه آن پیغمبر یا ولی است - او را برای مواقع تمرکزتان انتخاب کنید (حالت خلسه) - زیر اهرولی (مرد خدا) مربوط به یک پیغمبر میشود، حتی اگر آن پیغمبر در حال زندگی خاکی نباشد -

رحمت و مغفرت هر مؤمن با یکی از اولیا است - زندگی خاکی آن ولی یکی از پیش شرطهاست - گاهی یک انسان خیلی خوشبخت رحمت روانی آسمانی را بواسطه یک ابر مرد جهانی خاص دریافت می کند (که در حال زندگی نباشد) اما این خیلی کم اتفاق فی اقدما از بادی که در این جهان خاکی در حال زندگی نیستند این رحمت جهانی میتوانند از داخل قبر خود به مردم اعطا کنند - این را رحمت رومی اویسی مینامند دریافت کنندگان این چنین رحمت و کرامات اغلب درگیر بنیش و رویای خود میشوند، زیرا رهنمای جهانی آنها که این معونت و کمک را به ایشان میرساند در ماورای طبیعت میباشد و همانطور هم شیطان - به این ترتیب، شناخت این دو شکل همراه با این رحمت روحانی، دانش نیز مهم است همانطور که یک ولی زنده (مراد) مناسب تر است - اگر رحمت روحانی باشد اما دانش نباشد، او مجذوب نامیده میشود (شخصی که در تفکرات آسمانی فرورفته) وقتی رحمت آسمانی باشد اما دانش هم باشد او مجرب نامیده میشود (دوست داشته شده) توسط علم و دانش خود محبوب هم اهیهای دنیوی را همراه با رحمت روحانی هدیه می کند - در حالیکه مجذوب در امور کم اهمیت مساعدت می نماید همراه با فریاد های ناخوار غیر عادی و تنبیه مردم با عصا -

### اگر کسی ظاهر شده اما بشما کمک نمی کند پس حضرت گوهر شاهی را بیازمائید

در هیچ دینی شرایط خاص وجود ندارد مگر وقتی که شخص سر نوشت بد ابدی داشته باشد - بسیاری از مردم (رحمت روحانی قلب) را از تفکر و خلسه از ماه نیز دریافت می کنند - این روش: وقتی ماه تمام از مشرق سر میزند - همراه با تمرکز به آن نگاه کنید وقتی چهره حضرت گوهر شاهی را روی آن دیدید بگویید الله، الله، الله، سه دفعه و در این حال رحمت خدایی شامل حال شما خواهد شد - از آن بعد بدون هیچ ترس و پنهان کاری عمل ذکر و تفکر را انجام دهید همانطور که توضیح داده شد - اعتقاد پیدا کنید که (به این حقیقت) این چهره نقش شده در ماه با بسیاری از مردم با زبان خودشان با آنها صحبت کرده - شما هم میتوانید آزمایش کنید و با آن صحبت کنید -

## درباره مراقبه

### (تفکرات متعالی یا سفر روح)

بعضی از مردم کوشش می کنند به مراقبه بدون بیدار کردن موجودات روحی (لطائف، شکلیات) و بدون کسب قدرت روحی - آنها یانی توانند به حال خلسه و تفکر برسند یا تحت تسلط حالات شیطانی قرار می گیرند - این نوع تفکر برای افراد به نور رسیده میباشد که نفسشان را سرکوب کرده باشند و قلبشان تصفیه و پاک شده باشد - این نوع تفکرات احقانه و برای مردم عامی میباشد هر نوع عبادت فیزیکی که انجام داده باشند (برای رسیدن به آن) - برای جمع آوری نیرو و از موجودات روحانی بوسیله نور و سپس سفر به یک مکان، همان است که بعنوان مراقبه شناخته میشود -

### ولایت یک چهلیم پیغمبری است

هر رویا، سفر روحانی، الهام یا ظهور پیغمبر زمین انسان معتبر است و احتیاج به اثبات ندارد - فقط چهل درصد از رویاها سفرهای روحانی و الهامات اولیا صحیح هستند بقیه قابل اعتماد نیستند که برای اثبات احتیاج به دانش زمینی دارند -

### بدون دانش شناخت خدا غیر ممکن است

پایینترین نوع مراقبه پس از بیدار کردن موجود روحانی قلب شروع میشود، که بدون تفکرات قلبی غیر ممکن است (تفکر همراه بالرش ضربان قلب که هماهنگ با نام الله باشد) - آن احتیاج به یک ضربه دارد تا انسان را از حالت خلسه (تفکرات) به حالت عادی برگرداند - استخاره (جستوی الطاف الهی - نگاه به کتاب مقدس، یا قضاوت بوسیله فال) - همچنین ارتباط به قلب دارد - دوره دوم مراقبه بوسیله روح است - این احتیاج به شش ضربه دارد تا بحال اول برگردد - برگشت انسان از حالت خلسه به حال معمولی - موجود روحانی اتا و روح بخش سوم مراقبه را با هم انجام میدهد روح همراه با موجود روحانی اتا به جبروت (جهان خواهش های آسمانی) سفر می کند - همانطور که جبرئیل ملک مغرب همراه حضرت محمد<sup>ص</sup> به جبروت صعود نمود - این چنین اشخاص حتی در قبر دفن شده اند و از آن آگاهی نداشته اند - این چنین سفر روحی اصحاب کهف را در برگرفت - و در غار بیش از سیصد سال بنحواب رفتند - وقتی این حالت روحانی شیخ عبدالقادر گیلانی را در برگرفت از جنگل - اهالی جنگل او را به قبر کشاندند چون فکر کردند که او مرده - اما حالت روحانی (خلسه) درست قبل از ورود به قبر پایان یافت (شیخ به حالت طبیعی برگشت) -

## تشخیص الهام و وحی از خدا

وقتی انسان ارزش دریافت تجلیات را پیدا کرد و ان زمان نیست که موجود روحانی در سینه اش درخشان شده است و بیدار در ان موقع خدا رو برو با او به سخن در خواهد آمد۔ در حالیکه خدا که قادر مطلق است در حال و هر شکل میتواند اینکار را انجام دهد۔ اما او روش خاصی قرار داده برای تشخیص خود تا بدین وسیله دوستانش را از وسوسه های شیطانی۔ برهاند اولاً متنی به زبان سریانی در قلب جستجوگر ظاهر میشود همراه با ترجمه آن به زبان خود جستجوگر مشتاق متن مذکور سفید و درخشان است و چشم بطور ناخود آگاه بسته میشود۔ و متن را از درون درمی یابد۔ متن سپس وارد قلب میشود۔ و همبیطور پیش میرود تا به وجود روحانی سری برسد۔ در نتیجه بیشتر به درخشش درمی آید۔ سپس متن پیشتر رفته و به موجود سری انھی میرسد۔ و در آنجا باز هم درخشانتر میشود۔ و سپس بطرف زبان حرکت می کند و زبان خود به تکرار آن متن مینماید۔

اگر این الهام از طرف شیطان باشد یک قلب۔ مشتعش آن متن را پاک می کند و اگر متن قدرتمند باشد۔ موجودات روحانی سری و انخی متن را پاک می کنند۔ بعداً بواسطه ضعف موجودات روحانی اگر متن به زبان بیاید زبان خود بخود از بیان آن جلوگیری می کند۔

این الهام برای برگزیدگان اولیا است، در حالیکه بخاطر اولیاء معمولی خدا پیغام را توسط فرشتگان یا ارواح دیگر میفرستد۔ وقتی که جبرئیل همراهی کند آن متن مخصوص الهام شده را به آن وحی می گویند که آن فقط مخصوص پیغمبران است۔



## بهشت برای کیست

کسانی که از ابتدا سرنوشتشان رفتن به جهنم است کوشش می کنند تا با اعمال نیک و عبادت، اما در آخر آنها مردود میشوند. (همانطور که شیطان رانده شد) بعثت انیکه خست، تکبر و حسد را به ارث برده اند.

یک رسم پیغمبری هست، "کسیکه حتی ذره ای از بخل و خست، حسد و تکبر در وجودشان هست نمیتوانند به بهشت بروند".

مردی که سرنوشتشان رفتن بهشت است. حتی اگر عبادت نکند مشخص هستند. آنها دارای قلبی نرم. مخلص و آزاد از حرص و حسد می باشند، آنها سخی هستند. اگر عبادت مشغول میشوند آنها مرتبه ای عالی دریافت می کنند. خدا زین به بایی برای آمرزش آنها فراهم می کند. دیگران پیدائین هستند و یک گزارش مداومی از کردار نیک و بد آنها ثبت میشود.

برگزیدگان نیز هستند، آنها قبل از خلقت به خدا عشق می ورزیدند. آنها کاری به بهشت و جهنم ندارند، و همه چیز را بخاطر عشق به زمین میگذارند (عشق خالص به خدا) همراه با رحمت و ذکر و رحم خدا. آنها روح خود را به درخشش و امیدارند. و زیبایی دیدار خدا را درمی یابند، بالاترین بهشت (فردوس) فقط مختص این ارواح میباشد.

یک حدیث پیغمبری برای آنها اظهار می کند، بعضی از افراد بدون هیچ حسابی به بهشت می روند

### ﴿توضیح﴾

خدا صورت رویایی جهان را به بعضی از ارواح نشان داد (در زمان قبل از خلقت) و آنها را برانگیخت تا در سرنوشت خود دنیوی باشند. آنها کوشش شجاعانه ای کردند تا ثروت زمینی را صاحب شوند (پس از آمدن به زمین) آنها دزدی کردند، جیب بری کردند، رشوه گرفتند و به جنایات توجه کردند حتی وحدانیت خدا را نپذیرفتند.

بعضی ارواح بین آنها بودند که طرفداری کردند از دین و عبادت کردند تا به بهشت برسند. اما این کاری نتیجه ماند (همانطور که وضع شیطان بود) چون بعضی متکبر بودند یا دارای دینی بودند که خدا آنرا دوست نداشت. در راه آنها موانعی ایجاد شد.

ارواح دیگر که بهشت را انتخاب کردند (در زمان پیش از خلقت) اعمال روزمره خود را انجام میدادند، اما عبادت را ترجیح میدادند و نیکوکاری را. آنها همه جا بدنبال عبادت میرویدند و حور بیان آنها را میفریفتند و کاخهای بهشت و موفق به گرفتن بهشت شدند. اما در این بحث دیگری بودند که در عبادت تنبلی کردند، زیرا سرنوشت آنها برای بهشت نوشته شده بود. بعضی ها، آنها را مورد تحسین قرار دادند اما هرگز آنها مرتبه پر هیز کاران را در بهشت نیافتند. در این باره خدا گفت "آیا آنها خیال می کنند که آنها را همراه پر هیز کاران قرار خواهیم داد" (همانطور که هفت سطح و طبقه در بهشت هست).

هدایت مردم عادی توسط پیغمبران انجام میشود، کتابهای مقدس، گروها، واولیا- وسیله اساسی آنها دین و اظهار عبودیت است- اولیا در تحت بینش کریمانه خدایی قراری گیرند بدون کتاب- عبارت دیگر نور آنها را هبری می کند این موضوع در کتاب مقدس بیان شده-

## آنها نیکه خدا انتخاب می کند آنها را با نور راهنمایی می کند

گفته می شود که "کلمه" اساس ورود به بهشت است این بدنهایستند بلکه روحها هستند که به بهشت وارد میشوند "کلمه" رمز ورود به بهشت است- سپس روحها میتوانند اعتقاد خود را ظاهر کنند، وقتی به عالم بینش می رسند- یا ممکن است پس از مرگ این کار را انجام دهند- همانطور که والدین و عمومی حضرت محمد عقیده خود را ظاهر کردند- سپس نوبت برگزیدگان رسید- که اظهار کرد و تاکید کرد "کلمه" را در عالم آسمانی، قبل از آمدن به این دنیا-

پیغمبر مابارها گفت که او قبل از آمدن به این دنیا پیغمبر بوده است- این گفتار روح بود (روح حضرت محمد ﷺ) به ارواح- وقتی به حضرت محمد بدن عطا شد پس از آمدنش به این دنیا (توضیح این مطلب اینست که) فقط در صورتیکه ملتی باشد که باید رهبری شود رهبر باید پدید می آید و وقتی پیغمبران می آیند که پیروانی داشته باشند در غیر این صورت فایده چه خواهد بود-

سپس این چنین افراد (اولیا) به دین های مختلف فرستاده میشوند- بعضی بشکل بابا فرید و بعضی دیگر به قیافه گروناک- روحیانی که خدا را پیدای می کنند به دنیا نگاه نمی کنند بلکه به آنهائی نگاه می کنند که بسوی خدا پیش می روند و از آنها پیروی میکنند غوث علی شاه (ولی) در کتاب "تذکره غوثیه" نوشت، که حتی کرامات روحی را از اولیاء هند و دریافت کرده- روحانیون اسلام، ملاها نتوانستند این موضوع را درک کنند- به این دلیل غوث علی شاه را به مرگ محکوم کردند- آنها حکم کردند که اگر مسلمانی در منزلش کتاب او را در دایره آتش بزند، اما، این کتاب باقی ماند و هنوز هم در هند و پاکستان وجود دارد و هنوز هم مورد علاقه مردم است-

بعضی از ملتها پیغمبر خود را قبول کردند و دیگران آنها را راندند- آنها نیکه پیغمبران را راندند- با وجود این مطابق دینشان پیغمبرانی فرستاد- آنها به آن ملت روش نجات از گناه را آموخت، آنها کوشیدند تا راه معتقدین خود را برگردانند بطرف خدا از طریق عبادت، مراسم و آداب و رسوم- آنها آموختند در سبهای صلح و عشق خدایی را- اگر آنها فرستاده نمی شدند پس امروز باید هر دین تشنه خون دنیاها دیگر باشند- خضر (و شنومهاراج) که راز همه ادیان را می داند روح این چنین اشخاص را رهبری می کند-

## تقوی برای کیست؟

**علم الیقین:** این چنین افراد نیوی هستند، و زندگی خود را بر اساس شنیده ها استوار می سازند- اعتماد آنها بر اساس علم است- ایمان خود را بر پایه آنچه از دیگران می شنوند بنامی کنند و احتمالاً به پیراهمی روند هر چه بدست می آورند بواسطه رنج و زحمتشان است نه تقوی شاید از راه حلال بدست آورند یا حرام-

**عین الیقین (چشم اطمینان):** گرچه این افراد زاهد نامیده میشوند - هنوز هم دست از دنیا بر نمی دارند - اما تمرکز زندگی شان و دل بسوی خدا متوجه است - آنها اغلب دیدگاههای آسمانی را می بینند - جایگاه آنها جایگاه نظر و بینش است - آنها از حلال زندگی می کنند و حرام آزارشان می دهد -

**حق الیقین (حقیقت اطمینان):** جایگاه آنها رسیدن به حقیقت است - به عبارت دیگر خدا آنها را به مقامی منسوب کرده - آنها در حیطه رحمت و کرامت پروردگار قرار دارند - در این جهان غم و گرفتاری ندارند - حتی در زندگی خاکی آنها از حلال هم دوری می گیرند - اگر بروند و در یک جنگل بنشینند - خدا آنجا نیز احتیاجات آنها را بر آورده میکند - این جایگاه خدا ترسان است - حتی تازه کاران طریقت از خدا ترسی حرف میزنند، اما آنها موفق نیستند -

## نقدیر (سرنوشت)

دو نوع تقدیر وجود دارد

۱- ازل (ابدی و آنچه باید اتفاق بیافتد)      ۲- معلق (مشروط یا موقوف)

بعضی می گویند وقتی حادثه قبلاً نوشته شده در تقدیر ما، پس چرا باید برای بدست آوردنش این دروآن در برز نیم؟  
مخدوم جهانیان گفت که این دروآن و در زدن و کوشش برای بدست آوردن روزی هم در سرنوشت ما نوشته شده -

برای مثال: گلدانی مال شماروی بام گذاشته شده (این ازل است) - برای برداشتن گلدان باید شما از پله ها بالا رفته و به پشت بام برسید این شرایط معلق است که به انتخاب شما بستگی دارد - بخاطر همین بخش شرطی است که در روز قیامت مؤاخذه میشوند نه بخاطر آنچه در اول نوشته شده - وقتی شما به پشت بام رفتید شما بدست می آوری آنچه در سرنوشت شما نگاشته شده - اگر شما تنبل بودید و به پشت بام نمی رفتید - شما به آن نمی رسیدید - از طرف دیگر، اگر شخص دیگری، که در سرنوشتش گلدان گل وجود داشت به پشت بام برود یا با زحمت مناسب باز هم به آن دسترسی پیدا نمی کرد -

## سوین بحث روح

سوین بحث ارواح، آنها که نه دنیا را انتخاب کردند نه بهشت را، تنها آنانند که به دیدار خدا نایل می شوند (در جهان قبل از خلقت) - آنها همه چیز را بخاطر جستجوی خدا را کردند وقتی که به این جهان آمدند بسیاری سلطنت خود را با کردند و گرسنه و تشنه در جستجوی او در جنگل گذراندند - بسیاری سالها در رودخانه نشستند پس از موفقیت آنها اولیا اللہ نامیده شدند (دوستان خدا) - آنها را به موقعیت و وظائف مختلف نامزد کرد و آنها شفا و وسیله امید برای آنانیکه سرنوشتشان رفتن به جهنم بود قرار گرفتند -

ہمانطور کہ اقبال شاعر پاکستانی در این شعر میسراید:

”کہ سر نوشت تغیر مسیر میدہد بانظری از یک مرد خدا“

کاملاً لازم است کہ روحہای خاکی (کہ دوبارہ بہ بدن وارد شدہ اند) در ہر زندگی فیزیکی یک رہنمای روحانی را ملاقات کنند (پیر، مرشد، گرو) بعنوان رہنمای زندگی قلبی یا معلم یاری دہندہ تا از رود بہ بدنہای دیگر خلاص شوند۔

این همانند خلاصی از یک پیشگوئی پس از آمدن یک پیغمبر بزرگ است۔ برای مثال حضرت موسیٰ (موسیٰ کلیم اللہ) یک پیام آور بود و پیغمبرانی کہ پس از موسیٰ آمدند دین آنہا پس از آمدن عیسیٰ (عیسیٰ روح اللہ) باطل شدند۔

بعداً دہنہای پیغمبران مابین عیسیٰ و حضرت محمد نیز با آمدن او باطل گردیدند۔ با این وجود مدت زمان پابرجایی سیستم دینی ہر رسول (پیغمبران بزرگ) ادامہ میبافت، و ہنوز ہم ادامہ دارد۔ این حتی شامل آدم صفی اللہ نیز می شود۔ ابراہیم خلیل اللہ، موسیٰ کلیم اللہ، عیسیٰ روح اللہ و محمد رسول اللہ ہم۔ ہر ولی (مرشد محترم) در راہ آنہا قدم برمی دارند، زیر الطیفہ (موجود روحانی) داخل بدن انسان در رابطہ محترمانہ با پنج رسول (پیغمبران الوال عزام) میباشند و پیغمبری و برکات روحی آنہا تا روز جزا بہ این دلیل باقی خواہد ماند۔

وقتی گفتہ می شود کہ شخص داخل بہشت نمیشود مگر وقتی کہ آن شخص ”کلمہ“ را بر زبان جاری سازد، یک پیغمبر۔ در نظر نیست بلکہ مقصود اظہار قبولی و تبعیت از دین و ”کلمہ“ (شہادت) آن رسول میباشد (پیغمبران بزرگ)۔ باین دلیل است کہ حضرت محمدؐ فرمودند، ”من نیامدہ ام تا پیغمبران، دینشان و کتابشان را براندازم، بلکہ برای انقلاب (رفورم) آمدہ ام زیرا کتاب آنہا تغیر یافتہ۔

**سلسلہ** (زنجیر یا ارتباط روحانی) از آدم صفی اللہ ادامہ میباید تا حال۔ آنہائی کہ فقط مشغول تفکرات قلبی میباشند، کہ خود را ہماہنگ می کنند و سرفرومی آورند در نزد پروردگار بزرگ توبہ می کنند و می کوشند از کارہای بد دوری کنند ہمہ خود را وابستہ بہ اولین دین میسازند، و اولین نوع عبادت۔

**غوث** (سلسلہ ارتباط مرکزی اولیا، مرشدان) در عالم انسانی در زمان با بحث روحانی۔ ہر ولی با یک پیغمبر با دیگری در ارتباط است۔ کہ آن ہم ارتباط روحانی دارد با آدم صفی اللہ۔

احیا کنندہ ”محمد الف ثانی“ گفت کہ بحث روحانی و خط ارتباطی او مختص بہ موسیٰ میباشد۔ در حالیکہ زنجیر قلندران (درویش ہا) در ارتباط با عیسیٰ میباشد۔ شیخ عبدالقادر گیلانی در خط ارتباطی خود بہ حضرت محمدؐ رسید۔

## یک لحظه فکر کنید به کدام "آدم" تعلق دارید

در بعضی از کتب الهام شده تذکر داده شده که چهارده هزار "آدم" به این دنیا آمده آمدند - کسی دیگر گفته که آدم صلی الله چهاردهمین و آخرین آدم بوده - در حقیقت آدم های بسیاری به این دنیا آمدند - وقتی صلی الله داشت از خاک آفریده میشد - فرشتگان به خدا گفتند او هم باید به زمین برود و باعث اغتشاش و خلافتکاری شود - آن به این معنی است که فرشتگان از وضعیت آدم های قبلی خبر داشتند - در غیر این صورت چگونه آنها میتوانستند بفهمند که خدا چه میساخت و او (آدم) در دنیا چه میکرد -

در "لوح محفوظ" زبانهای مختلفی بکار رفته است، کلمه های مختلفی، فریب های مختلف، اسامی مختلف باری خدا، آیات مختلف و حتی مجذوب شدن با از طریق سحری که توسط دو فرشته "هاروت و ماروت" به مردم آموخته شد - هر دوی این فرشته ها در حالت سرپائین آویزانند در یک چاه در شهر بابل در مصر -

هر آدمی یک زبان را می آموخت - از آن بعد، پیغمبر با فرستاده شدند به جامعه خود برای راهنمایی مردم - بنا بر این گفته شده است که یک صد و بیست و چهار هزار پیغمبر به جهان آمده اند - در حالیکه آدم صلی الله آخرین آنها بوده شش هزار سال پیش - اگر هر ساله یک پیغمبر فرستاده میشد پس فقط شش هزار پیغمبر میتوانستی بوده باشند -

چند وقت بعد، این ملتها از میان رفتند بواسطه اطاعت نکردن، باستان شناسان شهر های باستانی را همراه با زبانهای باستانی کشف کردند - زبانهای که هیچکس آنها را نمی فهمد - بعضی از ملتها در طوفان از میان رفتند - دیگران که در میان آنها پیروان نوح زنده ماندند - دست آخر، صلی الله به عربستان فرستاده شد که از دیگران بهتر رفتار کرده بود - و بسیار فرستادگان را سخ از سلاله او پیدا شدند - بسیار زبان دیگر از پیروان آدم های دیگر باقی ماند در میان ملت های باقی مانده - وقتی آخرین آدم آمد، و زبانش سریانی (سیریک) بود - وقتی پیروانش به سرزمینهای دیگر کوچ کردند - با ملت های باستانی دیگر برخورد کردند - بعضی از مهاجرین سرزمین های جدید را از زمینهای پر حاصل آن پسندیدند و باین ترتیب با آنها زندگی کردند -

زبان سریانی در عربستان رواج داشت و سپس روابط با دیگر ملل آن به زبانهای عربی، فارسی، لاتین، سانسکریت و انگلیسی وارد شد - از اخلاف آدم های مختلف در جزایر مختلف زندگی کردند - از میان آنها، یک "آدم" بود که کولی بود - و اخلاف او زنده ماندند تا امروز و در نتیجه ملل بسیاری کشف گردیدند -

مردم جزایر دور از یکدیگر اکاهی نداشتند، و سفر توسط اسب یا قایق های کوچک امکان نداشت - کریستف کلمب کشتی بحر پیمایی بکار برد و اولین شخصی بود که به امریکار رسید او وقتی به آنجا رسید مردمی با پوست سرخ در آنجا دید - ولی فکر میکرد به هند رسیده - آنها هندی یا سرخ پوستان مردم بومی امریکا بودند و هنوز هم در دراکوتای شمالی زندگی می کنند - من از یک رئیس سرخ پوستان پرسیدم که آیا "آدم" خودشان را می شناسد - او گفت که

”آدم“ او در آسیا بوده نام همسرش ”حوا“ بوده. طبق عقاید دینی خودشان او هم چنین گفت که بر طبق گزارش های تاریخی آنها ”آدم“ آنها (از ملت بزرگ سیوکس) از یک کوه در جنوب داکوتا (کوه های سیاه) پیدا شد. آن مکان تا حال علامت گذاری شده. گفته میشود که اروپائیا و امریکا نیاها پوست سفید دارند بعلافت آب و هوای سرد. این درست نیست. از نژاد ”آدم“ تیره پوست هم نژادی هستند در آن مناطق اما آنها پوست روشن ندارند. بنابراین، دلیل آن همین است که رنگ، قیافه، خلق و خو، استعدادات، زبان و روش صرف غذای مردم تفاوت می کند.

اخلاف آدم صلی اللہ فقط در خاور میانه باقی ماندند به همین دلیل است که همه مردم خاور میانه هم قیافه هستند. گفته شده که آدم صلی اللہ (شکر جی) در سری لنکا فرود آمد. او از آنجا به عربستان رفت و در آنجا ساکن شد. و هنوز هم قبرش در آنجا است. پس چه کسی نژاد سری لنکارا بوجود آورد. چه کسی نقش پای او را در آنجا کشف کرد؟ (هنوز هم در آنجا باقی مانده) این به این معنی است که مردمانی قبل او در آنجا زندگی میکردند.

پیغمبری و ولایت در ملت هایی که از میان رفتند وجود داشت، باقی ماندگان (آن ملت ها) بلند مرتبه با آنها را از خود راندند، مدتی بعد از راه بیرون رفتند. همانطور که این سرزمینها بعد ”کشف شدند“ اولیا از آسیا به آنجا رفتند و دین والای خود را به آنها آموختند. امروزه دین های آسیایی در همه سرزمینها پراکنده شده. عیسی از بیت المقدس بود. موسی از بیت المقدس (مقر ظهور پیغمبران دیگر) و حضرت محمد از مکه و نوح و ابراهیم هم از عربستان بودند.

بعضی نسل ها از شکنجه بین رفتند، و بعضی به خرس و میمون بدل شدند. بعضی هم رو به خدا کردند بدون ترس، اما بعضی گمراه شدند و خدا را ”القهار“ نامیدند. آنها خدا را اطاعت نکردند و می گفتند. چیزی بنام پروردگار وجود ندارد و انسان حشره ایست و بهشت و جهنم زلییده خیال و تصورات است. در زمان موسی یک ملت تبدیل به بوزینه شدند و به طرف اروپا رفتند. زنان حامله در زمان که تبدیل به بوزینه شدند ولی بچه انسان زلییدند. این ملت هنوز پابرجاست، آنها هنوز می گویند که از نسل میمون هستند.

یک ملت تبدیل به خرس شدند، بطرف جنگل های افریقا رفتند. زنان باردار بچه انسان در شکم داشتند آنها ”مام“ می نامند. آنها دارای موهای بلند در سراسر بدن هستند. اکثر زنند، آنها آدم ربایی می کنند. دین نمی تواند در آنها اثر کند، و آنها بدن خود را با برگ می پوشانند بخاطر انسان بودن خود.

آدم دیگر بخاطر خطای خود هزار سال تنبیه شد، او به ما تبدیل شد. اخلاف آنها هنوز بشکل خاصی از ما موجود میباشند. هزار سال بعد از تولد به شکل انسان در می آیند و بنام ”روها“ نامیده میشود. این در سرگذشت اسکندر اعظم نوشته شده است، وقتی از جنگلی برای شکار میگذاشت متوجه زن زیبایی شد که فریاد میکرد. وقتی از حال او پرسید. او گفت شاهزاده خانم چینی میباشد وقتی باشو هرش به شکار میرفته یک شیر به او حمله در می شود و شو هرش را میخورد و بنا بر این او تنها مانده. اسکندر از او تقاضا میکند که با او برود تا او را به چین برگرداند بنا بر این اسکندر او را همراه برد و با او از دواج کرد.

چند ماه بعد، اسکندر دردی در شکم احساس کرد۔ هر دوایی را امتحان کردند ولی مرضش شدت گرفت و پزشکان عاجز آمدند (که مرضش را علاج کنند) یک نفر مارگیر نیز برای علاج، او آمد و اسکندر را به پهلوی گرداند به او گفت، من میتوانم ترا معالجه کنم اما شرطی دارم۔ اگر تا چند روز خوب نشدی می توانی مرا بتسل برسانی۔ امشب یک بشقاب جبوبات و برنج با مقدار زیادی نمک تهیه کن و با همسرت از آن زیاد بخورید۔ در اطاق را طوری ببند که هیچ کدام نتوانید خارج شوید۔ تو خودت را بخواب بزنی طوری که همسرت کاملاً خیال کند در خواب هستی، حتی قطره ای هم آب در اطاق نباشد۔ اسکندر همان کار را کرد در طول شب، همسرش تشنه شد و دید که هیچ آب در ظرف نیست۔ پس او کوشید که در را باز کند و دید که قفل است۔ بشوهرش نگاه کرد فکر کرد که کاملاً در خواب است۔ پس به ماری تبدیل شد و از سوراخی خارج شد آب نوشید بهمان شکل مار بر گشت و بعد به شکل همان زن درآمد۔

اسکندر همه را دید ولی به روی خود نیاورد۔ صبح او همه چیز را به مارگیر گفت۔ مارگیر به او گفت، همسرش یک مار ماده می باشد، که پس از هزار سال تغییر شکل داده و گفت که سم او باعث درد شکم اسکندر شده است۔ بعد از آن را بعنوان گردش به کنار دریا بردند و علامت آن محلی که او را به دریا انداختند هنوز باقی است۔، زنده اسکندر نامیده میشود۔ هنوز نژادشان در جهان هست، انواع معمولی مار گوش ندارند اما این چنین مارها گوش دارند۔ میدانیم که اجتماع کدام پیغمبر در کوچین محصور گشته اند و ذوالقرنین (شاه دوشاخ) دیواری ساخت۔ که آنها نتوانند به مملکتش وارد شوند۔ آنها گوشهای خیلی بلندی دارند۔ آنها یکی را زیر خود پهن می کنند و دیگری را روی خودی کشند به آنها یاجوج ماجوج میگویند۔ دانش بسیاری از اقوام را مشخص کرد، اما هنوز هم اقوامی هستند که باستی کشف شوند۔

در پشت کوههای همالیا "استانهای برنی" وجود دارند، بسیاری مردم هم در جنگلهای زندگی می کنند و هیچ کس بجز خودشان زبانشان را نمی داند۔ آنها اعتقادشان به آدم خودشان است۔ از رسوم خود، آنها سیستم قبیله ای دارند در۔ این قاره ها۔ سیارات بزرگتری هم وجود دارند مثل ماه، خورشید، مریخ زهره و غیره در آنجا هم آدم هایی بوجود آمدند۔ قیامت آنها حادث شد وقتی که کسیون آنها تمام شد، و با خرابی کامل کره شان۔

## هنوز هم زندگی انسانی روی مرتخ وجود دارد و یک نوع زندگی آتشین روی خورشید

دردنیای مرتخ مردی از هر دین وجود دارند- دانشمندان ما هنوز به مرتخ نرسیده اند- در حالیکه ابالی مرتخ بارها به زمین سفر کرده اند و مردی از کره مارا برای آزمایش به مرتخ برده اند دانش و اختراعات آنها از ما بیشتر است- اگر دانشمندان ما ما هواره های مابه آنجا بروند از دست آنها خلاصی نخواهند یافت-

خدا یک آدم را که به او دانش بسیار داده شده بود برانگیخت اولاد او به بیت المعمور رسیدند (کعبه) بادانش بسیار- آنها می توانستند هر چه خدا به ملائک دستور میداد بشنوند- یک روز ملائک شکایت کردند که این قوم در کارهای آنها دخالت می کنند و وقتی که فرشته بابه زمین می آمدند که وظیفه خود را انجام دهند آنها مزاحم کار آنها میشدند-

خدا به جبرائیل دستور داد که برود و تحقیق کند- یک بچه دوازده ساله در حال چراندان گوسفندان بود و وقتیکه جبرائیل به او نزد یک شد از او پرسید آیا تو دانشی داری؟

پسرک جواب داد "از من سوال کن"- جبرائیل پرسید- اکنون جبرائیل کجاست؟ پسر چشم خود را بست و گفت- "جبرائیل در آسمان نیست"- جبرائیل بعد سوال کرد "پس کجاست؟" پسر چشم باز کرد و گفت، "من در چهارده عالم گشتم ولی او آنجا نبود- یا من جبرائیل یا تو"- سپس خدا دستور داد که این ملت بوسیله طوفان از بین برود آنها این را شنیدند و خانه بابی از شیشه و فلز ساختند بعد یک زمین لرزه خانه بایشان را خراب کرد- در آن زمان آن منطقه کالده نامیده میشد- آن سرزمین اکنون در یونان است-

آن مردم بادانش روحانی در آن موقع و دانشمندان ما بادانش علمی خود اکنون دارند در کار خدا دخالت می کنند- بخاطر وارد کردن ترس در انسانها اکنون بدبختی کمی را موجب شده و برای فزونی کامل یک سنگ سرگردان آسمانی هم اکنون بطرف زمین فرستاده شده که احتمالاً بیست تا بیست و پنج سال دیگر به زمین برخورد کند- وقتی آن بز زمین برخورد کند چیزی از زمین باقی نخواهد ماند- قسمت کوچکی از آن به مشتری برخورد کرد و دو سال پیش دانشمندان ما از این حقیقت آگاهی دارند-

آنها میخواهند که به ماه یا سیاره دیگری پناه ببرند قبل از اینکه زمین نابود شود- باین دلیل بسیاری تاکنون ثبت نام کرده اند تا به ماه سفر کنند ولی میدانند که زندگی در ماه امکان ندارد بخاطر نبود اکسیژن و آب و گیاهان- نتیجه این همه همچنان چیست؟ تا آنجا که تحقیقات اجازه میدهد، چه نتیجه این انسان خواهد برد از سفر به ماه یا مشتری؟ آیا درونی برای طولانی کردن عمر ساخته شده و یا شفافی برای مرگ پیدا شده- حتی اگر بموجودات مرتخ برسیم، تفاوت محیط (اکسیژن) زندگی روی مرتخ غیر ممکن بود- ثروت زیادی در این راه صرف میشود (برای این منظور) اگر امریکا و روسیه این ثروت را در راه فقر صرف می کردند- پس همه از آن میتوانستند بهره مند شوند- اختلاف بین دولتها باعث ساختن بمب اتم و دیگر سلاهای کشتار جمعی شد فقط برای از بین بردن یک دیگر، در حالیکه جهان بدون این سلاها هم پایان می رسد-



## تعداد بسیاری ارواح در عالم سموات خلق شدند

ارواح پاک در ردیف اول قرار داشتند (در زمان قبل از خلقت) ارواح معمولی در میان ملل "آدم" ها که از خاک سیاه ساخته شده بودند یا سفید، زرد یا قرمز - جبرائیل، هاروت و ماروت (فرشته ها) دانش را به آنها آموختند (وزهد را) وقتی آدم باروی زمین از خاک آفریده شدند - جبهای داخلی وارد بدنهای آن آدم ها میشدند در زمان بوجود آمدن آنها در زمان مناسب و سعی میکردند بر آنها تسلط پیدا کنند - سپس پیغمبران و اولیاء آن ملت و آموزش های آنها وسیله ای میشد برای رستگاری آنها - آدم های بسیاری بصورت جفت آفریده شدند (همراه با همسرانشان) و خلقت آغاز میشد - بعضی اوقات یک زن تنها آفریده میشد (بدون یک آدم) و بوسیله امر "باش" (گن) دارای بچه میشد -

این ملل اکنون در جهان وجود دارند - فقط زنها هر قبیله هستند - چون آنها فقط از زن بوجود آمده اند قلمی کنند خدا زن است - و آنها اولاد فرشتگان هستند زیرا آدم بوجود آمد بدون وجود مرد (یا از دواج) - این رسم هنوز هم بین آنها رواج دارد - زنهای این قبایل از هر کسی ممکن است حامله شوند و بعد با هر شخص دیگری از دواج می کنند و این کار را خجالت آور نمی دانند -

شغل بوسیله ارواح، سرنوشت (آخرین) و طبقه (در زمان قبل از خلقت) نوع آدم را برانگیخت (که برای آنها فرستاده میشد) - این چنین ارواح سپس فرود آمدند (پس از فرستاده شدن آدم) - به این دلیل است که هیچ دینی برای آنها در نظر گرفته نشده بود - حتی وقتی پیغمبران به میان آنها آمدند - تعداد کمی از آنها را پذیرفتند، و دیگران کارهای خلاف دستورات آنها انجام میدادند - بجای خدا آنها ماه، ستاره ها، خورشید، درختها - آتش میپرستیدند، حتی مارها را -

بالاخره آدم صلی اللہ از گل بهشت آفریده شد بمغزور اینکه از همه سر باشد (از آدم های قبلی) هم در تعالی و هم در تجلی و از ارواح دوزخی محافظت شد - چون آنها را ای به بهست نداشتند شیطان با دانشش این را فهمید - او را هر فرشتگانی شد که عبادت را منع میکردند و از اجنبه بود - او بخاطر حسد به آدم ترف انداخت بزاق دهن او، یک میکرب شیطانی به بدن آدم وارد شد - آن نفس نامیده میشود - (نفس شہوانی) - نسل آدم آنرا به ارث برد - حضرت محمد گفت "وقتی انسانی آفریده میشود - یک جن فاسد نیز همراه او آفریده میشود" -

تفاوتی است بین فرشتگان و ملائک مقرب - فرشتگان در ملکوت هستند - آنها همراه ارواح خلق شدند -

موجودات روحانی که در عالم بالاتر قرار دارند (عالم خارج از دنیای اشکال) ملائک مقرب نامیده میشوند -

ملائک مقرب حتی قبل از کلم "کن" وجود داشتند - خدا بملائک دستور داد که "آدم" را سجده کنند - قبل از او هیچ آدم در بهشت خلق نشده بود یا فرشته ای نیامده بود - از ازیل شیطان سر باز زد - بنابراین او از بهشت، رانده شد و او دشمن اولاد آدم صلی اللہ شد - ملل تابع آدم های دیگر از شر دشمنی او در امانند - چون ارواح داخلیشان به اندازه کافی آنها را گمراه می کنند -

چون شیطان از همه اجنه دیگر توانا تر بود، توانست اولاد آدم را به چنین اغوا کند و جنایات را به آنها موخت و باین ترتیب ملل دیگر نیز شروع به کج روی کردند همراه باین آسیابی ها۔ بخاطر علوم مقام این آدم خدا بازی از تابعین او را راهنمایی کرد۔ آنها آنقدر خدایی و متعالی شدند که ملل دیگر تعجب کردند۔ بزرگترین کتاب آسمانی توریت، انجیل، زبور داود و قرآن فقط برای آنها نازل شد۔ طبق آموخته ها۔ نتائج روحانی و رحمت (این کتابها) ادیان آسیابی سر تا سر دنیا را فرا گرفت۔

روح آدم هنوز در بدنش قرار نگرفته بود که فرشتگان فهمیدند او برای زندگی بر روی زمین آفریده میشود۔ زیرا کسی که از خاک آفریده شده برای زندگی مناسب است۔ سپس بوسیله بازی نافرمانیها او به زمین فرستاده شد۔ گرچه اعمال ابدی همه بدست خدا انجام میگیرد اما انسان باید تاوان آنرا پس بدهد۔ اگر آدم بدون اتهام به زمین فرستاده شد بود۔ او به این دنیا که آمد هیچ کاری جز شکایت نمی کرد۔ چرا آنقدر توبه و انا به وسوگواری کرد۔

(۱) روحی که از ازل سرنوشش برای جهنم نوشته شده، در صورتیکه در خانه ای بدنیا بیاید بدون دین او یک بی دین و دروغگو نامیده میشود۔ این افراد ضد خدا و دشمن پیغمبران و اولیاء میشوند۔ آنها متکبر، دل سخت هستند و از آزار دیگران لذت میبرند۔ دسته دیگر (از این گروه) آنها بی هستند که، در صورت قرار گرفتن در یک دین باز هم از آن دوری می کنند۔ این چنین روحی، اگر در خانه یک متدین بدنیا بیاید، بعنوان منافق شناخته می شوند۔ (۲) این افراد پیغمبران و اولیاء را ناسزا داده و اذیت می کنند و به آنها افترا می زنند۔ در میان ادیان خطای کنند۔ اگر عبادت کنند نیز پذیرفته نخواهند بود مانند عبادت شیطان۔ دین آنها بطرف بهشت میبرد اما سرنوششان آنها را بطرف جهنم میبرد۔ زیرا آنها را از کمک گرفتن از پیغمبران و اولیاء پرہیز دارند۔ آنها آماده پذیرش اغوای شیطان و نفس (در اعتقاد ایشان) میباشند۔ آنها آنقدر دانش دارند و آنقدر زهد که بین آنها و پیغمبران تفاوتی دیده نمی شود۔ بدون توجه به حقایق ذاتشان آنها خود را مانند پیغمبران می بینند۔ فکری کنند زهاد به آنها وابسته اند۔ آنها روحانیت و معجزه را قبول ندارند فقط آراء و عقاید خودشان را قبول دارند۔ آنها حتی معجزات پیغمبران را نیز قبول ندارند و میگویند که آنها سحر است۔ آنها به قدرت شیطان عقیده دارند۔ اما همراهی با قدرت پیغمبران و اولیاء برایشان مشکل است۔

(۳) روح اگر سرنوشش رفتن به بهشت باشد۔ اگر حتی در خانه بدون دین یا ناپاک بدنیا بیایند "ناتوان" نامیده میشوند۔ فرصت آمرزش و بخشیده شدن برای "ناتوان" وجود دارد۔ آنها از اولیاء (مرشدان، مرادان) یاری می جویند و از آن وضعیت رهایی می یابند۔

(۴) روح اگر سرنوشش رفتن به بهشت باشد اگر در خانه دین آسمانی یا در خانه ای که دیندار هستند به دنیا بیاید، یک درستکار و مومن نامیده میشود۔ آنها قرب پروردگار را عبادت و پاکدامنی بدست می آورند و مدعی ارث بردن از او (خدا) هستند۔ فقر (فقر روحانی) افتخار من است و به آن افتخاری کنم (روش پیغمبرانه)۔

## در تصوف موجود روحانی (لطیفه روحانی) قلب مهم است

بعضی جاه طلبان زمزمه می کنند (یک سرودی با کلمات مقدس از روی قلب)، دیگران به ورزش می پردازند - بعضی دیگری رقصیدند، بعض دیگر دیوار میساختند و خراب می کردند - و بعض دیگر تمرینات بدنی انجام می دادند - همه سعی کردند که ضربان قلبشان بالا رود و سپس همناهنگ کردن ضربان قلبشان را با الله، الله هماهنگ می کردند و زیاد کردن برایشان آسانتر می شد - خرد خرد الله الله به موجودات روحانی رسید (در داخل بدن) - بعضی از آنها تقلید کردند بدون اینکه بمحق (این علم) فر رفته باشند - چون طبیعتشان این درو آند رزدن بود با نام الله آشنا شوند - اینطور روح نباتی (در اشخاص) آشنا شده و با هماهنگی یا الله الله همراه با موسیقی قوی تر میشد - موسیقی خوراکی روح نباتی است -

یک آزمایش در آمریکا بر روی گیاهان انجام شد و موسیقی برای گیاهان در حال رشد پخش کردند - همان گیاه در جای دیگر نیز در حال رشد بود - یک بخش همراه با موسیقی و بخش دیگر بدون موسیقی - گیاهانی که برایشان موسیقی پخش می شد خیلی بهتر رشد کردند از آنهایی که برایشان موسیقی پخش نمی شد -

نفس روح خود (فرد) خیلی زیان آور است حتی پس از تصفیه شدن، آن مقلد و وانمود کننده است و موسیقی و ریتم را دوست دارد - بعضی از مردم کوشیدند که نفس را با آواز و شعر خوانی در مقابل خدا نفس را جذب کنند - بعضی آواز خواند و هماهنگ کردند نام الله را با آهنگ گیتار - اگر چیز دیگری نبود اقل گوششان به عادت خو می گرفت - من گیتار نوازی را دیدم که داستانی را برایم بازگو کرد - "در وقت استراحتم، من با خوشحالی گیتار مینوازم و همراه با آن الله الله را زمزمه می کنم - بعضی اوقات وقتی بیدار میشوم یک آهنگ الله الله را در درون خود میشنوم یک آهنگ الله الله را در درون خود میشنوم این چنین اشخاص به نتایج بهتری میرسند فقط با آواز نواختن موسیقی اما آنها موقعیت زاهدانه ای را بدست نیاوردند گرچه، آنها تمایلی دارند و اشتیاق و اگر آنها (ارتباط پیدا کنند) به یک رهبر جهانی، آنها حتما به درجه ای از روحانیت میرسند -

مسلمانان و صوفیان ادیان دیگر کوشیدند بطرق مختلف اسم خدا را در درون بیابند - هر عمل، که انسان را به خدا جذب کند و عشق خدا (غریزی) در آنها زیاد کند عیب ندارد -

## گفته پیغمبرانه "خدا به اعمال نگاه نمی کند بلکه به نیت کار توجه دارد"

مردی که به تئوریسین ها توجه دارند، این را قابل سرزنش و غلط می دانند، همانطوریکه آنها تغذیه میشوند و رضایت حاصل می کنند با پیروی از شریعت - اما آن افراد که میخواهند پیشرفت بیشتری کنند از جمعیت از شریعت تار سیدن به عشق به خدا، و یا کسانی که از شریعت پیروی نمی کنند - چرا این چنین افراد از گرفتن یک جایگزین طفره رفتند -

## دین خدا

### عشق الهی ----- اتحاد الهی

تمام ادیان در این جهان از طریق پیغمبران گسترش یافتند، در حالیکه قبل از آن (خدا) عشق بود. عاشق و معشوق، ارواح که نزدیکی قرار داشتند، عالی رتبه با عشق (در زمان قبل از خلقت) در عشق خالص خدایی غرقه بودند و در دین خدایی و دین ربه آسمانی - پس از آمدن جهان همه چیز را در جستجوی خدا بر زمین گذاشته -

(این دانش) به برگزیدگان داده شده، که اکنون از راه روحانیت به مردم عادی هم رسیده

در یک رسم پیغمبرانه، یکی از همراهان پیغمبر گفت، من دونوع دانش از پیغمبر دریافت داشتم

من یکی را برای شما بازگویی کنم ولی اگر دومی را باز گوشامرامی کشید -

وقتی "ولی شاه شمس" کتاب خشک را از چاه پر از آب برگرفت مولانا رومی از او پرسید، "این چیست؟"

شاه شمس جواب داد "این آن علم است که تو نمی دانی"

وقتی موسی از خدا پرسید، "آیا علم دیگری نیز هست؟" خدا جواب داد، "برو طرف خضر" (شخصی بود عارف که از رموز غیب آگاهی داشت)

نماز هر عابد "راه راست را بمانشان ده راه آن کسانیکه رحمت و برکات خود را به آنها عطا کرده ای" -

اقبال شاعر میگوید "دانشمندان بیچاره از این چه میدانند؟"

از قبل از خلقت ارواح بلند مرتبه که خدا آنها را دوست میدارد و آنها هم خدا را دوست دارند - خدا را ستایش می کردند و وقتی به جهان آمدند - برای

مثال عیسی در گهواره گفت، "من یک پیغمبرم" جبرئیل قبلاً الطاف خداوندی را به مریم عطا کرده بود (قبل از تولد عیسی) فرعون قبلاً اطلاع

حاصل کرده بود که موسی فرزند پسر از یک قبیله خاص سبب نابودی او خواهد شد و خیلی مورد توجه خدا قرار خواهد گرفت - حضرت محمد نیز گفت، "من حتی

قبل از بدنیای آمدن پیغمبر بودم" -

تعداد زیادی روح های خدایی ابدی و عاشق خدا در ابدان و ادیان مختلف حاضرند

## در آخِر زمان

خدا یک "روح خاص" را به زمین میفرستد، که آنها را جمع می کند تا دنبال ارواح (عاشق) بگردند و به آنها یادآوری کنند که "یکبار به خدا عشق ورزید" خواه در بدن دین داران باشند یا بی دینان آنها ندای اورامی آزمايند و در اوج ميشوند.

او به این ارواح یک "اسم" خاص خدا را اعطا میکند که از میان موجود روحانی قلب آنها به طرف روحشان حرکت می کند. سپس روح را باطن آن نام خواهد بود. این نام یک لطف جدید را بوجود خواهد آورد یک انرژی جدید یک عشق جدید با نور. ارتباط روح دوباره برقرار خواهد شد با خدا. تفکرات قلب وسیله ایست برای تفکرات روح، همانطور که ریاضت یا یعنی نماز و روزه وسیله ای است برای تفکرات قلب، وقتی که روح شخص شروع کرد به زمزمه نام (الله)، اگر او از مردم عادی باشد ترسی از ترس و عدالت یا روز قیامت ندارد. تفکرات والا و عبادت از طرف روح شهادت مقام بسیار والای او پیدا (در جهان آینده).

آنهايي که از تفکرات قلب به روح در حرکتند، به دین خدا دست یافته اند، یا بزودی به آن خواهند رسید، آنها از نور راهنمایی میگیرند نه از کتب. نور از گناه آنها جلوگیری می کند. چون این موضوع را دریافته اند یا برخلاف سعی و کوششها، اگر دیگران این موهبت را ندارند آنها شامل این زنجیری باشند (ارتباط روحانی) اگر کسی خودش را در این سلسله می داند یا بدون تفکر قلبی و روحی وانمود می کند که در این سلسله هستند او یک ملحد است.

راه نخشیده شدن مردم معمولی با دین و ارتباط با خداست.

راه راهنمون شدن توسط کتابهای آسمانی ممکن است.

راه دریافت شفاعت بوسیله پیغمبری و اولیا (مرشدی) است.

بعضی از مسلمانان تصدیق نمی کنند شفاعت اولیا را وقتی (همه آنرا می دانند) حضرت محمد را راهنمایی کرده اند  
اهاش را که تقاضا کنند از او پس قرنی تا برای بخشش امت دعا کند (تابعین پیغمبر).

## دین ارواح

### تشخیص آنهایی که عشق خدایی دارند و دین خدایی

جائیکه تمام رودخانه‌ها میریزند دریا نام دارد

جائیکه تمام دین‌ها به آن منتهی می‌شوند وحدت پیدای کنند عشق خداست و دین خدا

”چهار دین در کجا بهم می‌پیوندند“ (ولی سلطان صاحب)

**تشخیص اولیه:** وقتی تفکرات دل و روح شروع میشود با عبادت بانظری از طرف ارباب جهانی- انسان برای ابد خدایی است، (چون از زمان قبل از خلقت سر نوشتش این بود)- بیزاری از گناهان شروع میشود و اگر شروع شد چنین شخصی بشدت از آن توبه می‌کند- و راهی را میجوید تا از تکرار آن جلوگیری شود-

خدا گفت ”من آن اشخاص را هم دوست دارم که در راهی پا بر جا هستند که دور از گناه بمانند“

عشق تمثیلی دنیوی برای این چنین کسان از بین می‌رود و تفوق عشق خدایی شروع میشود- حرص، حسد، خست، و خود بزرگ بینی از میان می‌رود و زبان از افترا و تهمت آزاد میشود- آنها احساس بی تکبری میکنند که امت جای خست را می‌گیرد و دروغ فراموش می‌شود- تمیذات حرام جای خود را به تمیذات حلال می‌دهد و نسبت به چیزهای حرام احساس تنفر می‌کند و همچنین به غذاها و عمل‌های حرام-

**تشخیص نهایی:** یک ریاضت کامل باید در کار باشد تا دوری کند از کواکین، تریاک، هرئین، تنباکو و الکل و باید قادر باشد تا مقام عالی روحی برسد در رویاها در سفرهای عرفانی یا در دیدار- از نفس عماره تانفس مطمئن راهتان را عوض کنید- موجود روحانی اتا را بیابید- روبرو جلوه خدا قرار بگیرد- و پرده بین خدا و بنده را بالا بزنید، بعد از گناهان آزاد شوید- عشق کامل به خدا پیدا کنید در تشخیص و شناخت خدا اقرار بگیرد- و از بنده تا گرامی دارنده بندگان و از یک مرد فقیر و بیچاره تا کمک دهنده به فقر ابرسید-

بسیاری از ارواح خدایی ادیان مختلف که خدا را آزموده در پیمان قبل از خلقت وارد این سلسله خواهند شد- بنا بر این شرطی در باره انتخاب دین نیست- هر شخصی قادر خواهد بود مطابق دستورات دینی خود عبادت کنند- اما تفکرات قلب در همه ادیان مثل هم است- با وجود ادیان متفاوت آنها قلباً با هم متحدند- وقتی ذکر خدا در دلشان ریشه بگیرد- آنها همه خدایی خواهند شد- بنا بر این با خداست که آنها را برای خودش نگاه دارد و آنها را به یک دین بفرستد برای راهنمایی- عبارت دیگر، بعضی استفاده خواهند کرد، بعضی دور از مردم و گوشه گیر خواهند بود، با وجود این دیگر جنگجویان و فرماندهان روحانی خواهند بود- حتی گناهگاران با کمک و معاضدت با آنها به مقصد خاصی خواهند رسید- بیشتر مردم که به جمع نخواهند پیوست (دین خدا) در همکاری با شیطان وارد خواهند شد (ضد مسیح) خواه آنها مسلمان باشند یا غیر مسلم- بالاخره این دسته در یک جنگ تمام عیار وارد خواهند شد-

آن‌ها نیکه با عیسی هستند یا با مهدی یا کالکی اوتار گروهای دیگر را شکست خواند داد۔ خیلی از ضد مسیح‌ها کشته خواهند شد و اخلاف آنها در سکوت بجا خواهند ماند۔ بخاطر ترس و بیچارگی۔ مهدی و عیسی در قلب مردم باقی خواهند ماند و صلح سراسر جهان را خواهد گرفت۔ تمام ادیان جهان از تبدیل شدن به یک دین متوقف خواهند شد۔ آن دین بیشتر مورد علاقه خدا خواهد بود، و عصاره دین‌های پیغمبران و کتاب‌هایشان خواهد بود و از تمام مردم قبول خواهد شد۔ قابل احترام‌ترین همه عبادت و حتی به "مجت" به خدا "عشق" خواهد بود (همان علاقه عاطفی به خدا)۔

## ”جائیکه عشق غلبه کند، ایمان آگاه نخواهد بود“

(ولی سلطان باهو)

اقبال شاعر معروف تصویری از این زمان رسمی کند در این شعر:

”جهان احتیاج به مهدی دارد که فلسفه و اساس افکار پذیرفته شده را خواهد لرزاند“۔

”رازها بر ملا خواهند شد، آزمانی که خدا دیدارش را دروغ می‌کرد گذشته است“۔

”عصاره او پیش مردم ظاهر شده، او مهدی است که در آخر الزمان ظاهر شده“۔

”چشم‌های من در آینه شناخت باز شده تا به تصویر کدر آئینه نگاه کند“۔

”به جهان نگاه کن، زمین و فضا دنبال لحظه‌ای میگردند به کسی که از شرق طلوع خواهد کرد“۔

”زمان گذشته است ای هدیه دهنده شراب (عشق) وقتی که نوشندگان پنهان می‌شوند“۔

”تمام دنیا اکنون میخانه‌ای خواهد شد و همه مردم پیاله گیر خواهند بود۔ (از عشق ال‌بی)“۔

”زمان پرده برداری رسیده است، همه شکوه او را خواهند دید و عظمت او را۔ سکوت پرده او بود، آنکه اکنون رازش بر ملا خواهد شد“۔

از درون صحرا پدیدار گشت که امپراطوری روم را سرنگون کرده“۔

”من از زبان خود فرشته‌ها شنیدم که آن‌ها اسد از خواب برخوید خاست“

تمام کتب آسمانی و صحیفه (کتاب آسمانی ابراهیم) از دین‌های نیستند، در این کتاب ما مراسم صلوات نوشته شده، راجع به روزه و ریش اما خدا به

آنها پیوسته نیست۔ خدا خودش نور خالص است، وقتی کسی نور میشود (درخشان) پس او شناخت عصاره خدا، آن وقت است که وارد دین خدا

میشود۔ که عشق و احساس است، معنی خالص نودونه اسم خدا، کسی که دوستانش را پیدا دارد۔

خدا، خودش عشق است، عاشق و معشوق۔ اگر یک بنده خدا جزئی از آن را دریافت کند او به دین خدا وارد میشود۔ سپس عبادتش تحریر در زیبایی

دیدار خدا و مزمنه نام خدا در طول زندگی‌اش۔ بعد، خیره به زیبایی دیدار خدا، هنگامی تمام واجبات ادیان خواهد بود، سپس عبادت کلی‌ها، ملائکه و

انسان‌هایی توانند به حضورش برسند (خدا)۔

در ارتباط با ان جناب شیخ عبدالقادر گیلانی گفته است

”هر کس به دیدار خدا نائل شود و هنوز هم عبادت می کند یا تقصیر دارد عبادت کند، آن تو بینی است به خدا.“

ولی بلیه شاه گفته است

”پس از اینکه من شروع کردم به عبادت عشق، من معبود مسجد را فراموش کردم.“

اقبال شاعر گفته است

”کشیش بیچاره در این باره چه می داند؟“

همدم حضرت محمد از قول ابو هریره گفته است، ”من دونوع دانش از حضرت محمد گرفتم - من یکی را برای شام بازگومی کنم و اگر دومی را بگویم مرا به قتل می رسانید -

این قضیه مورد تأیید قرار گرفته و شاهد دارد، هر کس رموز این دانش را بازگو کند شایسته قتل می باشد - مثل شاه منصور، سرد - امروزه حضرت گوهر شاهی در لبه تیغ قرار گرفته ان اطاعت از شریعت -

برای مؤمنین به پیغمبر است اما خود پیغمبران مجبور به عبادت نیستند، قبل از شریعت پیغمبران حتی در زمان قبل از خلقت نیز وجود داشتند - از آنجا که آنها باید الگوی دین را کامل کنند و اگر آنها هر یک قانده کلی قرار دهند یا بر اصولی پافشاری کنند سپس مؤمنین آنرا دنبال خواهند کرد و به این دلیل، پیغمبران باید محتاط و موقر باشند (ملاحظه کار) آیا کسی هست که بگوید اگر پیغمبری که هیچ نوع عبادت را انجام نمی دهد او به جهنم خواهد رفت (هرگز چنین چیزی نمی توان گفت)

آیا کسی میتواند بگوید که پیغمبری نمی تواند به شخصی برسد بدون تعلیمات مربوط؟ و یا کسی میتواند بگوید که انسان نمی تواند پیغمبر شود بدون انجام عبادت شخصاً؟ پس چرا اولیا را رد می کنند و در باره آنها شکایت می کنند در حالیکه ولی (مرشدی، مراد بودن) یک نوع از پیغمبری است -

باید فراموش نکیند که آنهایی که ادعای شناخت خدا را دارند بدون دریافت خدا و کسانی که خود را در این موقعیت روحانی می بینند و یا تظاهر می کنند (دیگران در این حد) آنها مرتد و دروغگو هستند - کتابهای مقدس این چنین دروغگوها را فاسدی دانند این چنین، آنها زمان و ایمان هزاران مردم (بی گناه) را از بین می برند -

این کتاب برای انعکاس است و ارزش مطالعه را دارد و تحقیق تو وسط دین هر گروه و هر شخص و آن عرضه میکند

مبارزه طلبی با آن دسته از مردمی که روحانیت (رابطه با خدا) را قبول ندارند -



## بعضی مطالبی درباره حضرت گوهر شاهی

سه قسمت از علم ظاہر وجود دارد۔ (علم آسمانی) و یک قسمت علم باطن (علم زمینی)

”انسان باید دنبال یک موسی بگردد تا علم ظاہر روایا بدو یک خضر که علم باطن را بیاموزد۔“

”صدایی که بدون وجود جبرائیل شنیده شود (بعنوان میانی) ’الهام نامیده میشود، و دانش دریافت شده صحیفه (کتاب) نامیده میشود و حدیث

قدسی (صدای آسمانی) دانشی که همراه جبرائیل بیاید قرآن ندارد۔ خواه علم زمینی باشد یا آسمانی یا تورات، زبور و او دیا انجیل“

”وقتی یک دانشمند دینی اشتباهی می کند، او را بعنوان یک سیاست عفو می کند۔ اگر اولیاء اشتباه کنند (ولی ها) آنرا بعنوان عقل قبول کرده و

صرف نظر می کنند۔ در حالیکه یک پیغمبر را نمی توان با یک اشتباه محکوم کرد۔“

”هر کسی در سیستم روحانی خاص قرار بگیرد، موجودات روحانی مربوط در درون آنها قوی است (یا روشن) و آنهایی که داخل این سیستم قرار نداشته

باشند وجود (لطیفه) روحانی آنها خفته و بی احساس است۔ آنها نیکه نام خدا را جذب کردند نام (اللہ) را در هر موجودی بانی با هر روش، همیشه در

’ذکر سلطانی‘ مغرورند (یک تفکر سطح بالا از هر هفته موجود روحانی داخل بدن) و عشق (عشق عاطفی) به خدا‘۔“

علامه اقبال گفت:

”اگر عشق عاطفی باشد، بی ایمانی ایمان خواهد بود

سچل سائین گفت:

”بدون عشق به معشوق ای سچل، بی ایمان چیست و ایمان چه؟“

سلطان باهو گفت:

”عشق پر شور غلبه کند، ایمان آگاه نیست۔“

وقتی این چنین اشخاص در هر دینی هستند و وارد شوند، آن بارانی از رحمت خدا را نازل خواهد کرد۔ اگر آنها مثل بابا فرید باشد (مسلمان ولی) حتی

هندو ها و اقوام سیک بر درگاه خانه شان خواهد بارید۔ اگر مثل گرو ناک (ولی سیک) باشد مسلمان و مسیحیان اطراف آنها گرد خواهند آمد۔

## امام مهدی همه ادیان را منقلب خواهد کرد

پس از حضرت محمد (خاتم النبیین) اخلاف به اسلام رو کردند، و مطابق محیط احیاء شدند۔ شبیه به آن، در وقت آمدن ”امام مهدی“، باقیمانده

آنها به پایان خواهند رسید۔ امام مهدی انقلاب خود را انجام خواهد داد مطابق با (احتیاجات) تمام ادیان، در بعضی کتابها ثبت شده که او یک

دین جدید خواهد آورد۔

## مطالبی از حضرت گوهر شاهی

اگر کسی در تمام زندگیش عبادت کرده است، آخر امام مهدی یا عیسی را مخالفت کرد (که بادن خاکیش بر خواهد گشت و مهدی با ارواح خاکیش)، او سرنوشتش برای جهنم رقم خواهد خورد مثل بلعم با عورا۔ مثل ابلیس (شیطان) رانده خواهد شد۔ (بلعم با عورا ضرب المثل بود در انسان روحانی که بوسیلہ ہوس و لذات از راہ بدر شدہ، علایم خدای را در کرد و پنچین موسیٰ را و مثل یک سگ بہ جهنم خواهد رفت)۔ اگر کسی مثل یک سگ در جهان زندگی کرد و دست آخر مهدی و عیسیٰ را کمک کرد و عاشق آنها بود، او بہ بہشت خواهد رفت درست مثل سگ قطمیر کہ ہمراہ شد با اصحاب کہف و بہ بہشت خواهد رفت۔

بعضی گروہہا و ادیان می گویند کہ عیسیٰ مرد قبرش ہم در افغانستان است۔ این یک تبلیغ غلط است، در افغانستان قبر یک پیر ہست بنام عیسیٰ۔ مقصود از حمل جسد او بہ افغانستان چہ میتو است باشد در حالیکہ وسائل حمل در آن موقع بسیار ابتدائی بود و ما بہا وقت می گرفت تا جنازہ او بہ آنجا حمل شود۔ بعضی میگویند، چگونہ عیسیٰ بہ آسمان رفت، ما پیر سیم چطور آدم بہ زمین جبوط کرد؟ بعلاوہ، ادریس پیغمبر ہنوز بادن خاکی در بہشت زندگی می کند، و خضر و حضرت الیاس ہنوز روی زمین زندگی میکنند و ہنوز نمرہ اند۔

نوہ شیخ عبدالقادر گیلانی، حیات الامیر، شش صد سال است کہ در زمین زندگی می کند۔ جدش شیخ را ہنمائی کرد اورا کہ نمیرد تا مهدی ظہور کند و سلام اورا بہ حضرت برساند۔ او (حیات الامیر) ولی شاہ لطیف را گرامی داشت بالقب 'باری امام'۔ محل نشیمن گاہ (محل زندگی حیات الامیر) ہنوز در مری پابرجاست (پاکستان) محلی بنام باراکوہ۔

جزای کار زشت در این دنیا زندان است یا یک جریمہ یا جزای مرگ، اگر انسان در مسیر فقر قدم برمی دارد (فقر روحانی) تنبیہ او ملامت (نجالت) است۔ اما گناہان نسبت بہ خدا خیلی دردناک است۔ برای کسی کہ بہ دیگران تہمت می زند ثواب کار ہای نیک او بہ کسی کہ بہ او تہمت زدہ میرسد بعنوان جریمہ تہمت زندہ۔ بعلاوہ، حرص، حسد، خست و تکبر ثواب ہای او را از میان میبرد (کہ در نامہ اعمالش ثبت شدہ)۔ اگر کسی در درونش نوری ہست، آن نور بانی حرمتی یابد گویی از یک پیغمبر یا ولی خاموش می شود۔ ہمانطور کہ شیخ صنعان بہ شیخ عبدالقادر گیلانی ناسزا گفت و در نتیجہ از ہمہ کرامات و برکاتش محروم شد۔

داستانی ہست در بارہ بایزید بسطامی: وقتی دید شخصی بہ او دشنام می دہد او ہر روز پولی برای او میفرستاد۔ آن شخص بہ دشنام ادامہ می داد و مرتباً روزانہ خود را دریافت میکرد۔ یک روز زنش بہ او گفت کہ یادگیر بہ بایزید ناسزا نگوید یا پول را دریافت نکند۔ بہ این ترتیب، از آن بعد آن شخص شروع بہ تعریف کردن از او کرد وقتی بایزید فهمید کہ آن شخص از ناسزا گویی دست برداشتہ دیگر بہ او پولی نداد۔ آن مرد نزد بایزید آمد گفت چگونہ بود کہ وقتی دشنام می داد پول دریافت می کرد اما حالا کہ مدح میگویند پولی دریافت نمی کند۔

بایزید جواب داد: "در آنوقت تو خمدوم من بودی و ناسزاهایت گناهان مرا پاک می کرد و من مزد خدمت تو را می دادم - اکنون مزد چه را می خواهی؟" بسیاری از گناهان از نفس اماره سرچشمه می گیرند و از شیطان کمک می گیرند -

در حالیکه ولی کرامت، بخشندگی، صبر و علو طبع، و انوار الهی در رابطعه با 'قلب شهید' می باشد که مدد کارش ولی می باشد (ولی، مرشد مراد) - تا وقتی 'نفس اماره' وجود دارد، نور هیچ 'کلمه مقدس' نمیتواند در قلب ریشه بگیرد - حتی اگر آیه ها به حافظه بچسبند - چون او مثل طوطی می ماند - اما اگر نفس به 'نفس مطمئنه' تبدیل شود - هیچ چیز غیر خالص نمی تواند در آن لانه کند و انورانی خواهد شد -

شما باید دنبال راهنمایی بگردید تا روش کشتن نفس را بشناسید و بیاموزد - آنها در تمام زمانها به این کار مشغول بوده و هستند (از طرف خدا) برای شستشوی بدن از آب استفاده می کنی اما برای تمیزی روحی باید از نور کمک گرفت - اگر انسان تمیز نشود ناخالص و ناپاک خواهد بود - بدن تمیز و خالص لایق عبادت خدای باشد - و قلب پاک شایسته دریافت انوار الهی می باشد - (تجلیات)، فقط در آن صورت کتاب مقدس میتواند رهبری انسان را انجام دهد - کتاب می گوید "هدی للمتقین" (هدایت برای پرهیزگاران است) - در غیر این صورت پیروان ادیان مختلف با یکدیگر به ضدیت بر خواهند خاست، مجدد الف ثانی در نامه اش می نویسد، آنها می گویند که هنوز دارای نفس اماره هستند شایسته خواندن آیات قرآن نیستند - و شاگرد باید اول خود را با ذکر قلب مطهر کند، و وقتی پاک شد می تواند قرآن را بخوند -

"روش پیغمبرانه ایست که بعضی مردم کتاب مقدس را می خوانند و کتاب آنها را نفرین می کند" -

"ولی بولے شاہ می گوید کہ بعضی دیگران را فریب می دهند اما هنوز قرآن را از بر بغل دارند" -

یک تمولوژین می گوید که او در تعجب است که مراقبت و عبادت خودش را بخاطر خدا انجام می دهد - "به این ترتیب خیلی نزدیک به خدا هستم" - پس از عبادت او از خدا برای سلامتی خود، زندگی طولانی، گشایش مادی، حوریان بهشتی و قصرهای بهشتی تمنا کرده - فکر کنید! آیا گاهی خدا را عبادت کرده اید و از خدا جز خود خدا خواسته اید؟ یک دانشمند دینی میگوید که او با نزدیک به خدا نجات یافته زیر دانش و کتاب راد درون خود دارد - پس چرا قضاوت به دیگری بسپارد که سر نوشت رفتن به جهنم را دارند - در حالیکه هر مسلمان دانشی دارد و چند آیه از قرآن را حفظ کرده؟ فکر کنید! کی دانش را می فروشد؟ کی در حال فروش است؟ چه کسی به ولی بد میگوید؟ چه کسی خود، حریم و خسیس است؟ بعضی تقسیم با در قلب و بعضی در زبانند، یک جور صحبت در صبح وجود دیگر در شب - چه کسی دروغ را حقیقت جلوه می دهد؟ اگر شما در از چنین کارهای زشت هستید شما همراه پیغمبر هستید، پس اگر دیگران به شما پشت کنند کار درست نیست -

علامه اقبال گفت:

"اگر شما غرق خصوصیت های زیاد هستید شما همانید" -

که توسط گرک توصیف شده، که اگر او در حقیقت یوسف را خورده بود پس امیدوار است که بعنوان یک دانشمند قرن چهاردهم بر این نکته شود - (هجری) -

## راه راست

۱) آنها نیکه ظاہر شان پاک و باطنشان ناپاک است، نابکاران هستند در دین و به شیطان نزدیک می‌شوند و وارث اویند۔ در یک حدیث پیغمبری گفته شده "بترسید و دوری کنید از کشیشان نادان (دانشمندان) که زبانشان از دانش سخن می‌گوید اما قلبشان نادان (تیره) است۔"  
۲) وقتی باطن پاک و ظاہر نباشد۔ آنها را مجذوب می‌گویند تا توان و دور از اجتماع۔

آنها نیکه احساسات خود را در عشق عمیق رها کرده اند۔

چرا در روز جزا محاسبه شوند (از کتاب تریاک قلب..... حضرت گوهر شاہی)

مجدوب با از دین ترس دارند اما به خدا نزدیکند۔ آنها نمی‌توانند رتبه‌های بالاتر بدست آورند۔ درستکاران بلند مرتبه هستند۔ اما خود نماها (متظاهرین) ملحدند و مجذوبین با رفتار خوب مواجه خواهند شد مثل رئیس جمهور ایوب، بے نظیر یا نواز شریف در طول حکومت محترمانه خود با وقاہت انہار ابا چوب زدند۔ آیا شما متوسل به این شکل با کسی رفتار کنید در قدرت؟ اما در این حال، این فقط محدود به مجذوبین می‌شود نہ دیگران۔  
۳) آنها نیکه ہم از ظاہر و ہم باطن پاکند و درخشان، ہم تابع شریعتند و ہم تفکرات قلبی را دنبال می‌کنند۔

آنها عالم ربانی هستند و وارثین منبر دین پیغمبر، وقتی حالات درونی و بیرونی شخص یکی شد، او "نائب اللہ" نامیده میشود۔ اگر بہ زیارت برود در خواب یا بیداری او ثواب سفر واقعی (بدنی) را خواهد گرفت و حتی بیشتر۔ نماز بواسطه روح بعنوان یک عبادت دینی بحساب می‌آید بلکہ بیشتر اگر بدنی عبادت کنند، آن عبادت همراه عبادت روانی بہ علم روحانی بالا صعود خواهد کرد۔ این اشخاص بدنشان یک جا و روحشان جای دیگر است۔ در حیطه فقر (عشق خالص بہ خدا) تنها چیزی کہ او طالب است دیدار عظمت و زیبایی خداست۔ بعضی میگویند کہ هیچ کس نمی‌تواند خدا را در بر گیرد (ببیند)۔ علم بنیش خدایی با حضرت محمد شروع شد۔ بہ قول ابوحنیفہ (دانشمند اسلامی) او نو دونه بار خدا را دیده۔ با یزید بسطامی (ولی مسلمان) میگویند کہ او ہفتاد بار خدا را دیده۔ دیدار خدا از طریق موجود (لطیفہ) آسمانی اتا امکان پذیر است (کہ در سر است) اما شما از تعلیمات و تفکرات اتا آگاهی ندارید۔

## دوست خدا

بعضی افراد بہ کسی ولی می‌گویند (دوست خدا) مطابق با کشف و کرامت او۔

اما اگر شما از کارها و دین او در تردید قرار گرفتید پس بجای ناسزا گفتن بہ او از او دوری کنید۔ کسی چہ می‌داند؟ شاید در دیدار خدا غرق شدہ یک شخص می‌تواند برگزیدہ باشد کہ حتی بعد از شہادت زندہ ماند (در راه خدا)۔ یا بعضی مثل لعل شہبازی یا خضر یا سانی بابا، گرونا تک یا ولی بلھے شاہ یا دیگران عاشق ابدی خدا باشند۔

## پیغام انقلابی از حضرت گوهر شاهی به تمام انسانیت

مسلمان می گوید که از همه بالاتر است، در حالیکه یهودیان هم می گویند که از مسلمانان بالاترند - مسیحیان هم میگویند که از هر دو بهترند، بلکه او همه امت ها بالاترند چون از ملت، "پسر خدا هستند" -

### اما حضرت گوهر شاهی می گوید

اعلا و بالاترین آنهایی هستند که عشق ربانی در قلب آنها موج میزند، حتی اگر به هیچ دینی بستگی نداشته باشد -

زمره کلامی و عبادت دلیل بندگی و فرمانبرداری از خداست - در حالیکه تفکرات قلبی معنی

عشق بخداست و رفتن بسوی اوست -

انسان شریف بلند مرتبه میشود، ریاکاران پست میشوند و آنهایی که ادعای بی جهت آنها در

پیغمبر بودن از بی ایمانی است -

کسی که بدون دلیل ادعای ولی (مرشدی) میکند، او نزدیک به کفر است، ولی (مرشدی) بمعنی دوست (خدا) میباشد، لازم است برای یک دوست که با دوست خود ملاقات کرده باشد و با او صحبت نموده - حضرت محمد یک بار به یارانش گفت "وظائفی برای من وجود دارد که انجام دهم ولی برای شما نیست -

همه مؤمنین نمازی خوانند و از خدا تمنا می کنند "ما را به راه راست هدایت بفرما - راه آکسانیکه رحمت خود را شامل آنها فرموده ای" - فقط وقتی روحش به بیت المعمور برسد (کعبه) آن نماز حقیقی است - چون حتی به بعد از مردن کشیده میشود همانطور که ارواح تمام پیغمبران در "بیت المقدس" عبادت کردند، در شب معراج - بعلاوه مهم است که قویاً، از شریعت پیروی کرد تا رسیدن به دیدار خدا - البته خدا را بی برای تغییر و بهتر کردن افراد تنبیل و گناهار خلق فرمود - تفکرات قلبی یک هماهنگی برای کمبودها و گناهان میباشد - در بعضی اوقات این تفکرات میتواند آنها را وادارد که عاشق پروردگار شوند و دارای روح روشن -

وقتی نماز و عبادت را از دست می دهید، تمرین کنید زمره نام الله در حال ایستادن، نشستن حتی وقتی خوابیده اید (قرآن) -

زردیکی، وفاداری، دیدار و عبادت ولی (مرشدی) شانس بزرگی است برای گناهارگان و نجات آنها از جهنم، همانطور که حضرت محمد دستانش را راهنمایی کرد بطرف "اولیس قرنی" (و از او خواست) که دعا کند برای بخشیده شدن گناهارگان امتش - سخاوت و الا مقامی و شهادت میتواند پاک کننده گناهان و مغفرت باشد - خدا انجمن فروتنی، طلب مغفرت و گریه اشخاص را دوست دارد - در نتیجه آنها، در نتیجه آن خدا انصوح را بخشد که به زنان مرده تجاوز میکرد و کفن آنها را دید (قرآن) -

یک روز عیسیٰ از شیطان پرسید، ”چہ کسی بہترین دوست تو میباشد؟“ شیطان گفت، ”خسیس زاہد“۔ عیسیٰ پرسید چرا، شیطان گفت کہ خست یک شخص تمام عبادت اور ازین میرد۔ سپس عیسیٰ پرسید کہ بزرگ ترین دشمن تو کیست؟ شیطان جواب داد، ”گناہگار سخی“، عیسیٰ دلیل آنرا پرسید۔ و شیطان جواب داد، ”سخاوت سخی گناہان اور اپاک میکند“۔ عشق بندگان و خلقت خدا، مراعات (آنها) ہمراہ با حقیقت و جستجوی عدالت و بزرگی دریافت کنندہ رحمت خدای است۔ شاعر مشہور اقبال کہ در آن موقع جوان بود یک روز از مدرسہ برمی کشت دید کہ یک مادہ سگ اور تعقیب می کند۔ او از پلہ ہا بالا رفت (از پلہ ہا خانہ اش) و آن زمان بہ خیرہ گشت بدون احساس، او فکر کرد کہ زن گشنہ است۔ اقبال یک نان ہمراہ داشت، او نصف آنرا خورد، و دوبارہ بہ او خیرہ گشت۔ اقبال نصف دیگر را ہم بہ او داد و خودش تمام روز گشنہ ماند۔ شب پدرش از آن عمل بسیار خوشحال شد و او یک برگزیدہ شد۔

وقتی سبکتگین در جنگل مشغول شکار بود یک بچہ آہورا گرفت و حرکت کرد۔ سپس او دید کہ مادر آہو بچہ بسرعت اورا تعقیب می کند او توقف کرد آہو ہم ایستاد و صورت خود را بہ آسمان بلند کرد۔ سبکتگین اشک رادر چشمہای او دید و آہو بچہ را رہا کرد۔ پس از این حادثہ، از طرف خدا باران رحمت بہ سبکتگین باریدن گرفت۔ و او ہمیشہ برای خدا گریہ می کرد۔

مولانا رومی گفت: ”یک زمانہ صحبت با اولیا بہتر از صد سالہ اطاعت بی ریا“

یک حدیث مقدس است کہ میگوید: ”من زبان او شدم کہ با آن صحبت می کردم دستش شدم کہ با آن میگرفت“۔ ابوذر غفاری میگوید: ”تشخیص ولی (مرشد) در روز جزا مردم می گوید ما بہ او آب دادیم کہ وضو بگیرد، کسی میگوید اور ہم بخشید کسی دیگری می گوید من برایش لباس تہیہ کردم یا بہ او غذا دادم و جواب این خواهد بود کہ، اور ہم بخشید و باین ترتیب افراد زیادی بخاطر او (ولی) بخشیدہ میشوند۔

حدیث قدسی میگوید: ”اگر کسی ولی مرادشمن بدارد من برعلیہ او اعلان جنگ خواہم داد“۔ جنگ خدا با ہر کس این نیست کہ در یک روز سرش را جدا کند۔ او از ایمان جدا خواہد شد (در زندگی و در زندگی اخروی)۔ و ہر روزہ در جہنم سرش بریدہ خواہد شد“۔ مثل ’بلعم باعورا‘ کہ خیلی دانشمند بود تو حور یسین و فدایی خدا، اما بخاطر دشمنی با موسیٰ بہ جہنم رفت۔

مردم میگویند کہ شما میتوانید خدا را بواسطہ عبادت پیدا کنید

ما میگوئیم کہ بواسطہ قلب خدا را میتوان یافت!

عبادت برای تصفیہ قلب است، اگر عبادت اینکار را نکرد پس شما خیلی دور از خدا هستید۔ یک حدیث قدسی میگوید، ”خدا بہ عمل نگاہ نمی کند یا بہ چہرہ ہا بلکہ بہ نیت و قلب نگاہ می کند“۔ در حقیقت عبادت میتواند شمارا بہ بہشت برساند اما بہشت ہم خیلی از خدا دور است۔

”دانش خاص برای آنها نیست که عشق را می طلبید، نزدیکی و شناخت خدا بدون توجه به حوریان و بهشت“ -

طبق قرآن: ”خدا آنها را و امیدارد که به یک ولی یا مرشد ملاقات کنند“ -

وقتی خدا شخص خاصی را بخاطر رفتار خاص او دوست بدارد با او به دیدۀ مهر نگاه می کند - نگاه مهر آمیز او گناهان آن شخص را پاک می کند - حتی گناه کسانی که همراه او آیند، دوستان خدا -

اصحاب کهف: خوابیده بودند یا در سفر روحانی بودند و سگشان با نظر لطف به آنها نگاه می کرد و سگ با آنها به بهشت میرود بنام، ”حضرت قطییر“ - وقتی شیخ فرید در نظر خدا آمد یک چوپان که نزدیک او بود نیز از فیض برخوردار شد - وقتی خدا ”ابوالحسن خرقانی“ را مورد لطف قرار داد چون از بعضی از رفتار او خوشش آمده بود - یک مکالمات دو طرفه را با او شروع نمود - روزی خدا به شیخ گفت، ای ابوالحسن، اگر من آنچه از تو میتوانم به مردم بگویم آنها ترا سنگساری نکنند - شیخ جواب داد، اگر منم باز گو کنم که خدا چقدر رحیم است هیچ کس دیگر ترا سجده نخواهد کرد - سپس خدا به شیخ گفت ”مبادا به کسی این را بگویی (درباره ما) - ما هم درباره توبه آنها چیزی نخواهیم گفت -

وقتی زید به حضرت محمد معرفی شد که برای سوئین بار شراب خورده بود - همراهان پیغمبر او را بخاطر این کار ناسزا گفتند، ”پیغمبر سپس گفت“، زید را سر زنش تکلیف چون او عاشق خداست و معشوق خدا - آنها نیکه عاشق خدا یا پیغمبرش هستند به جهنم نمی روند - در حقیقت خدا تمام مخلوقات خود را دوست دارد - خدا حتی برای حشره ناچیز داخل سنگ نیر غذا میرساند - همانطور که بچه های نا اهل هم تنبیه می شوند و به آنها خدمت میشود همانطور هم خدا بعضی اوقات ”القهبار“ است برای نافرمانان و بدکاران -

این را قبول کنید: خداش می خواهد شما را هم ببیند - اما شما آگاه نیستید، بی توجه و بدسر نوشت -

آنچه انسان به آنگاه می کند (چهره) شما آزار روز با آب و صابون میشوید به آن کرم می زنید و ریشتان را مرتب می کنید - اما آیا آنچه را که خدا به آن نظر دارد پاک می کنید (قلبتان را) -

حدیث نبوی میگوید: ”برای هر چیز پاک کننده ای هست و برای تطهیر قلب تفکرات بر نام خداست“ -

عشق پاک هم مربوط به قلب است - کسی که فقط می گوید، ”من عاشق تو هستم“ او فریب کار است -

”عشق انجام دادنی نیست، آن همراهی میکند با کسی، وارد دل انسان میشود“ -

خدا در قلب شما است، اندیشه و تفکر قلب و ولی الله هم هستند (ولی الله)

موتور اتومبیل نیست که شما را به مقصد میرساند بدون همکاری با تمام اجزاء اتومبیل -

همانطور نماز کامل نیست بدون کشتن نفس و تذکیه قلب -

آیا خیال می کنید که نماز شما بدون اساس قبول میشود شما لائق بهشت خواهید شد؟ پس چرا دیگران را کافر می پندارید، خطا کار و روبرو به جهنم در حالیکه آنها نیز عبادت می کنند؟ تنها تفاوت اینست که مردم درواگن های مختلف یک قطار نشسته اند۔ (بعضی روی الاغ ضد مسیحیت و دیگران روی خر عیسی سوارند)۔ در حالیکه همه از نظر تاریکی درونی مساویند۔ فقط از نظر اعتقادات متفاوتند۔ بدن همه در این جهان می ماند و روحشان به سفر ادومی می دهد۔

روی زبانشان دعا و در قلبشان بدی، حسد، حرص، این را مراسم نمازی گویند (عبادت ظاهری) مردم عامی فقط با آن دلخوشند، اما هنوز هم در دام فرقه گرایی گرفتارند و عطا آنها پراکندن زشتکاری میان مردم است۔ مثلاً گروه خاصی را پیروی میکنند (یکسری مراسم) ده پانزده سال همان کار را تکرار می کنند و بعد دسته به دسته دیگری پیوسته اند۔ این به این دلیل است که گروه اول را غلط پنداشته اند۔ عبادت غلط قابل قبول نیست (از طرف خدا) بعبارت دیگر، پس ده پانزده سال عبادت شما مردود بوده۔ شاید این گروهی که اکنون به آن پیوسته اید نیز غلط شد، پس شما عبادت گذشته و آینده خود را از دست داده اید۔ وقتی پرده از جلو چشمان انسان برداشته شود انسان خود را در همان نقطه شروع می بیند (مثل اسب عساری)۔

بجای هدر دادن زندگی تان باید دنبال یک رهبر جهانی بگردید (یک ولی، مرشد مراد)۔



## اصول اعتقادی حضرت والا گوهر شاهی

معتقدین به ادیان مختلف را در يك ردیف قرار دهند- از خدا بپرسید ”خدایا کدام يك را شما میخواهید ملاقات کنید؟ همانطور که چشم شما به يك ستاره درخشان می افتد، خواه به مریخ، زحل یا ستاره بی نام دیگری، خدا هم به دلهای درخشان نگاه می کند بدون اینکه به دین او توجه کند-

”بدون عشق به معشوق ای سچل..... کفر چیست و اسلام چه“

در جستجوی خدا، شما به معابد میروید، کلیساها و مساجد آيا شنیده اید که در جایی خدا مقابل شما نشسته باشد در مقابل نماز گزاران؟ این بی اطلاع- جای خدا در قلب توست- خدا را به قلب خود دعوت کن- آنوقت جای عبادت را خواهی یافت و عبادت کنندگان پیش تو خواهند آمد- بایزید بسطامی گفت ”من مدتی دور کعبه طواف کردم“ و وقتی خدا داخل قلب من شد، دیدم کعبه بدور من طواف می کند- این مکانها جای توبه و انابه هست در حالیکه قلب خانه خداست- شما خدا را در معابد عبادت می کنید اما خدا شما در قلبتان ندای دهد-

بچ گاه در سرنوشت برگزیدگان توجه به هوس وجود ندارد..... این عاشقانند که همه را از خود دور می کنند

اللہ اللہ می کنید اما اورا نمی یابید..... اولیاء خدا هستند که خدا را بشما می نمایانند

هر دینی میگوید که پیغمبرش والاترین است- این امر باعث جنگ بین ”مردم کتابهای مختلف“ شد- بهتر است که شما به مجمع پیغمبران وارد شوید از راه روحانیت در آنموقع آنها را در عالم بالا و رتبه های آنها را در خواهید یافت-

## نکته مهم

خدا هر پیغمبری را به نام خاصی می نامد، که وسیله ای میشود برای شناخت "کلمه" برای پیروان پیغمبر. این نام ها در زبان سریانی خود خدا بودند. با شناخت آن، انسان وارد امت آن پیغمبر میشود. شناخت سه مرحله ای اجباری است. پس از وارد شدن به امت یک پیغمبر. انسان تا حد نیایش صفای پیدا می کند. در زمان پریشانی انسان را در زندگی نجات می بخشد. همچنین آن کمک می کند به تحمل و کم کردن عذاب قبر. هر پیروی باید "کلمه" را شناسد (کلمه پیغمبرش را) و آنرا شب و روز زمزمه کند. شما میتوانید کتاب مقدس را در زبان خودتان بخوانید تا راهنمایی شوید. اما در زبان اصلی خواندن رحمت بیشتری را به همراه می آورد.

## "کلمه" پیغمبران

کلمه مسیحیان:

لا اله الا الله عیسی روح الله..... خدای جز خدای یکتا نیست عیسی روح خداست

کلمه یهودیان:

لا اله الا الله موسی اکلیم الله..... خدای جز خدای یکتا نیست موسی با خدا صحبت میکند

کلمه پیروان ابراهیم

لا اله الا الله ابراهیم خلیل الله..... خدای جز خدای یکتا نیست ابراهیم دوست خداست

کلمه مسلمانان:

لا اله الا الله محمد رسول الله..... خدای جز خدای یکتا نیست محمد پیغمبر خداست

هندوها و سیک ها یک ارتباط دینی دارند با آدم. و از دین نوح سنت پرستیدن بت وارد دین هندو شد، بعزت احترام زیاد حضرت آدم کجرا الاسود. باز ماندگان کشتی نوح (دین خود) را تبلیغ کردند وقتی به هند رسیدند. و گروه های آنها از خضر کرامت دریافت کردند (ویشنومهاراج). در دعا های خود آدم را شکر جی و خضر را بعنوان ویشنومهاراج می نامند.

پیرو دین می توانند زبان مخصوص خودش را داشته باشد اما کلمه در زبان سریانی (خدا) برای تشخیص و راستگاری است. زمزمه نام خدا و رسول اقل لازم است ۳۳ مرتبه در صبح و عصر برای مردم عادی. برای محافظت از سختی دنیوی. باید ۹۹ مرتبه زمزمه شود یا هر چه بیشتر. برای دفع بلا یا (در زندگی) (۵۰۰۰) تا (۲۵۰۰۰) یا (۷۲۰۰۰) روزانه. آن میتواند در یک جلسه انجام شود بالاترین شماره (۱۲۵۰۰۰) مرتبه در روز است.

بمنظور تصفیه قلب و پاک کردن وصله های گناه (از روی قلب)، (یک روش خاص ذکر وجود دارد)۔ با هر نفس در حال زمزمه لا اله الا الله، و بخش دیگر در حالیکه نفس را بیرون میدهند سپس روی قلب تمرکز پیدا کنید وقتی نفس را بیرون میدهند برای کسب عشق و دوستی خدا روش دیگری نیز وجود دارد که بدون لطف خدا امکان ندارد۔ همانطور که در این کتاب توضیح داده شد ضربان قلب مثل سرودهای کلیسا ساسات و تنها کلمه خالص الله هماهنگ با آن است و هر ضربانش۔ این کار را هر چه بیشتر در روز انجام دهید۔ بعضی ها آنرا همراه با تمرکز انجام می دهند۔ و بعضی بدون تمرکز۔ و بعضی پس از احیاء (روشن شدن) قلب و روحشان، سپس این ذکر در تمام وقت اتوماتیک و انجام خواهد یافت۔

زمزمه اولیا (۷۲،۰۰۰) بار روز و زمزمه عاشق حتی به (۱۲۵،۰۰۰) بار در روز میرسد۔ اگر موجودات روحانی (داخل شخص) غرقه ذکر شوند، پس این ثواب بدون توجه فرشته (کرام الکاتبین) و محاسبه اوانجام میشود۔

بعضی روی زمین، بعضی روی سریر آسمانی، بعضی در کعبه، بعضی در حضور الهی

### تریاق قلب نوشته حضرت گوهر شاهی

در کنار نام الله، مؤمنین باید پیغمبر خود و نام او را هم در مد نظر داشته باشند تا آنکه با اسم خدا موازنه پیدا کند۔ در زمان شغف و از خود بیخود شدن یا علو روحانی تکرار کلمه را ادامه دهید، تا زمانی که آن حالت پایان برسد، بعداً یک رهبر جهانی را در نظر بیاورید، آنکه شخص ملاقات کرده اید۔ تا او نام خدا را در قلب شما حک کند۔ آنهایی که هیچ دینی را پیروی نمی کنند، خدای دانند که به چه کسی سرنویستان را بطه دهد۔ (بخشی از رحمت روحانی) شاید اصلاً وجود نداشته باشد۔ در طول انجام این تمرین۔ این فریفتگان باید نام پیغمبر بزرگ۔ را مرتباً در نظر داشته باشد، و یک ولی (مرشد) که شخصاً او را دیده باشند و به او اطمینان دارند۔ عبارت دیگر (راه شما) عشق و قلب شما بطرف او خواهد رفت راه مردم صاحب کتاب (اهل کتاب) در یک صفحه در گذشته جمع شدند۔ با هم خوردند و نوشیدند، و از دواج بین آنها مجاز بود، همانطور در زمان ما، اهل ذکر (مردمی که تفکرات نام الله را دارا هستند) با هم متحد خواهند شد۔ مرضی که وارد شریانات خون شود یا وقتی عشق کسی در قلب ریشه گرفت بیرون کردن آن سخت است۔

آب از لوازم ضروری هر خانه است، در حالیکه در توربین ها ایجاد برق می کند از شیر که بدست می آید۔ همانطور زمزمه آیات کتب آسمانی تولید نوری کند (زمزمه آیات و القاب اسم خدا) تولید نوری کند۔ بطرف فرشتگان پیش می رود، و راه غیر مستقیم است بطرف خدا۔ این جایگاه "وحدت الوجود" میباشد (موجود واحد) اما پیشروی نور با زمزمه اسم عصاره (الله) میروتا عصاره ای مستقیم است، و مربوط به "وحدت الوجود" (وحدت کشف و شهود عرفانی) میشود۔

بسیاری از مردم احترام زیادی قائل هستند و اعتقاد دارند عشق میورزند به پیغمبران و اولیاء دینشان۔ اما اخلاق خوب ندارند و به گناه کردن علاقه دارند به پیغمبرانشان دانشمندان و به اولیاء دیگر دینها۔ اینها مقامی در نزد خدا ندارند۔ زیرا آنهایی که به آنها توهمین میکنند نیز جزء دوستان خدا هستند توسط خدا برای ادیان و ملل مختلف انتخاب شده اند۔

## چند حادثہ مشہور از ارواح عاشق

یک حادثہ از یک روح محبوب ابدی

یکبار از میان جنگلی در ایالات متحدہ شب ہنگام میگذشتم۔ دیدم مردی را کہ در مقابل یک درخت در حال سجدہ میباشد۔ یک ساعت بعد بہ آنجا برگشتم و ہنوز در همان حالت بود، بہ او نزدیک شدم او کارش را متوقف کرد چون وجود مرا احساس کرد سر بلند کرد و گفت ”چرا من شدی“۔ جواب دادم ”منہم در جستوی خدا ہستم اما تو چگونہ خدا را در وجود یک درخت می جویی۔ بہتر است خدا را در یک دین جستو کنی“، او گفت ”من زبان اصلی انجیل را نمی دانم و زبان قرآن را یا کتابہای آسمانی دیگر را، و از ترجمہ آنہا راضی نمی شوم۔ زیرا تضادہای مہمی در میان است۔ در یک کتاب میگوید عیسیٰ پسر من است۔ در کتاب دیگر اصلاً او اولادی ندارد۔ من زیادی از اعرام را در جستوی خدا را آنہا گذرانده ام۔ اکنون را دیگری را انتخاب کردہ ام۔ این درخت آن قدر زیباست کہ نشان می دہد خدا آنرا دوست میدارد و شاید رسیدن من بہ خدا توسط آن انجام گیرد۔ این (مرد) یک روح عاشق ابدی بود، کہ از توانایی خودش در جستوی خدا بود۔ آیا این چنین اشخاص کہ ”نا توان“ نامیدہ میشوند بہ جہنم بروند۔ آنہا سگ ہستند کہ بنام قظمیر ستودہ میشوند در حالیکہ قظمیر ہیچ دینی نداشت (سگی کہ مورد نظر باشد بہ بہشت خواہد رفت)۔

### تجر بہ دو شیزہ کا تھرین اہل ایریزونا (امریکہ)

او گفت ”انجیلا (دوستش) مرا بہ تفکرات قلب آشنا کرد او گفت کہ اگر من احساس کردم کہ ہفت روز اسم خدا در قلب مرا میلر زاندم میتوانم خود را برگزیدہ خدا بدانم، در غیر این صورت زندگیم بہ ہدر رفتہ۔ پس از ہفت روز کوشش، ہنوز ہم لرزشی احساس نکردم، من یک شب بہ آن سخت گرفت و با خدا بہ راز و نیاز پرداختم با فروتنی و خلوص۔ همان شب تفکرات اسم اللہ شروع بہ لرزش در داخل وجود من کرد، من سہ سال ادامہ دادم“۔ کا تھرین تصدیق نمی کند کہ بسن پیری اما بہ روش سالم و صحیحی رسیدہ ام دلش، ہمیشہ طور۔ اونمی پذیرد دینی را مگر عشق خدایی را۔ او میگوید عشق بہ خدا در دلش رشد میکند تا تفکراتش و این برایش کافی است۔

### ملاقات با گروی ہندو

در آن موقع من در کوہبہای سہوان بودم۔ بعضی اوقات مقبرہ لعل شہباز ولی را ملاقات می کردم کسی را دیدم کہ در راہرونی مقبرہ نشستہ بود، و پیروان بسیاری از مؤمنین ہندوان با احساس در اعتراف او گرد آمدہ بودند، پرسیدم این مرد مقدس کیست گفتند کہ او یک گروی ہندی میباشد کہ بہ نور رسیدہ است، و آرزوہای آنہا توسط او بہ لعل سای ولی میرسد و بہ آرزوہای خود رسیدہ اند۔ بسیاری از مسلمانان ہم او را احترام می کردند۔ روزی از یک تپہ ای می گذشتم، آن مرد را دیدم کہ بتی را سجدہ می کرد و با صدای بلند آوازی کرد۔ روز دیگر او در مقبرہ ای دیدم، بہ او گفتم از شخص تحصیل کردہ ای مثل او بعید است کہ بت گلی را پستند۔ او عقیدہ ندارد کہ بت خدا است، بلکہ این عقیدہ اوست کہ در کتاب (مسلمانان) نیز آمدہ کہ خدا انسان را در شکل و قیافہ خودش آفریدہ۔ بہ این دلیل، اوبت ہای زیادی ساختہ و ہمہ را عبادت میکند بہ امید اینکہ شاید یکی شبیہ خدا باشد۔ او بمن گفت، تو ہم بانور رسیدہ ای۔ تو بہ من بگو خدا چہ شکلی است۔ چہ مجسمہ ای شبیہ بہ خداست تا من آنرا در قلب خود نقش بکنم؟

من درس شانزده هفده سالگی بودم - روزی بخشی از متن مقدس را در مقبره بابا گوهر علی شاه می خواندم (یکی از اسلاف خودم) در این موقع مرد بلند قدی در قیانه درویشان درآمد و بمن گفت "آیا تو داری غیر ممکن را می خواهی؟" - ظاهرش به ولی می خورد، بنا بر این من ساکت ماندم، اما گفتم شاید شیطان باشد که مرا از خواندن کتاب مقدس بازمی دارد - مدت زمانی گذشت - من در حدود سی و پنج سال داشتم که تفکرات قلب من شروع شد - من عادت داشتم آیات آسمانی را زمزمه می کردم همانطور که بمن گفته شده بود - سپس آرام می گرفتم تا قلمم آنها را باز خوانی کند - من میشدیم که آن از قلمم می آید - یک روز که داشتم باشادی همان کار را میکردم دیدم که همان مرد بهمان قیافه وارد شد - و گفت "اکنون تو در حقیقت داری کتاب مقدس را می خوانی" -

"شفایید انخواهد شد مگر وقتی دارو وارد شکم شود - هیچ چیز حاصل نخواهد شد مگر وقتی کتاب مقدس خدا وارد قلب شود -"

او این شعر را خواند: خواندن زبانی را هر کس انجام می دهد - خواندن قلب کاری می کند اما تا بید قلمی فقط از عشاق برمی آید -

دوستان لسانی ما چه میدانند -

پس از اتمام نماز در مسجد اتا در بار، من متوجه مردی شدم که کفش مومنین را جفت میکرد - احساس کردم که او فقط کفشها را جفت میکند اما نماز نمی خواند - وقتی بیرون می رفتم، به او گفتم "تو که نماز نمی خواندی از خدا چه می خواهی با جفت کردن کفشها؟" او گفت "من هیچ وقت در عمرم نماز نمی خوانم حالا برای نمازهای نخوانده ام در این سن زیاد از خدا چه میتوانم بخواهم؟ امیدوارم بین این همه نماز گزار یک دوست خدا وجود داشته باشد و شاید خدا خودش از این عمل خوشحال شود" - من به او گفتم که هیچ کاری بهتر از عبادت نیست - سپس او جواب داد "هیچ چیز بالاتر از او، دوست (خدا) نیست، امید است که انسان بتواند او را خوشحال کند" - سه سال بعد وقتی اعتکاف روحانی من تمام شد، یک روز سفر آسمانی (روحانی) کردم به مجمع پیغمبران باز هم او را دیدم که در پای معشوقان خدا نشسته - در آن موقع این شعر را بیاورد -

گناهارگار به درگاه الهی رسید

عابد و عقیف به نظاره ایستادند

## معرفی شخصی حضرت والا گوهر شاہی

حضرتش در کشور ہندوستان در ۲۵ نومبر ۱۹۳۱ شہر کوچک گوہر شاہ در استان راولپنڈی بدنیآ آمدند۔ مادرشان فاطمی است از ذریہ ہای، حضرت محمدؐ بود و دختر یکی از نوہ ہای سید گوہر علی شاہ است۔ پدر حضرت از احفاد یکی از (از طرف مادری) نوہ ہای سید گوہر علی شاہ و پدربزرگش بہ خانوادہ مغولان میرسد۔ حضرتش متمایل بہ مقبرہ ولی بود از همان اوان زندگی۔ پدرش می گفت کہ او از سن چہار پنج سالگی گاہ گاہ غیب میشد و بعد اورا در کنار مقبرہ ولی نظام الدین اولیاد در (دہلی) می یافتند۔ پدرش می گفت کہ او بنظر میرسد کہ با حضرت نظام الدین اولیا صحبت می کرد، این موقعی کہ پدرش در دہلی سکونت داشت۔

در ماہ مارس ۱۹۹۷، حضرتش بہ ہند مشرف شدند و (در طول این زمان) او بہ مقبرہ نظام الدین اولیا، میرفت از طریق (روحانی) نظام الدین اولیا، معتکف حرم اسلام الدین نظامی (یکی از اخلاف نظام الدین اولیا)۔ افتخار داد بہ حضرت بانوار افتخار، بر دور سر ایشان نزدیک محل سر مبارک در مقبرہ۔

آنچہ حضرت از ابتدای جوانی میگفت، اتفاق می افتاد و باین دلیل ہر چہ میگفت پدرش انجام میداد۔ پدرش میگوید، ”گوہر شاہی“ طبق روال روزانہ ہر صبح بہ حیاط خانہ می آید و با آمدنش من بہ احترام او برمی خیزم، او میگوید کہ حضرت گوہر شاہی از این کار من عصبانی میشود و میگوید او پسر من است از این موضوع خجل میشود۔ من ہر دفعہ بہ او میگویم، ”این بخاطر تو نیست، بلکہ بخاطر خداست کہ در درون تو زندگی میکند۔ من بہ احترام او برمی خیزم“۔

رئیس مدرسہ شہر نوری میگوید، من بعنوان یک معلم سخت گیر شہرت داشتم و من بیچت شاگردان را تنبیه می کردم، او (حضرت گوہر شاہی) دیر بہ مدرسہ می آمد۔ وقتی بہ او عصبانی میشدم و میخواستم او را تنبیه کنم احساس می کردم کہ کسی چوب مرا گرفته و باین ترتیب من متبسم میشدم۔

## مطالبی از خانوادہ و دوستان حضرت گوہر شاہی

”ما ہرگز ندیدیم کہ با کسی دعوا یا جدال یا بحث کند یا کسی را بزند، و اگر دوستی از او عصبانی میشد۔

وی آمد کہ با او دعوا کند، آنرا بخندہ رد می کرد“۔

زوجہ حضرت میگوید: در وحلہ اول ہرگز عصبانی نمی شود و اگر ہم بشود خیلی بہ ندرت است آن در بارہ یک امر زشت و وسیع میباشد۔ در بارہ سخاوت آن حضرت، او میگوید ”صبح وقتی بیرون می رود جیبش پر از پول است و وقتی بر میگردد خالی است“۔ او تمام پول را بہ محتاجین می دہد، وقتی من پول می خواہم قیافہ در ہم میکشد و این مرا ناراحت می کند۔ سپس او بہ قیافہ مظلوم شوہرش نگاہ می کند و این بیان می کند ”او قلبا خیلی سخی است، او در حالی میشیند کہ ہمہ چیز رادادہ است“۔

پسران حضرت گوہر شاہی و نظرات آنہا در بارہ او: ”اومار اسیار دوست دارد و موافقت زیادی از ما بعمل می وقتی پول می خواہیم کمی بماند، و میگوید کہ شاپول را تلف می کنید“۔ سپس ما بہ او میگوئیم ما را بہ لباس درویشان در آور دیا بما پول بدہد۔

مادر حضرت گوہر شاہی و نظرات او: وقتی بچہ بود و بعد از اتمام تحصیلات اگر ضروری بہ او میخور دمن اورا سرزنش می کردم اما او ہچگانہ سر بلند نمی کرد۔ شخص مسنی بنام ”ککہ میان“ از دہکدہ شمس معمولاً می گفت، ریاض را سرزنش نکند، شما آنچہ من در درون اومی بیغم نمی ببیند۔ او آنقدر بہ دیگران رحم و شفقت دارد کہ اگر میشدید یک اتوباس خراب شدہ دوازہ مایلی آنجا، او برای آنہا غذا تہیہ می کرد۔ و با دو چرخہ برایشان می برد۔

دوست نزدیک حضرت گوہر شاہی، محمد اقبال اہل فزولیان: محمد اقبال میگوید کہ آنہا (حضرت و اقبال) وقتی در لجنزاری در باران راہ میرفتند وصف مورچہ ہا را دیدند کہ براہشان میرفتند۔ اورا خود را در لجنزار کج کرد و دور کرد تا مبادا بہ مورچہ ہا صدمہ بخورد۔ وقتی بہ حضرت اتہام قتل زدند، قدوس شیخ آمد تا در موضوع رسیدگی کند۔ افراد محلی گفتند کہ حضرت حتی بہ مورچہ ای آزار نمی رساند چہ بہ اینکہ انسانی را بقتل رساندہ باشد۔

حضرت گوہر شاہی و عمہ اش: حضرتش میگوید ”خیلی پیش“، من دانش آموز کلاس ہشتم بودم کہ روزی عمہ ام کہ خیلی اہل عبادت بود او (حسد، حرص کہ اغلب در میان عبادت کنندگان رواج دارد) را در اربود، گفت کہ ہمہ چیز من خوب است الا کہ من عبادت نمی کنم، ”من گفتم بہ عمہ، عبادت ہدیہ ایست بہ خدا، و نمی خواہم عبادت را ہمراہ کنم با خست، بدجنسی، تکبر، حسد و آزار بطرف خدا بفرستم“۔ من او گفتم وقتی نمازی خوانم کہ درست و صحیح باشد نہ مثل نماز او، کہ نمازش را بجای آورد و در عین حال گناہ زشت انجام می دہد مثل غیبت، تہمت و آزار دیگران۔

### حضرت گوہر شاہی در بارہ بچگی خود صحبت میکند

”از دہ دوازہ سالگی عادتاً با خدا در حالت رؤیا صحبت می کردم و بیت المعمور (کعبہ) را امید میدم ولی از حقیقت آن بی اطلاع بودم۔ بعد از اتمام اعتکافم۔ وقتی همان روابط، دیدار و منظرہ دوبارہ آمد، حقیقت آنہا آشکار شد“۔

من عموی داشتم در ارتش کہ بہ فاحشہ خانہ می رفت۔ خانوادہ اش اورا از اینکار منع میکردند۔ روزی مرا با خود برد، در زمانیکہ سوءظن کسی را بر بنیا نگیزد (از تصمیمش) من بچہ آشنایی با فاحشہ خانہ فواحش نداشتم۔ او مقداری چای و پیسکویت بمن داد (تا مرا سرگرم کند) و خودش تنہا بہ آنجا می رفت۔ او بمن گفت، این ادارہ ایست کہ زنان در آنجا کاری کنند، من کم کم از آنجا خستہ شدم، وقتی عمویم بہ من گفت ”آنہا زنند و خدا آنہا را بہ این منظور آفریدہ“۔ او میخو است کہ مرا نیز بیالاید۔ حرف عمویم مرا آزر د، من تمام شب را نخوابیدم و بانفسم جنگ کردم و ناگہان بخواب رفتم۔

من جای بلند و دایره شکلی را دیدم کہ در زیر آن ایستاده بودم۔ صدای بلند از آن بالا شنیدم ”اورا جلو بیاورید“ دیدم دو نفر عمویم را گرفتند و اورا جلو بردند و اشاره بہ او گفتند، خودش است۔

صدا دوبارہ شنیدہ شد ”اورا با شلاق ہای آہنی بزنیید“۔ آنہا شروع کردند بہ زدن او شروع بہ فریاد کرد و ناگہان چہرہ اش شبیہ خوک شد۔ صدا سپس رو بہ من گفت، ”اگر تو ہم با او ہمراہ شدی مثل او با تو معاملہ خواہد شد“۔ من توبہ کردم و طلب بخشش کردم و از خواب بیدار شدم در حالیکہ این سخنان را بر لب داشتم، ”خدا یا توبہ کردم، خدا یا توبہ کردم“۔ تأثیر آن تا چندین روز در من اثر گذار شد۔

روز دیگر، با اتوبوس بہ دہکدہ ای می رفتم۔ دیدم کہ چند دزد دارند ضبط صوت یک تاکسی را می دزدند۔ وقتی رانندہ مقاومت کرد، کار دبیرون آوردند، بہ او حملہ کردند و اورا کشتند۔ بادیدن این موضوع اتوبوس ایستاد، بادیدن ما، دزد ہا فرار کردند۔ رانندہ مرہ جلوی چشمہای ما، فکر کردم کہ زندگی آنقدر بی اعتماد است۔ بہ رختخواب رفتم و این شعر در وجود من انعکاس داشت۔ ”خدا ہمہ گناہان مرا بخش، من آمدہ ام تا در محضر تو بیفتم“۔ ہمہ شب را باناراحتی گذراندم۔ چند وقت پس از این حادثہ، من از دنیا دست شستم و بہ مقبرہ ولی جام داتا رفتم۔ در آنجا نیر تسکین نیافتم و برادرزادہ ام مراد دوبارہ بہ زندگی باز گرداند۔

در سن سی و چہار ولی بری امام در جلوی من ظاہر شد و گفت، ”اکنون دوبارہ زمان برگشت توبہ بہ جنگل است، پس از سہ سال گوشہ گیری وقتی بہ چیزی دست یافتم، بہ مقبرہ جام داتا برگشتم۔ ولی (از قبر بیرون آمد) و در جلو من ظاہر شد۔ من بہ او گفتم، ”اگر تو مرا پذیرفتہ بودی وقتی قبل از پیش تو آمدم من از زندگی شہوانی نجات یافتہ بودم (آنچہ قبل از رفتن بہ جنگل با آن دست بہ گریبان بودم)۔ ولی جواب داد ”انوقت وقتش نبود“۔



## حقیقتی چند در باره شخصیت آسمانی حضرت ریاض احمد گوهر شاهی

در سن ۱۹ سالگی، موجود روحانی، "جوسه توفیق الہی" بہ حضرتش در ارتباط قرار گرفت و یک سال ادامه داد، حضرت لباسش را پارہ کرد نواری از آن را بہ دور کمرش بست و بہ جنگل جام داتا رفت آن موجود روحانی موقتاً بہ او اتصال پیدا کرد۔ چہارہ سال از او دور شد۔ و سپس آن علت برگشتش بہ جنگل لعل باغ شد در سال ۱۹۷۵۔

در سن ۲۵ سالگی، "موجود روحانی گوہر شاهی"، بہ مقام عالی رسید، و فرماندہ نیروی اختصاصی گردید۔ و در نتیجہ از بدیہا و وسوسہ ہای شیطان و شیاطین انسی در امان ماند۔ موجود روحانی "جسہ توفیق الہی" موجود روحانی "طفل نوری" خیلی مخصوصند و از ارواح دیگر بالاترند۔ ملائک مقرب و موجودات روحانی (معمولی قبلی ہائش فرشتہ مغرب رابطہ مستقیم با خدا دارند و جایگاہ آنها احدیت است)۔

در سن ۲۵ در شب پانزدہم رمضان سال ۱۹۷۶ یک دانہ (موجود) از نور در قلب حضرتش ریشہ دو اند۔ چند وقت دیگر برای تعلیم و تربیت (حضرتش) بہ بسیاری از عوالم و فضا ہا دعوت شد۔ در پانزدہم رمضان ۱۹۸۵، آن تخم روحانی نور تبدیل شد بہ موجود روحانی "طفل نوری"۔ آن کاملاً بہ او (حضرتش) تسلیم شد و بہ این دلیل او مفتخر شد و دعوت شد بہ عالی ترین "مجمع پیغمبران" و تاج افتخار بر سر او قرار گرفت۔ "طفل نوری" بعد از دوازده سال بہ این درجہ رسید اما بہ افتخار رسیدت نہ سال بواسطہ وظائف جہانی۔

## دلایل تشکیل مراسم روز "موعدا انتصاب حضرت ریاض احمد گوہر شاهی"

در پانزدہم رمضان ۱۹۷۷ مراسم "الہام خاص" از طرف خدا بہ حضرت شروع شد۔ قول "راضیہ و مرضیہ" بہ انجام رسید و حضرتش بہ این مقام منسوب شدند۔ چون ہر درجہ و مرتبہ و صعود مقام ہمہ مربوط بہ پانزدہم رمضان میشود، آن روز بہ این دلیل عمید گرفتہ میشود۔

در سال ۱۹۷۸ حضرتش بہ حیدرآباد شریف آوردند و مراسم رہبری و تعلیم شروع شد، و پیغامش سرتاسر بہ دنیا مخابرہ شد در جلو چشمان، ما قلب بسیاری از خواہان مقامات بالا تفکرات و ذکر باری تعالی را ادامه میدہند و بسیاری از آنها اسم خدا در قلبشان نقش بستہ۔ آنها میتوانند نام اللہ را کہ بردشان حک شدہ ببینند۔ بسیاری از مشتاقین بہ نور (صفای قلب) میرسند۔ دیدن قبر ہا، (از آنجا میتوانند داخل قبر را ہم ببینند)۔ و دیدن اجتماع پیغمبران (کہ بعضی توانستند در مجمع آنها شرکت کنند)۔ حضرت بسیاری از بیماران را با بیرون راندن مرض از بدنشان شفا دہند۔

پس از دریافت تعلیم و راہنماییہا از حضرت ریاض احمد گوہر شاهی، مردم از ہر مذہبی، ہر ملی و ہر نژاد عشق بخدا ریاقتند۔

و بہ اصل و ریشہ خدا رسیدند۔

"قسم بہ خدا من ہم از آن مردمان ہستم کہ نام اللہ بر قلبشان نقش بستہ و می دزشد"۔

شیخ نظام الدین (میری لاند، ایالات متحدہ امریکہ)

## توضیح کامل راجع به تصاویر روی خورشید و ماه حضرت والا گوهرشاهی

نختر اینها کردند و در سہانی اموختند در بارہ عشق آسمانی سر تا سر دنیا۔ و این شہرت جہانی برایش بہ ارمان آورد۔

در سال ۱۹۹۳ء در مینچستر، انگلستان، بسیاری از مردم بہ تصویر حضرت در ماہ اشارہ می کردند۔ بنا بر این مشاہدات شاہدین بسیاری گزارش شد از بسیاری کشورہا۔ تصاویری از ماہ بوسیلہ وسایل ویدیویی برداشتہ شد۔ تصاویری از ماہ برداشتہ شد از کشورہای مختلف و آژانس فضایی ناسا (NASA)۔ در ابتدا تصویر چہرہ روی عکسہا کاملاً اشکار بود۔ مدت دو سال تصویر روی ماہ آنقدر آشکار است کہ میتوان آنہا را بدون دوربین یا وسایل کامپیوتری مشاہدہ کرد۔

در سال ۱۹۹۷ء نمادہ من ظفر حسین بہ این موضوع در ناسا (NASA) اشارہ می کند۔ آنہا می گویند کہ آنہا از تصویر حضرت در ماہ آگاہ ہستند۔ اما آنہا می گویند این تصویر از آن مسیحی باشد۔ کہ در شکل دو یست مایل طول، نوری نقش بستہ۔ آمریکا میہما ہم از NASA درخواستند تا در بارہ این موضوع توضیح کامل بدہد۔

NASA از توضیح کامل آن طرفہ رفت زیرا حضرت از آسیا ہستند۔ بعلاوہ، پروفیسور دینسمور آلتریک مطلع NASA در کتابش فضا شناسی تصویری آن ادعا را رد کرد و گفت آن تصویر یک زن می باشد۔ سپس چنین شایع شد در بین فرستادگان مسیحی کہ آن تصویر یک زن می باشد۔ سپس چنین شایع شد در بین فرستادگان مسیحی کہ آن تصویر از "حضرت مریم مقدس" است۔ پس از اینکہ وسیلہ ارتباط جمعی این موضوع را فاش کرد در پاکستان بسیاری از مردم آنرا بعد از بررسی ہای کامل پذیرفتند بعضی از مردم، بدون تحقیق کامل یا بررسی آنرا بہ مضحکہ گرفتند و بسیاری آنرا سحر انگاشتند۔ چند وقت بعد تصویر روی فضا بہ دہان ہا افتاد۔ اما اہمیت این موضوع بیشتر میان پیروان حضرت گوہرشاہی مورد قبول واقع شد۔ در سال ۱۹۹۸ء، یک گزارش در روزنامہ پرچم (پاکستانی، کراچی) منتشر منتشر شد کہ تصویری روی سنگ مقدس حجر الاسود دیدہ شدہ۔

من قبلاً راجع بہ این تصویر میدانستم۔ من تصاویر بسیاری از سنگ را داشتم کہ بر روی آن تصویر وجود داشت و مشخص شدہ بود۔ تقریباً تمام مریدان حضرت گوہرشاہی در بارہ آن تحقیق و مطالعہ کردہ بودند۔ دلیل سکوت من در بارہ این موضوع جلوگیری از انتشارش میان مسلمین بود، اما با دیدن این گزارش در روزنامہ تشویق شدم بعداً۔ مطالبی راجع بہ این موضوع چاپ و تکثیر شد و بین ہمہ توزیع گردید۔ تقریباً تمام مسلمان دست بہ تحقیق زدند چون مطلبی بود مربوط بدین خودشان۔

بیشتر مردم این مطلب را قبول کردند چون تصویر روی سنگ آنقدر واضح بود کہ نمیشد آنرا انکار کرد۔ بہ این دلیل بسیاری از مخالفین انتشار دادند کہ آن تصویر سحر است۔ تقریباً در ہر کشوری، تصاویری از ماہ و حجر الاسود معرفی شدند۔ عربستان سعودی و متحداناش حشمگین شدند۔ مثل اینکہ حضرت گوہرشاہی خود بادشت خود تصویر مبارک را روی حجر الاسود قرار دادہ بودند۔ آنہا اعلام کردند کہ ظہور چہرہ روی سنگ و عکسہا غیر قانونی است و بنا بر این چگونہ چہرہ ای میتواند روی حجر الاسود ظاہر شود دولت عربستان یک حکم قتل برای حضرت گوہرشاہی دریافت کرد از محکمہ شریعت۔

و اینکه اگر حضرت قدم به مکه بگذارد حکم قتل او صادر شود - حتی در پاکستان گروه‌های حامی عربستان در صد دند تا حضرت را به قتل برسانند و تعلیمات او را از بین ببرند و بسیاری قصد جان حضرت را کرده‌اند -

## تصویر حضرت گوهرشاهی حتی در خورشید هم دیده شده

من بارها به دولت پاکستان اعلام کرده‌ام علت پرونده‌های دروغین بر علیه خودم را از دولت خواسته‌ام تا تحقیق کنند موضوع تصویر را - این تصویر و علامات خدایی از طرف دولت‌ها بخاطر فرقه گرایان مردود اعلام شده بعلاوه دولت نواز مجبور کرد حکومت محلی سندراتا دستگیر و نابود کند حضرت گوهرشاهی را یا از محل برانند بهر وسیله ممکن - من اکنون با حکومت نظامی پاکستان در تماس هستم - من از آنها تقاضا کرده‌ام که این علامات الهی را مورد مذاکره قرار دهند بدون هیچ پیش داوری و بدون ترس از هر گروه و این علامات فرستاده شده از طرف خدا را تخطئه نکنند - چون تعلیمات حضرت گوهرشاهی بر اساس عشق خدایی و صلح است با این تعلیمات، مومنین به هر دین شروع به انقلابات فکری در میان خود کرده‌اند - بعلت احترام عمیق که برای حضرت گوهرشاهی قائلند - هندو ها، سیک ها، مسلمانان، مسیحیان و یهودیان همه با هم به اتحاد رسیده‌اند - این یک حادثه غیر مترقبه است، که بوسیله آن حضرت گوهرشاهی (که ظاهرش) مسلمان می‌نماید محترم و معزز گشته و از او دعوت بعمل آمده که در کلیساها سخنرانی کند - همچنین در معابد گردودوار - این چنین شخصی باید تشویق شود، چون مایه افتخار کشورش هست و کسی که خدا او را معرفی مینماید - برای اثبات حقانیتش و علو آسمانیش، خدا آن علامات را میفرستد - تا با کرامات روحانیش مردم به نور قلبی برسند، با اسم خدا و محبت واقع شوند (محبت اللہ) دانشمندان و گروه‌هایی که دشمن اولیاء هستند و دشمن خاندان محمد هم با هم بر علیه حضرت متحد شده‌اند -

توجه عامه از حجر الاسود برگردانده می‌شود بر اثر تحریکات اتهامات دروغین - نقشه‌های بی اساس - و تبلیغات منفی در باره حضرت گوهرشاهی در حالیکه این یک مسئله مهم و حساس است، زیر ایمان مسلمانان در کل در خطر قرار دارد - پس چرا همه در این باره پافشاری نمی‌کنند؟ هم تبلیغات مثبت و هم منفی در این باره وجود دارد در همه جهان - در باره حجر الاسود، اکنون پوشاندن و نادیده گرفتن این موضوع غیر ممکن است -

از طرف دیگر، دانشمندی که به اولیاء عقیده مند می‌باشد در باره حضرت گوهرشاهی کروکورا مانده اند و بی تفاوت بخاطر دشمنی و حسد با حضرتشان - تصویر آنقدر قابل رویت است که تقریباً غیر ممکن است که آنرا نادیده گرفت - این مردم می‌گویند که کره ماه هم اکنون منبع سحر و افسون قرار گرفته، در حالیکه حضرت محمد فرمودند که ماه نمی‌تواند منبع سحر قرار گیرد - دانشمندان می‌گویند حجر الاسود هم، تحت تأثیر سحر افسون قرار گرفته - حال سؤالی مطرح میشود که اگر حجر الاسود میتواند تحت تأثیر سحر قرار گیرد پس مسلمانان چه جانی را میتوانند برای خود نگهدارند؟ برای جواب به این دانشمندان، آنها مثال می‌آورند که حتی خود پیغمبر هم از دست تأثیر سحر در امان نماند و کعبه مقدس از خود حضرت محمد بزرگتر نیست - در حقیقت یک بار حضرت محمد تحت تأثیر سحر قرار گرفت اما یک آیه، سوره والناس برای ربانی او از آن نازل شد و از اثر آن سحر نجات یافت - دانشمندان مخالف میتوانند همان آیه را بخوانند و بر حجر الاسود بدمند و بر ماه و اگر تصویرها از بین نرفتند و بلکه واضح تر شدند آنوقت باید حقیقت را قبول کنند، در غیر این صورت باید قبول کنند که تحت تأثیر پدر نادانی (ابو جهل) قرار گرفته‌اند -



Official Visitors Guide, Summer \* Fall 1996



لطفا متن نامه عکاس را بخوانید  
من تصویری گرفتم از قسمت مرکزی  
شهر فنیکس که در ماه تصویری از کنار  
صورت یک انسان بوضوح دیده میشود  
در حالیکه دیده شود با زاویه ۹۰ درجه

**SCOTT**

16430 PL 6471 STEWART  
SCOTTSDALE, AZ 85264  
phone 760-3-685

Mr. Syed Elahi  
3401 N Columbus # 10-P  
Tucson AZ 85712  
8-1-88

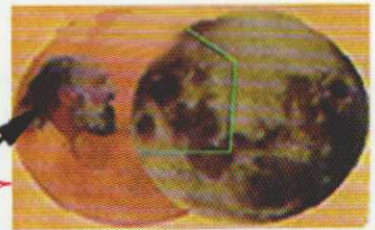
Dear Syed,

Please find (4) color duped transparencies and one 8 x 10 reprint you expressed interest in having during your visit to Phoenix Monday July 26, 1988. As discussed, the enlargement of the moon, which I photographed over downtown Phoenix in February 1988, does have a shadow of a man in profile when viewed through 90 degree counter-rotation. I hope you enjoy the prints and slides, if you have any questions or comments concerning the material or wish more images please feel free to call me here in Phoenix at (602) 760-3400.

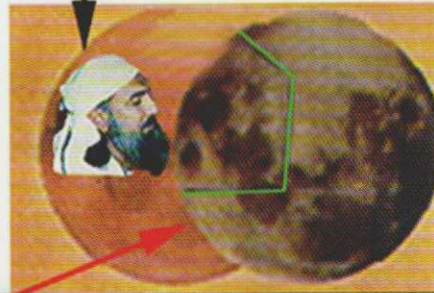
*Scott*  
Scott Thomson



حضرت گوهر شاہی



ماہ



239



The Moon's rotation is locked to its period of revolution around the Earth, and so we never see its far side, but photographs from space have revealed a similar picture there, although there appear to be no large craters.

#### CRATERS AND RAY SYSTEMS

If you use a pair of binoculars or a small telescope to look at the Moon when it is near full, you will see the bright crater systems in Tycho, which is surrounded by a system of rays. With some careful inspection, you will see that some of these rays stretch all the way to the opposite edge of the Moon. When a comet or an asteroid struck this crater, possibly 10 million years ago, it ejected out a piece of Moon

rock that was sent into orbit around the Earth, and so we see the Aitken crater on the far side of the Moon. The rays stand out when the Moon is full, but at other times they cannot be seen. Instead, you will see a twilight zone between its bright and dark portions. Known as the terminator, this is a region of changing shadows, where craters and mountain ranges stand out in dark relief.

Regular observers of the Moon study the same area in many different lighting conditions in order to appreciate the moon's surface.

### COLLINS SKYWATCHING THE ULTIMATE GUIDE TO THE UNIVERSE

and its gravity, and so we see that of the Sun, the high tides on the day-side every 24 hours and 25 minutes. This time reflects the rotation of the Earth and the Moon's

revolution around the Earth. Ok, why are there two tides a day? The gravitational pull of the Moon tugs at the Earth, causing the waters on the side facing it to pile up, accounting for one high tide. The high tide on the other side of the Earth arises because the gravitational pull of the Moon is such that the Earth itself is pulled a little toward the Moon. This movement results in the waters on the far side being "left behind" and piling up. In between these high tide regions are the regions where the water level is at its lowest. See also...

#### FACT FILE

- Distance from Earth: 238,000 miles (384,000 km)
- Sidereal revolution period (about Earth): 27.3 days
- Mass (Earth = 1): 0.012
- Radius at equator (Earth = 1): 0.272
- Apparent size: 31 arc minutes
- Sidereal recession period (at equator): 27.3 days

Everyone is a moon and has a dark side which he never shows to anybody.

Phil Spector's Moonlight and Me (1967)

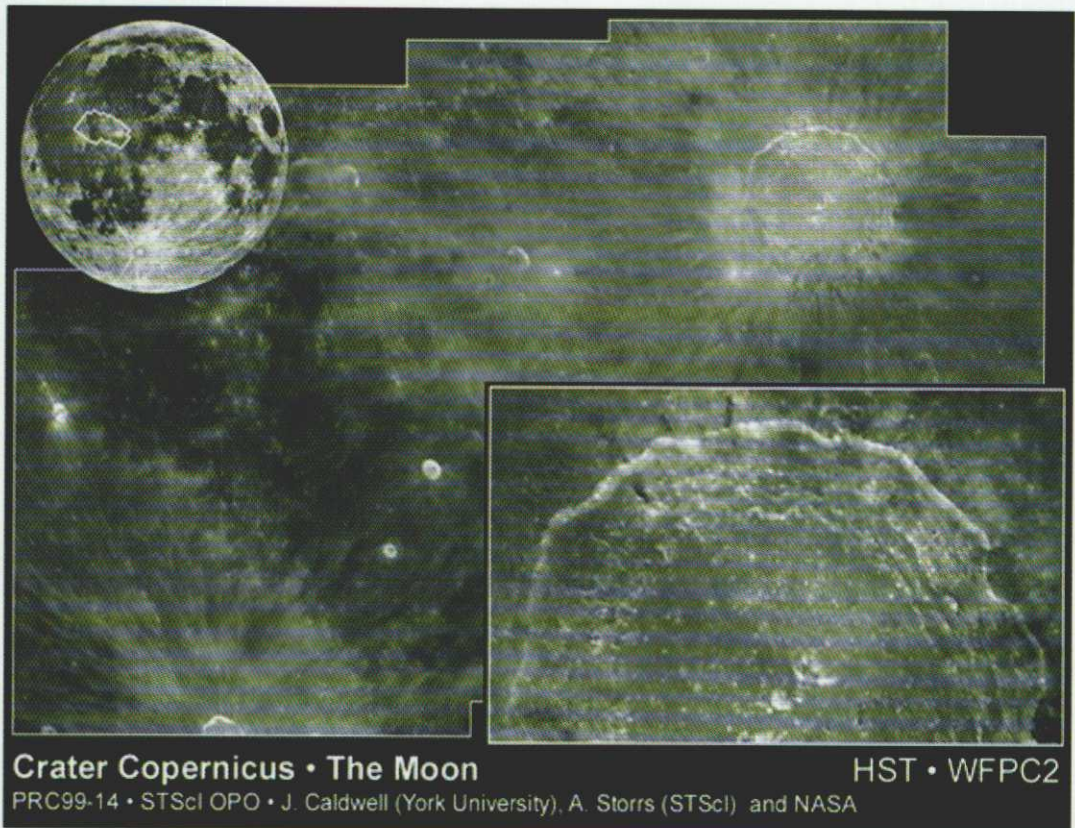
#### THE MOON

## تصویر های مختلف از حضرت گوهر شاہی



# NASA تصویر از ماه توسط

<http://opposite.stsci.edu/pubinfo/pr/1999/14>



توضیحات بیشتر درباره این عکس را می‌توانید در

صفحات بعدی بیابید

خدا گفت: ما علامات خود را بزودی نشان خواهیم داد، در جهان و در

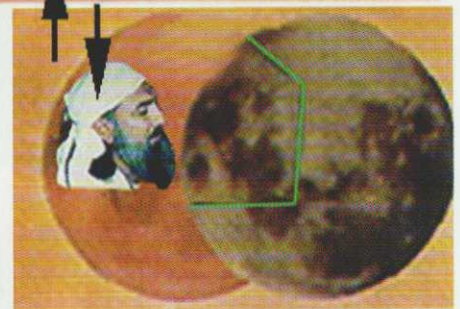
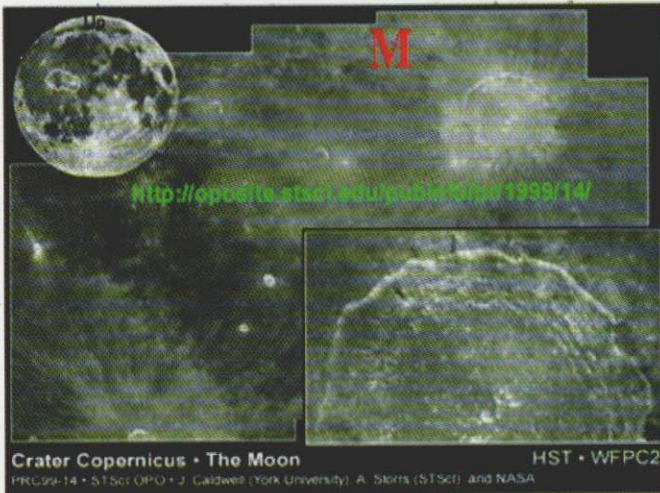
درون خودتان تا اینکه باور کنید که آن حقیقت دارد

برای دیدن علامتش به آسمانها نگاه کنید و در فضا

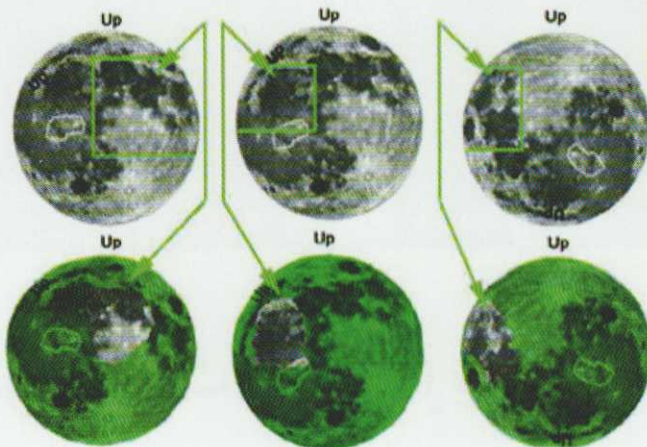
علامت از آن کسیست که از شرق می آید (اقبال) **Up**



حضرت گوهر شاهی



ماه



باگر داندن تصویر بر خلاف گردش ساعت

تصویر بخوبی دیده میشود

Plate 15-3. Phase of the moon (page 60)



PLATE 15-4. The Lady in the Moon. If the page is held at arm's length, the drawing on the right will help you find the lady in the photograph of the moon on the left. To find her in the sky, look at the moon when it is full or during a few days before full moon. (Page 64)

PICTORIAL ASTRONOMY

by  
DINSMORE ALTER and CLARENCE H. CLEWINSKAW

DINSMORE ALTER, Ph.D., Sc.D.  
Director  
CLARENCE H. CLEWINSKAW, Ph.D.  
Associate Director  
GEOPHYSICAL OBSERVATORY  
CITY OF LOS ANGELES

All rights reserved. No part of this book may be reproduced in any form, except by a reviewer, without the permission of the publisher.

Library of Congress Catalog Card Number 56-7639

Manufactured in the United States of America

678910



(1)



(2)



(3)

این تصاویر از کتابی که در بالا به آن اشاره شده برداشته شده است

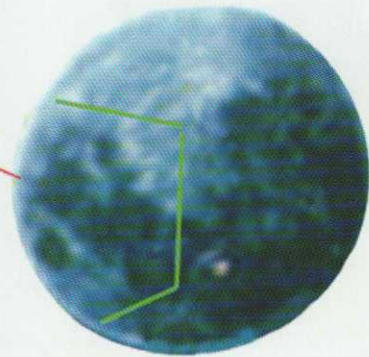
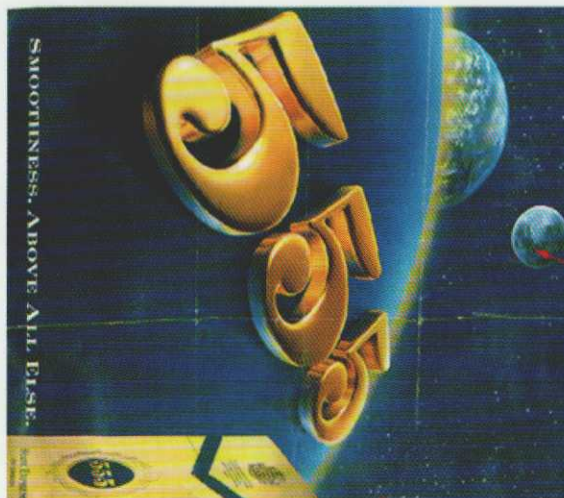
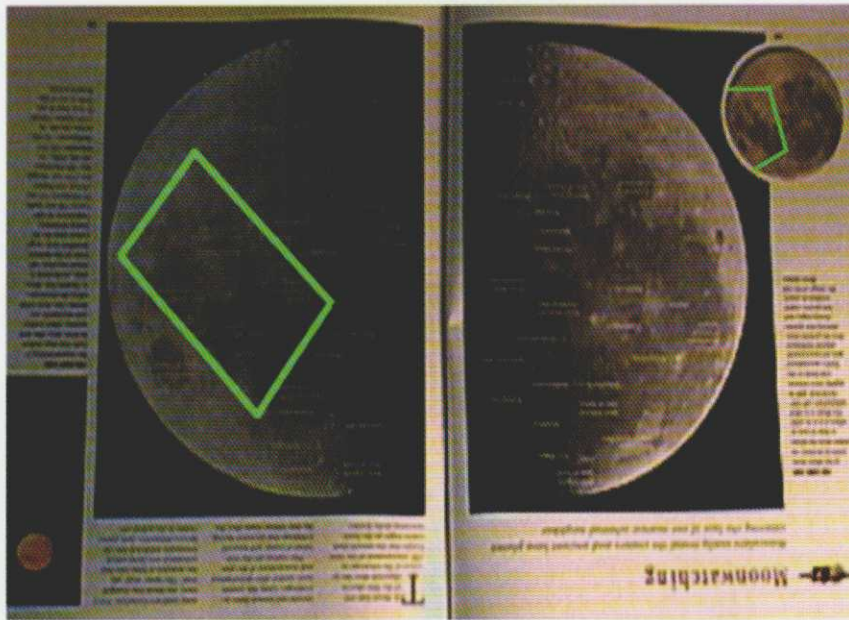
وقتی مردم در ایالات متحده دریافتند که تصویر روی ماه شخصی است از اصل آسیایی، صورتاً به یک مسلمان شبیه است از آن بعد تصویر برگردانده شد. تصویر بالا (۱) تصویر اصلی است از ماه، تصویر دوم ماه است. قسمتی از صورت و ریش تغییر داده شده تا مرد در سر نشان داده شود بجای صورت. صورت تغییر یافته نشان میدهد چهره را که کاملاً اصلاح صورت کرده. تصویر (۳) بالا نشان میدهد که دیسمور تصمیم داشت که معرفی کند مثل یک زن. به این منظور که مردم تصور کنند که آن تصویر مریم مقدس است.

هنر مندانه چانه کوچک شده و گلو خط دار شده و چشم طولانی شده. علامت خدا ساخته که

تغییر داده شده خوب نیست زیرا اینها بزودی در سراسر جهان آشکار خواهد شد



تصویر ماه در مجلات و مقالات که توسط شرکت های مختلف ارائه شده

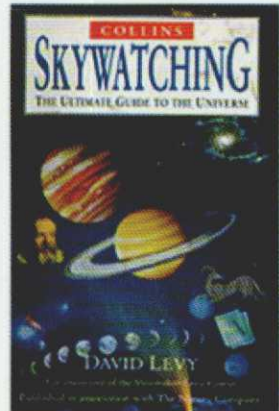
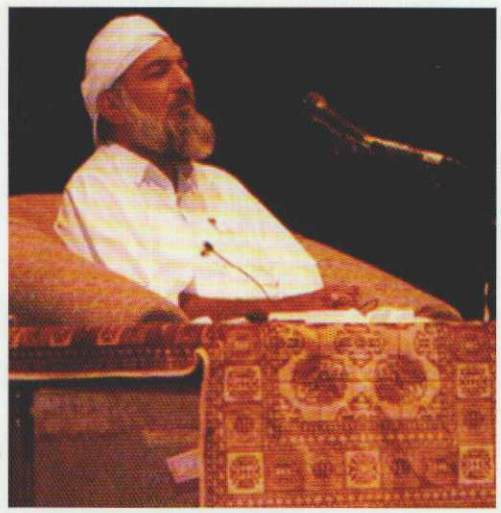


هر گاه در شرق هستید یا در غرب سعی کنید از ماه عکس بگیرید با دوربین  
عکاسی خودتان از هر زاویه و شما این تصاویر را خواهید دید، سپس به چهره  
مربوط روی ماه نظر کنید



مثال های دیگری از عکسهای ماه و روی انها تصویر

حضرت گوهر شاهی پیدا است



صفه ۲۳۵ از آن در اینجا نشان داده شده

## تصویر برداشته شده از خورشید توسط NASA



تصویر خورشید، بجز خانید به جهت ساعت

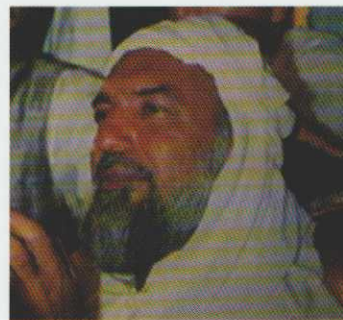
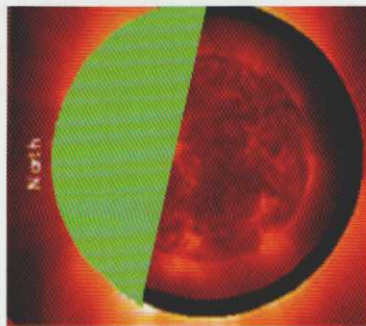
تا تصویر حضرت گوهر شاهی را ببینید



مقایسه تصاویر حضرت گوهر شاهی

تصویر خورشید از NASA که تصویر حضرت گوهر شاهی

بخوبی دیده میشود



در حقیقت ماه و خورشید علامت عظمت شمارا نشان می دهد

باوجود این دلیل حقیقت شما در وجود تان در قلب من است

یونس الگوهر

# NASA FINDS MASSIVE FACE IN SPACE!

NASA has released a shocking photograph that clearly shows a gigantic face floating in distant space!

The breathtaking photo was taken during the shuttle mission in late February — but experts admit they are baffled as to where the face originated.

"This is plainly the image of a man's face far, far off in the universe," said astronomer Isaac Hawkins of Atlanta, Ga.

"Whatever this is, it clearly is enormous. We estimate it is as large as 150 of our suns," Hawkins said. "For something this size to go undetected during our previous years of space exploration is virtually impossible.

"The only explanation is that it somehow has an ability to appear and disappear at will, which would make it unique."

The face was visible to shuttle astronauts during only a 12-minute period.

"When it came into view it startled astronauts," Hawkins said.

"A couple of them at first thought they were hallucinating."

"But when they transmitted the photographs of the face, everyone at NASA

By WHITNEY ASQUE

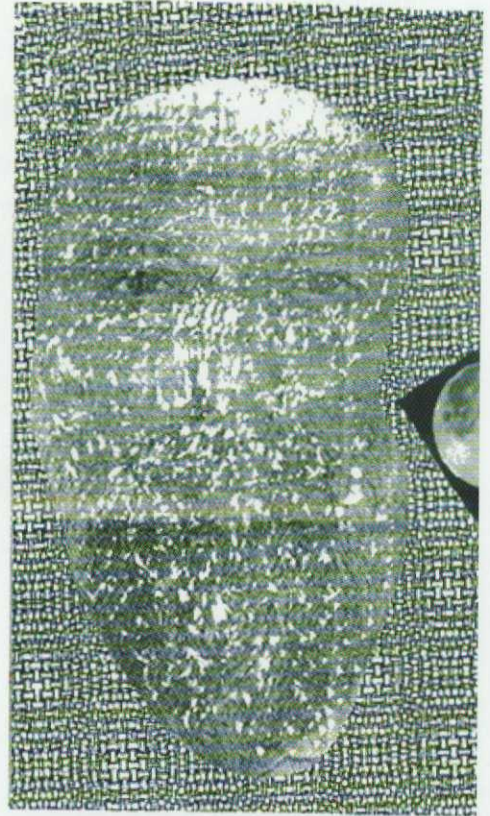
Weekly World News



'It's as large as 150 suns!'

— Astronomer Isaac Hawkins

ASTOUNDING NASA photo of

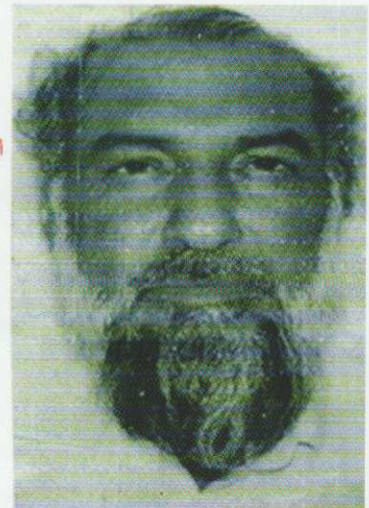


این تصویر حضرت گوهر شاهی است در حقیقت وجود روحانی

خاص که بعنوان طفل نوری شناخته میشود

فقط تعداد کمی از زهاد هستند که دارای این موجودیت میباشند

در بسیاری از کتابهای تصوف به این موضوع اشاره شده است



حضرت گوهر شاهی

چهره انسانی روی حجر الاسود کشف گردیده (در مکه عربستان سعودی)

# A human face is discovered on the black stone (Hijr - e - Aswad) in Makkah, Saudi Arabia.

**Sheikh Hamad bin Abdallah  
Spiritualists in Makkah say that  
this is the face of Imam Mehdi**

( Al-Muntazar)

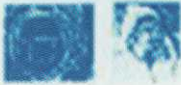
Daily Parcham  
Karachi,  
Pakistan  
26th May 1998



## Computer Report from Pakistan

**APTECH CENTRE**  
Computer Training & Services  
10-A, Block 8, F-7/2, Islamabad

Downloaded the news on Microsoft at 27.05.98 and thank to "The Great God" of May 1998 for Message "man-e-2000". About the famous expression of Prophet as "Hijr-e-Aswad", he is actually the face of Imam Mehdi. We consider it a miracle as Computer is the first message of Imam Mehdi. It is said that Computer is a Face of Imam Personality. So we consider the presence of an actual face on the black stone of Makkah, Saudi Arabia, but only One Personality with closed resemblance with Imam Mehdi. No One Else Can Be Like Him!



Copy of the report by  
M. Ahmed Gohar  
Shahi Karachi

**It is said amongst spiritual circles around the world that in addition to his facial images appearing on the sun and the moon, the face on the black stone (Hijr - e - Aswad) in Makkah, Saudi Arabia, is that of Riaz Ahmed Gohar Shahi of Pakistan.**

## دی گریٹ گارڈ



روحانی در مکه میگوید کہ این تصویر مهدی المنتظر است (شیخ حمد بن عبد اللہ)

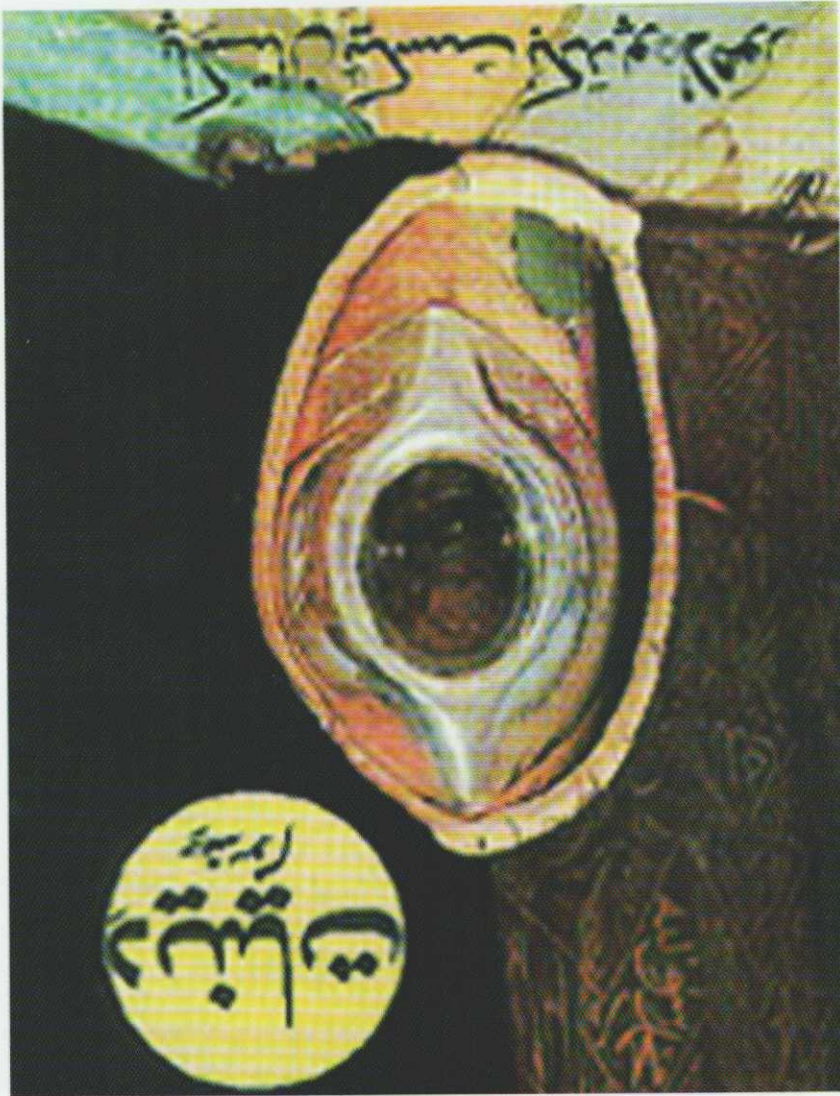


تصویر آنقدر واضح است کہ ہیچکس نمی تواند وجودش را انکار کند  
خیلی ها می گویند که تصویر از آن امام مهدی علیه السلام است

### کراچی (محاسب نیوز)

طبق فکس دریافت شده از کشور عربستان شیخ حمد بن عبد الله سخنانی در مکه ایراد کرده اند ، میگوید قبل از سفر حج علامات چهره انسانی بر حجر الاسود نمایان بود . تصویر غلب شده است ، بنا بر این از ابتدا دیده نمیشود اما با دقت کامل میتوان آنرا مشاهده کرد . شیخ حمد بن عند الله میگوید که دو دلیل برای این تصویر میتوان تصور کرد . شاید آن طبیعتاً آمده باشد ، یا شاید هم ساخته بشر باشد ، چون حجر الاسود کاملاً محافظت میشود توسط مأمورین و همیشه تعداد بسیاری آنرا زیارت می کنند در همه وقت ، خیلی اهتمالش کم است که کسی جرأت کرده باشد تا تصویری بسازد و بر آن نصب کند . این سؤال پیش می آید که اگر تصویر همیشه بوده پس چرا زیارت کنندگان حجر الاسود تا حال آنرا ندیده اند . تصویر آنقدر واضح و آشکار است که هیچکس نمی تواند آنرا انکار یا رد کند .

مخزن کتابهای پاکستان درسی (لاهور)



این کتاب ، عنوان دینی توسط اداره آموزش و پرورش دولت محلی پنجاب پاکستان رسیده  
آن حاوی تصویری از حجر الاسود است که روی آن چهره مبارک حضرت گوهر شاهی  
دیده میشود

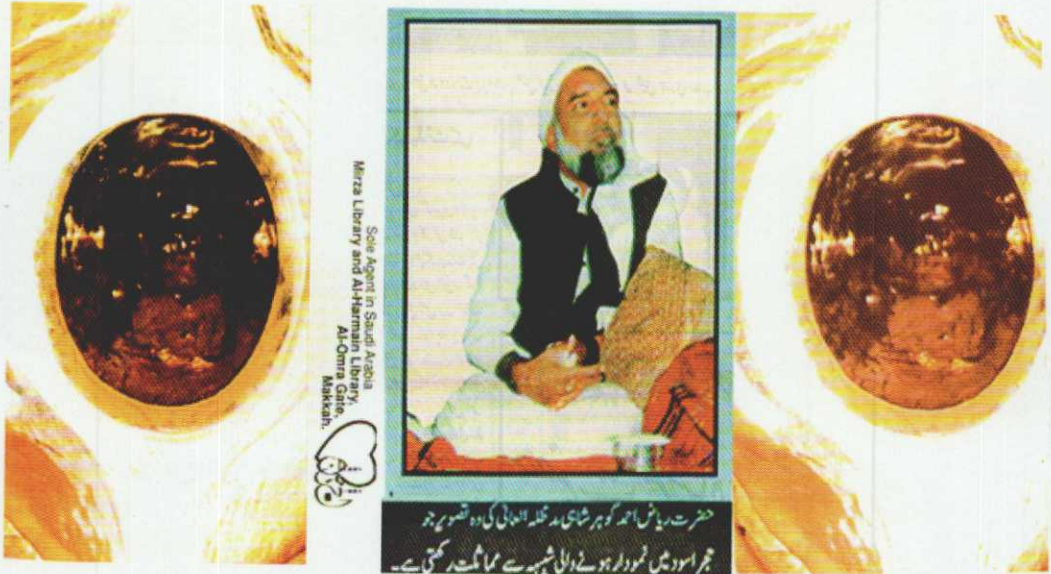
صورت حضرت گوهر شاهی روی حجر الاسود وقتی

سر پائین گرافته شده دیده میشود



در بالا یک طرح بطور طبیعی ظاہر شدہ است روی حجر الاسود وجود دارد۔ آن

منبعی شدہ برای تحقیقات کامپیوتری و در اینجا روشن تر نشان داده شدہ



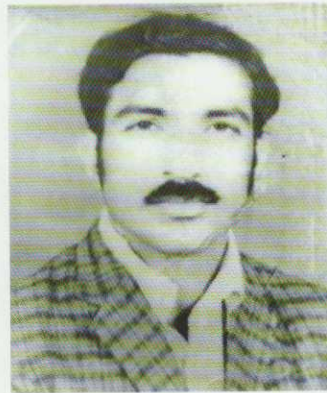
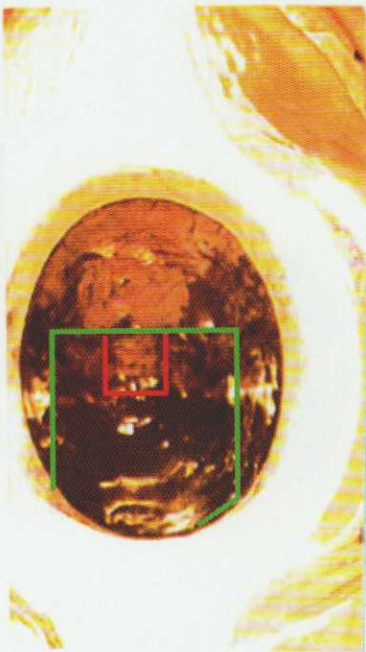
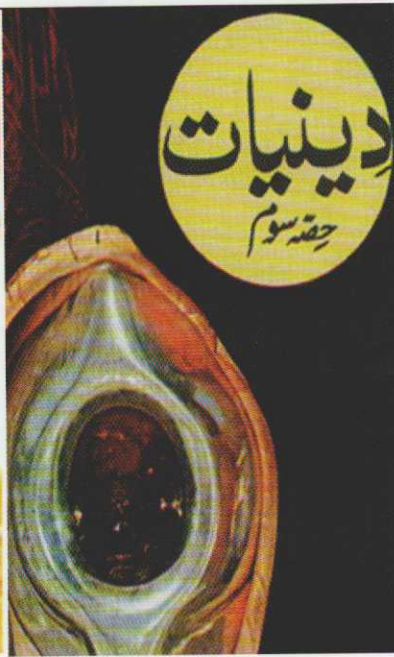
تصویر حضرت گوهر شاهی کہ شباهت زیادی با طرح ظاہر شدہ روی حجر الاسود دارد

تصویر حجر الاسود کہ بوسیله کتابخانہ میرزا بیچاپ رسیدہ (مکہ، سعودی)





Sole Agent in Saudi Arabia  
Mirza Library and Al-Haramain Library,  
Al-Omra Gate,  
Makkah.



طرح علامت گذاری و بوضوح شخص شده برای تشخیص آسانتر

یاسای حضرت گوهر شاهی (موجود روحانی) در سن ۲۵ سالگی هدیه شده بادرجه

سرکردگی سپاه روحانی

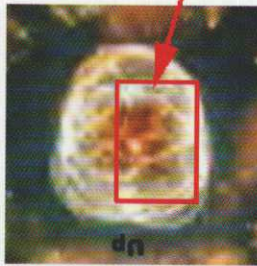
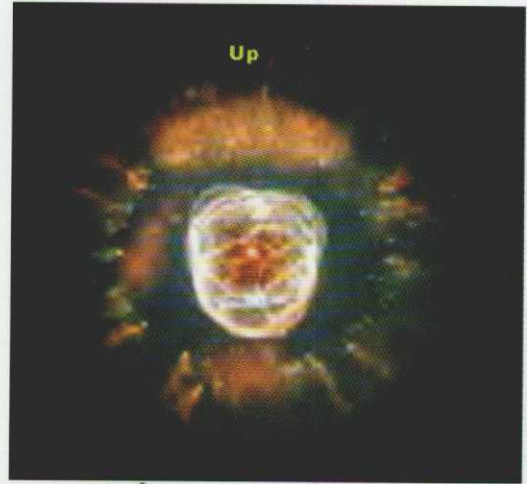
این تصویر جدیداً روی یک غبار یا هاله سیاره ای (یک ستاره خورشید مانند) آن توسط NASA منتشر شد. برای اطلاعات بیشتر به آدرس زیر مراجعه بفرمایید  
<http://www.spacedaily.com/spacecast/news/hubble-00b1.html>

### SPACE SCOPES

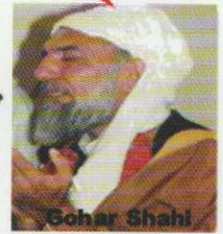
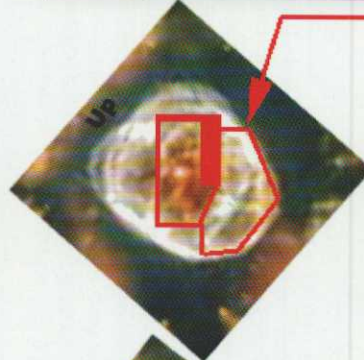
Hubble Brings "Eskimo" Nebula Alive  
<http://www.nasa.gov/news/hubble-00b2.html>

#### Greenbelt - January 11, 2000 -

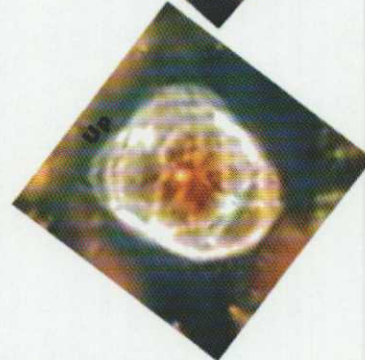
The Hubble Space Telescope has captured a majestic view of a planetary nebula, the glowing remains of a dying, Sun-like star. This stellar relic, first spied by William Herschel in 1787, is nicknamed the "Eskimo" Nebula (NGC 2392) because, when viewed through ground-based telescopes, it resembles a face surrounded by a fur parka.



حضرت گوهر شاهی



حضرت گوهر شاهی



Gohar Shahi

این تصویر را بر خلاف حرکت ساعت بچرخانید تا چیزهای نوشته شده روی آن را ببینید

بسیاری می گویند که این خیال است. تصور به نظر کسی میرسد که تصور میکند. تصور در دوربین عکاسی تصویر نمی شود. بعضی آنرا به تله پاتی یا مسمریزم تعبیر می کنند. جاهای عبادت زمین و آسمان نمی تواند تحت تاثیر تله پاتی یا سحر قرار گیرد. اگر اینطور است پس حقیقت کجاست؟ بعضی می گویند که ایالات متحده پول گرفته و این عکسها را در آنجا بکمک کامپیوتر فرار داده.

آیا حضرت گوهر شاهی از ایالات متحده تر و تمندتر است؟

اگر این موضوع صحت داشت ایالات متحده چهره یکی از باب ها را بکار میرد، تا بدین وسیله کشورش و دینش از آن سود جسته و مشهور شوند

\$16.95



# The Martian Enigmas

Mars has stirred our imagination since ancient times; until the second half of this century Mars was thought to be a world much like earth. But in the later 1960s NASA's Mariner probes shattered the illusion, revealing the Red Planet to be more like our Moon. Evidence of water erosion and other discoveries, however, fueled the hope that vestiges of life might yet be found on Mars.

In 1975 two Viking spacecraft, each consisting of an orbiter and a lander, were sent to Mars. Their primary mission was to soft-land two robotic probes on the surface to search for signs of microbial life in the red Martian soil. Late in July 1976 one of the orbiters sent back a curious photograph of what appeared to be a mile-long humanoid face staring straight out into space from a northern region known as Cydonia. The "Face on Mars" was promptly dismissed by NASA as a "trick of light and shadow" and the photograph filed away.

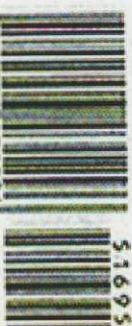
Several years later the Face was rediscovered by two engineers, Vincent DiPietro and Gregory Molenaar, and became the focus of a decade-long series of independent multi-disciplinary investigations. Professionals in physics, engineering, cartography, mathematics and systems science, as well as anthropology, architecture, art history, theology, and other fields, have now discovered and studied nearly a dozen features on the Martian surface that may pose a serious challenge to conventional beliefs about the improbability of extraterrestrial life.

*The Martian Enigmas* is a report by Mark J. Carlotto on his state-of-the-art digital image processing of the controversial Viking photos. Dr. Carlotto illustrates the processes used to digitally restore and clarify the Viking photographs, and presents striking three-dimensional renditions of the Face and other intriguing objects on Mars. He argues that these objects may be precisely what many scientists have sought for decades: the first hard evidence that we are not alone.

Mark J. Carlotto is a Division Staff Analyst at The Analytic Sciences Corporation (TASC), a high-tech firm in the Boston Area. He earned a Ph.D. in Electrical Engineering from Carnegie-Mellon University in 1981. From 1981 through 1983 he was an Assistant Adjunct Professor at Boston University. Dr. Carlotto has over ten years of experience in image processing and related fields, and has published over forty papers in computer vision, digital image processing, pattern recognition and other areas. He is a senior member of the Institute of Electrical and Electronic Engineers.

ISBN 1-55643-129-5

5 1695



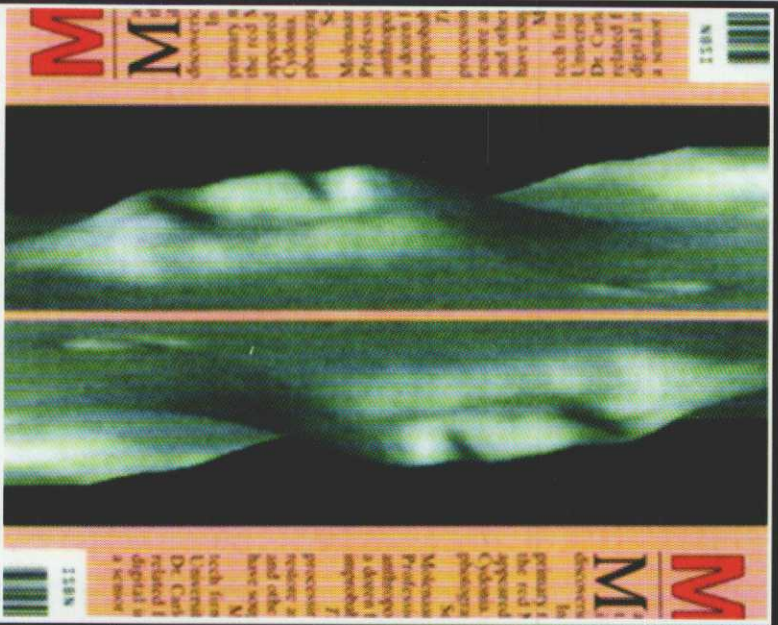
9 781556 431290

## A Closer Look MARK J. CARLOTTO

North Atlantic Books, Berkeley, California  
Cover and Book Design by Daniel Drasin



Photo Credit: Mary Kay Brennan (Carlotto)



Two faces in one picture when rotate it at 180 degree



Jesus and Gohar Shahi meeting took place at New Mexico in 1997

1) This News along with the above photographs was published by weekly Payam Manchester UK. Dated: August 15, 1997

2) Sada-E-Serfirosh (Pakistan), a fortnightly newspaper published the same news in September 1997

3) BHC broadcasted this news on GMR radio (UK) in October 1997

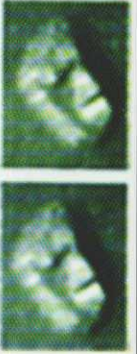


حضرت گوهر شاہی



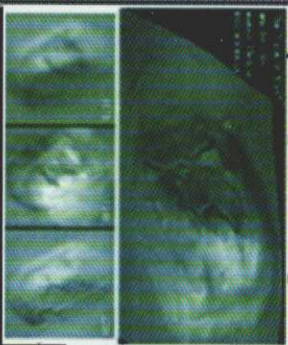
[www.goharshahi.com](http://www.goharshahi.com)

Gohar Shahi



<http://www.psrfw.com/~marke/marshome.html>

مختلف و منظر ہائی مختلف گرفتہ "وب سائٹ" زیر راہینہ  
 پرو فیسر مارک جی از دانشگاہ یوسٹون کہ تحقیق  
 کردہ و این تصاویر را مشخص کردہ آنها را در این  
 کتاب منتشر کردہ است



وقتی تصویر مستقیم است، تصویر عکسی زیادہ میشود و وقتی  
 سریالین گرفتہ شود تصویر حضرت والا گوهر شاہی  
[www.tlig.org/jesus.html](http://www.tlig.org/jesus.html)  
[www.jays-homepage.co.uk](http://www.jays-homepage.co.uk)



Jesus

مرد می بودہ چو خدا این تصاویر را در مریض دیدہ علوم قرآن مجید

ماہر اب مجیدیم "این تصویر علامتی از غیبیہد. آنها مطلقہ و علائقہ ای دارند نسبت بہ علائقہ انسان بہ حیثیت کہ شاید از طریق این مرد بہ خدا رسید کہ  
 خلیفہ حاضر نبنا ست، ولیکہ انہام را مصلحتی میشود برآوردہ نبات راز از دانش آسمانی بیٹا می کنند" ولیکہ من (رحمہ) امور نامہ برہ نو. خدا دانش

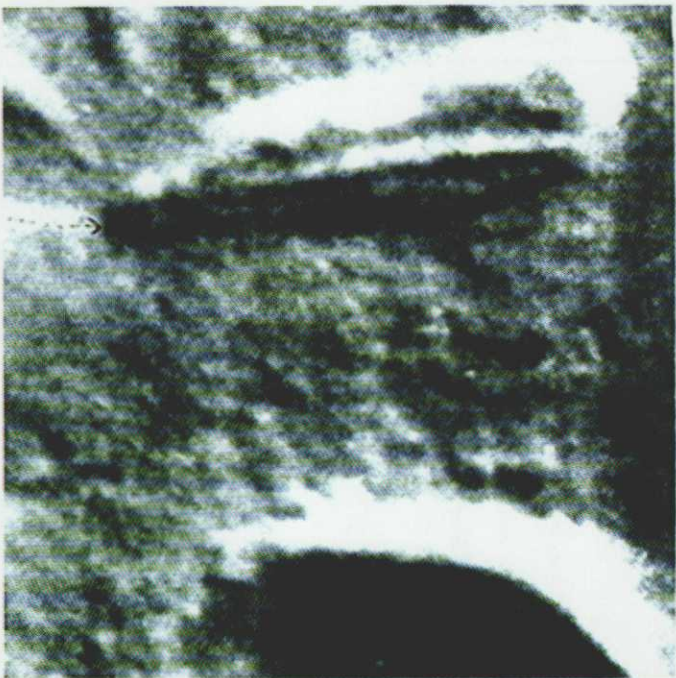
خو چرا آسمان و سادہ قرآن دادہ و مسامک با طبیعت شما.

دانش و فن

در سال ۱۹۹۸ متعین کردہ امر (برخی) تصویر از آن گرفتند در سطح مریخ یک صخرہ بود کہ مشابہ صورت یک انسان بود. طول آن یک  
 میل و ارتفاع آن ۱۰۰۰ یارد. نو شبہ صورت انسان بود کہ در گلنت زندگی کردہ بودہ یک ستارہ دانش دگر در اینا میگردد این است دلیل کسی  
 کہ ما منظرش بر وہام منظرهای زیاد

Published in the Sunday Magazine,  
 The Jang, Pakistan on 18-03-01  
 مر ہم باید در این بارہ تحقیق کنند

The "Cliff" from 35A73. A peculiar, cliff-like mesa that rises 25-30 meters above a pancake-like "crater pedestal" (the surrounding ejecta blanket formed when the Martian permafrost was melted and ejected by the original cratering impact). Hoagland has demonstrated that the Cliff participates with the Face in solstice alignments and in several other angular and positional relationships. The Cliff's overall shape, surface texture and internal appears to differ markedly from that of the surrounding crater ejecta, which suggest that its formation post-dates the intense cratering impact. Supporters of the intelligence hypothesis theorize that if the object had pre-dated the impact ejecta material would have piled up on the east side of the Cliff, displaying peripheral splash patterns and formed a "blast shadow" on the opposite side. However, the adjacent terrain on the crater side, rather than being piled-up appears instead to have been hollowed-out—the opposite result to the expected from natural forces. This and the striated or "plowed-field" effect between the Cliff and the crater, have fueled speculations about the quarrying of material for the Cliff's construction.



There appears to be a continuous groove or path originating in the hollowed-out area that rises ramp-like to the northeast end of the Cliff, turns and proceeds southward, then makes a final hairpin turn and terminates at the northwest end. This groove defines the elongated "nose" of what appears to be another set of facial characteristics. These are made more obvious here by artificial foreshortening that stimulates a view from the south at angle of about 70° from nadir.



27

## Jesus and Gohar Shahi facing each other in the picture

This matter given is a clipping from Pakistan Post New York dated 14-06-01.  
It also published In Nawa-e-Waqt UK on 29-06-01.

**The Moon**  
Up



**Nebula Star**



تصویر حضرت والا گوہر شاہی

فرجانی دیگر غیر از مورخ

ستاره نابولہ، بلکہ ابن سابت را بشنید

[www.goharshahi.com](http://www.goharshahi.com)

مردم اغلب سیر سند آیا این حقیقت نادره؟

اگر حقیقت نادره پس ما گوئیم دروغ گوئیم

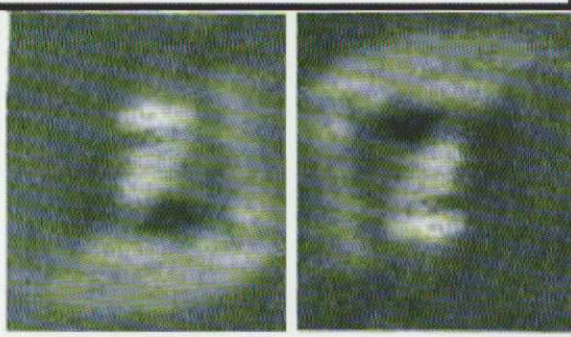
لغت بوہر و غوہران

### نصارو بر مریخ و سیارات دیگر

عربی مسیح شناسی است که همه میثاق است و احیای به مرفی ندارد. او محو ب غنا است. صورت توری بسیاری از سیارات و سیاره های دیگر نقش بسته. بسیاری از اشخاص حاضر به محضر ایشان ریشه اند و طرف دیگر حضرت والا گوهر شاهی که هم اکنون می و حاضر در میان ما می باشد. جای خاصی برای زندگی ندارد و در سوالات سر جهان میگردد و بهره او نیز بر مریخ و دیگر سیارات دیده شده. او کایهای بسیاری نوشت. که میو لید آنها در کانپو تر به آوری [www.goharshahi.com](http://www.goharshahi.com) مطالعه کنید. او اهل پاکستان است او متعلق به طقه مورطیان است. او اظهار میدارد **”من پیشتر نیتیم، اما از مسیح حمایت میجویم، همچنین از طرف حضرت محمد و پیشوران دیگر، ”** طلق گفته او کسی که دینی نداشته باشد اما عشق عبادی دارد در قلب، تو کسی که دینی دارد اما عشق آسمانی ندارد بهتر است. ملاهای مسلمان از او میجوهند که اسلام را از همه ادیان بالاتر اعلام کند. اما او میگوید **” بهترین شنیدی که هست که عشق آسمانی را در دل دارد، حتی اگر هیچ دینی را نماند باشد. ”** گفته ملاها هیچ کس وارد بویش نمی شود مگر اینکه شهادت به غنا و محمد بدهد یعنی قائم به اسلام. حضرت والا گوهر شاهی می گوید که بدین وارد بویش نمی شود بلکه روح است که وارد میجوید. روح توراتی اظهار قلمبندان را می کند و وقتی وارد بویش شد. لایه دین ممکن است برای هر پیشروی باشد. طلق گفته ملاها صوفی گری و عرفان را قبول ندارند. اما حضرت والا گوهر شاهی اظهار میدارد که هیچ عاصی مورد قبول نیست مگر وقتی که قلب پاک و خالص شده باشد. طلق تعالیم اسلام، نشان لفظ یکبار زنده میجوید و می جوید حضرت والا گوهر شاهی در کایش میگوید که انسانهای نا خالص پیش از یکبار سنبانی آیند. باین طلق بسیاری از ملاهای مسلمان با او مخالفت کرده اند و دشمن او شده اند. باین دلیل دولت پاکستان **حق الهی** را ممنوع کرد. او در دو زندگی کوشش بسیار کرد. تو با سب مورد حمله قرار گرفت. بسیاری مؤسسات اسلامی صالح را تادی را برای سواد معین کرده اند. یک نادگاه در پاکستان او را انبهم به کفر در مسائل اسلام کرده است. او هیچ حق خاصی را تطبیق نمی کند بلکه عشق عبادی را تو صبه می کند. حضرت والا گوهر شاهی میگوید وقتی روابط عاقلانه نشان نیست بخت کامل شد. غنا او را بر راه راست هدایت می کند. بسیاری از علائق عشق غنا را روی بلبلشان حک شده می بینند او میگوید هر کلمه در هر زبان که اظهار به غنا داشته باشد مستحرم است و نتیجه روحانی دارد. هر دم از همه ادیان حضرت والا گوهر شاهی را دوست دارند. معابد، هندو، مساجد، کور در ادیان میگویند، و کویسما او امریکا، انگلستان، اروپا، یوروپا، آسیا و خاور میانه. او بسیاری از نهاران را از او اسطه کرامات روحانی جوید و شفا نامه به خاطر لطمه عشق آسمانی و نشتر آن در جهان و شفا. حضرت والا گوهر شاهی میجوید هر یک از استیون در انگلستان ظهر کند. پیام موسسه تمام ادیان روحانی **” که همین اسمال در سرکای سر جهان بر مریخ جوید و غوا میجوید. انرا و ما و علامات غنا را در دیکجده بر اساس آزاد زنده هین. ”** موسسه تمام ادیان در لیرلند، موسسه **”تعول امریکایی در امریکا”** و **”انجمن سرپرستان اسلام پاکستان”** همگاری میگویند **R.A.G.S. International UK.** من المللی

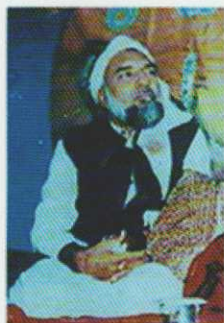
پس از گفتار از طرف سیاستمداران در NASA با ایمو و محمود شدند  
**E-mail: younus38@hotmail.com**  
**amjad\_aliz@hotmail.com**  
**Contacts: +971 (0) 50 5922671 [UAE]**  
**+44 (0) 7833374251 [UK]**

### Disturbing Controversies like the Cydonai region of Mars [www.creation-science-prophecy.com/links.html](http://www.creation-science-prophecy.com/links.html)



These pictures were taken from the book "Martian Enigmas" by Mark J. Carlotto

## سر مقاله ای از یک روز نامه پاکستانی



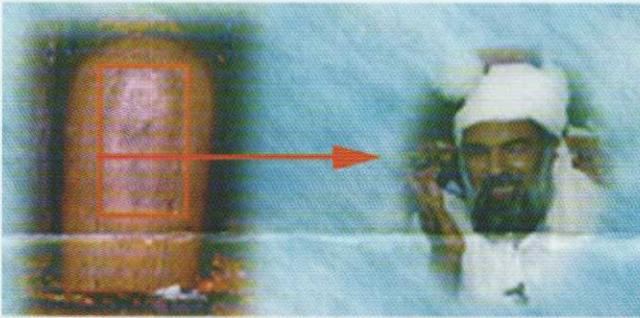
### حضرت والا ریاض احمد گوهر شاهی

من تقاضا می کنم از دولت پاکستان و دولتمردانش تا تحقیق کاملی از تصاویر اینجانب در ماه و حجر الاسود بنمایند. اگر این ادعا صحت داشت دولت باید از من حمایت تا اینکه بتوانم عشق آسمانی را در سر اسر جهان تبلیغ نمایم و در نتیجه مردم همه ادیان توسط آن متحد شوند. آن همچنین به مردم عادی کمک خواهد کرد تا یک رهبری صحیح به آنها ارائه شود.

اگر که این توضیحات بالا باثبات نرسد، دولت حق تنبیه و تحت تعقیب قرار دادن را دارد

# عمر کوٹ کے شہر میں در کے مقدس پتھر گوہر شاہی کی تصویر

لاقداد لوگ عقیدت سے اس تصویر کو دیکھنے آرہے ہیں روزنامہ مہران حیدر آباد



مہران آباد (مکہ) شہر میں ایک مسجد کے  
مذہب حیدر کی اٹھارہ روزنامہ مہران نے اپنی ۹ جون  
۱۹۹۸ء کی ایک سب سے ایک تصویر کی جس نے ملک بھر  
کا لوگوں کو متوجہ کیا اور لوگوں کے دل میں گوہر شاہی  
کی تصویر بکھر گئی ہے۔ یہ تصویر دیکھنے کے لئے آئے لوگوں  
کا ہم بیٹھا ہوا ہے۔ ہر شخص نے سکھانے کی بات  
کی اور لوگوں کے ساتھ میں ہر شخص نے دینی کو جان  
پس اس علاقے سے یہاں ایک پابلیک ٹیلی ویژن  
پہنچے۔ اس کے بعد لوگوں کا ہر گونہ کی بات کہ مرکز  
کی تصویر بکھر گئی اور لوگوں میں اس کو گوہر شاہی  
کی تصویر بکھرنے کی خبری کا اظہار ہوا ہے۔

**تصویر حضرت والا گوہر شاہی روی سنک مقدس در معبد**

**شیو در عمر کوٹ (سندھ.. پاکستان)**

**مردم بسیاری باعلاقہ فراوان میآیند برای دیدن تصویر**

**دیلی مہران، حیدر آباد.... پاکستان**

حیدر آباد (خبر نگار مخصوص) روزنامہ محبوب دیلی مہران در نسخہ ششم جون ۱۹۹۸ منتشر کرد اخبار  
کشف یک تصویر از حضرت والا گوہر شاہی را روی سنک مقدس موجود در معبد شیو نزدیک عمر  
کوٹ. مردم بیشماری برای دیدن تصویر میآیند. ہندو ہا با علاقہ وافر و توجہ خاص بانجا می آیند. یک  
کتابچہ توزیع شد بخاطر این موضوع وباین دلیل آن سنک مرکز توجہ عموم شدہ است. امت ہندو  
خوشحالند و پیدا شدن تصویر حضرت والا گوہر شاہی را بر روی سنگ جشن می گیرند.



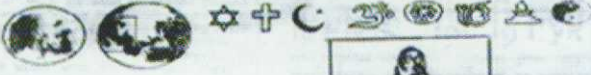

د بار د کہ در لندن منتشر شدہ

**Amer Deep HINDI WEEKLY** Volume 70 Price 70 Pence

Editor: 2-48 Warrick, St. James Avenue, London WC4 6TF. Tel: 011-440 3334 Fax: 011-479 3188

**VOL. 28 No. 348, Wednesday 29.7.98 EST. 1971 ISSN 0264 1453**

**कल्युग के अवतार कलगीदार आ चुके हे।**

**Riaz Ahmed Gohar Shahi**

\* दिए पर आप को कलगी \*

**Given Hindi Text**

कल्युग के अवतार कलगीदार आ चुके हे। सब धर्मों को जयमा और भरो करलेन में आ जगजा पहिचानन में अवतरवत के लिय कलगीदार को कलगी पावे जे हे। जगजा को कलगी में जयमा करलेन के लिय आ रहे हे।

जगजा में कलगीदार में हि। अ कलगी रूप में प्रथम में कलगीदार के दर्शन किय और तुजरी में कलगी अवतार आ चुके हे। अवतारवत के प्रथम कलगी रूपमा जगजा में कलगीदार के रूपमाकत को, अवतार जगजा को जगजा और कुडलीके में कलगीदार पावे को जगजा के जगजा को कलगी रूपमा जयमा और उन के लिय में प्रथममा जगजा को के प्रथम को कलगी कलगी हे। उन को कलगी रूप जगजा को कलगी के अवतार हर कलगी हर कलगी हर कलगी को कलगी कलगी हे। जगजा को कलगी हे, सब कलगी में जगजा अवतार को कलगी को कलगी भी वह कलगी में आ चुके हे।

कलगी अवतार के प्रथम प्रथममा में कलगी, कलगीदार को प्रथम कलगी रूपमा हे कि कलगी में सब जगजा भरला जगजा में उन को देखा प्रथममा को देखा जगजा जगजा प्रथममा में कलगी, जगजा कलगी उन के मंत्र कलगी रूपमा कलगी कलगी कलगी जगजा को अवतार ही। पर जगजा में कलगी आ गला हे।

कलगी में कलगी और में कलगी, कलगी को के लिय पर और भरो पहिचानन को जगजा पर, कलगी अवतार के दर्शन कलगी जगजा उन कलगी को कलगी में सब कलगी कलगी के अवतार कलगी हे कि के जगजा अवतार में जगजा कलगी। सब प्रथममा में जगजा कलगी रूपमा हे कलगी में सब के लिय हे। और उन को कलगी चंद पर हे। जगजा में लंदन में सब पर हे।

**گنی ہندوؤں کو خواب میں دم کرنے آنکھوں کی بینائی کو گوں کو گویائی حاصل ہوگی**

**بھارت میں گور شاہی کے جانی فنیس صحیبتا ہوگی**

**ہزاروں افراد**

**Zee T.V اور جالندھر T.V جلد گور شاہی کا انٹرویو نشر کریں گے انگلینڈ کے گزر قادر**



میں نے اپنے تمام ساتھیوں کو بتایا ہے کہ جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔ جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔ جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔

جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔ جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔ جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔

جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔ جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔ جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔

جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔ جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔ جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔

جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔ جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔ جگجا کے کالگیوار آ چکے ہیں۔

بسیاری از ہندو ہا حضرت والا گوهر شاھی را در خواب دیدند کہ مرض آنها را شفا میدہد بسیاری بینائی خود را باز یافتند و بسیاری کرها شنوا شدند و قادر به صحبت نیز شدہ اند



### یک پدیده آسمانی

در دست راست حضرت والا گوهر شاهی نام حضرت محمد حک شده است . و در روی انگشت دست چپ نام خدا (الله) بخوبی دیده میشود

### یاد داشت

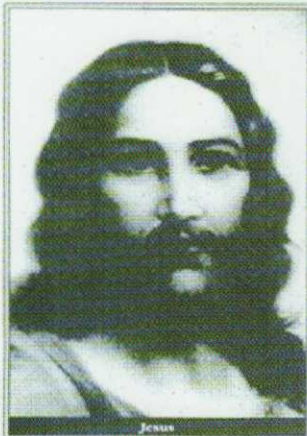
بعضی گله کرده اند که چرا نام خدا روی انگشت سمت چپ حک شده؟ اگر من انگشتان ایشان را آفریده بودم و اگر من حک کرده بودم این اتهام و گله گزاری بمن میخورد . خدا میداند شاید این حادثه است یک (پدیده آسمانی) باشد

## برگشت عیسی

عیسی در آمریکا با حضرت والا گوهر شاهی ملاقات می کند

در یک مصاحبه در لندن ۲۸ جولای ۱۹۹۷ حضرت والا گوهر شاهی

سخنان زیر را اظهار فرمودند



در روز ۲۹ مه ۱۹۹۷ من در مهمانسرای آل مونت در تائوس بودم (در نیو مکزیکو). در نیمه دوم شب، احساس کردم مردی در اطاق من است. نور کافی نبود، بنا بر این من اول خیال کردم یکی از پیروانم است. از او پرسیدم، چرا به اینجا آمده ای؟ آن مرد جواب داد (آمده با تو ملاقات کنم) چراغ روشن کردم، مرد خوش قیافه ای را روی خود دیدم که او رانمی شناختم. بادیدن او احساس انرژی بسیار و قدرت روحانی کردم و موجودات روحانی و یک جاذبه روحانی شبیه به موافقی که در مجمع پیغمبران می کردم. (در عالم قدسی) احساس کردم بسیاری از زبانها را می داند. مرد جوان به من گفت: 'من عیسی بن مریم هستم اکنون در آمریکا هستم. من از او پرسیدم 'کجا زندگی میکنی' جواب داد، 'من نه در گذشته و نه در حال خانه ای نداشته ام'.

وقتی از حضرت والا گوهر شاهی درباره توضیحات بیشتر از این دیدار خواسته شد. حضرت والا گوهر شاهی جواب دادند: 'آنچه عیسی و من در باره آن صحبت کردیم یک راز است. ولی آنرا در زمان خاصی در آینده باز گو خواهیم کرد'. حضرت والا گوهر شاهی میفرمایند چند روز بعد من به توسان (آریزونا) رفتم. در آنجا کسی عکسی را به من نشان داد و گفت: "آن عیسی است" من فوراً شخص داخل عکس را شناختم چون همان شخص بود که در اطاقم در آل مونت دیده بودم. من از شخص صاحب عکس پرسیدم درباره اصل آن عکس. او گفت بعضی اشخاص از بعضی از جاهای مقدس عکس می گرفتند. با کمال تعجب این عکس از (مسیح) میان عکسهای چاپ شده بیرون آمد. وقتی که عکسها به چاپ رسیدند. این مردنه دیده شد و نه عکسی از او برداشته شد. من عکس آن مرد جوان را گرفتم (عیسی) و سعی کردم با عکسی که از ماه برداشته شده بود مقایسه کنم. متوجه شدم که آن عکس مطابقت می کند با یکی از تصویرهای روی ماه. من تایید می کنم و تشخیص میدهم که این عکس واقعی از عیسی است. یک مجله به تازگی مقاله ای چاپ کرده که از قول منابع رسمی کلیسا درباره برگشت عیسی نقل قول کرده و حوادثی که مربوط به آخر الزمان میباشد. بسیاری از اطلاعات منتشر شده خصوصاً پیشگوییهای سری انجیل که از طرف واتیکان رم اشاعه یافته، و عقیده دانیان هم آنهنگ است با مطالب حضرت والا گوهر شاهی.

## دوستان!

برای این لحظه بوده که خدا فرمود:

”ما بزودی نشانه های خود را روی زمین به شما نشان خواهیم داد و در فضای خارج و حتی در میان خود شما“

گفته های حضرت گوهر شاهی

ارواح زمینی به کرات در بدنهای اشخاص دیگر وارد شده اند۔ روح اشخاص مخلص (نورانی) میروند به بدنهای پاک۔ روح زمینی حضرت محمد باقی ماند برای امام مهدی همانطور که قسمت های بدن حضرت (پا و دست) میتوان گفت که جواهر چشمان آمنه (مادر حضرت محمد)۔ همانطور می شود گفت در باره هر قسمت از روح آسمانی حضرت محمد که پسر عبدالله بود و جواهر آمنه۔ ارواح اہل بیت (خانواده پیغمبر) شامل شدند در خانوادہ پیغمبر۔

### یک نکته مهم

مهدی به معنی کسی است که رهبری خواهد کرد۔

مهدی به معنی کسی است از ماه (که چهر اش در ماه ظاہر میشود) مثل نامہای مہناز (زیبایی)

و مہتاب (زیبا مثل ماہ)۔

محمد یونس الگوہر

younus38@hotmail.com

## حضرت والا ریاض احمد گوهر شاہی

حضرت گوہر شاہی شروع کرد بہ تبلیغات این مأموریت آسمانی در سال ۱۹۸۰۔ تعلیمات او در بارہ عشق آسمانی بسیار مورد ستائش قرار گرفت۔ مردم (ہمہ دین ہا) شروع بہ احترام بہ عشق نسبت بہ حضرت گوہر شاہی کردند۔ بہ منظور یادگیری روحانیت و رسیدن بہ تفکرات قلبی (ذکر قلب) آنہا از حضرت گوہر شاہی دعوت کردند بہ مکانہای عبادت قابل احترام۔

حضرت والا گوہر شاہی بہ ہر معبد از ہر دین حضور یافت، این بی سابقہ است و یک معجزہ بزرگ۔ چندین معجزہ و برنامہ وجود دارد کہ در ارتباط با حضرت گوہر شاہی می باشد۔ مادر اینچند مورد انتخاب شدہ را برای رضایت خاطر شما بازگو میکنیم۔



## Gohar Shahi

"MESSENGER OF LOVE"

WORLD'S PROMINENT SPIRITUAL (SUF) GUIDE

"In order to recognize the God and to be able to approach the essence of God learn spiritualism, no matter what religion or sect you belong to"

(GOHAR SHAHI)

How to change your physical heartbeats to the ethereal chanting of the name of God.  
In order to achieve the Love of God, remember the God through your heartbeats without leaving your lifestyle.  
The special meditation (Zikr) is the practice for well being and preventive medicine for cardiovascular disease.  
"Healing through the light of God"

Lecture and Q&A:

Saturday at 8:00 to 9:00 PM Chelsea Rm.

Meditation: at 9:10 to 9:45 PM

Healing Session are free by Appointment

For more information:

Ashburn Virginia (703) 729-6292

Email: goherasi.email.msn.com

**NEWLIFE EXPO '99**  
New York City '99  
THE SYMPOSIUM FOR NATURAL HEALTH  
**October 1, 2, 3**  
at the Hotel New Yorker  
(34th Street & 8th Ave.)

جامعه عیسویان نیویورک از حضرت والا گوهر شاهی دعوت کردند برای سخنرانی روحانی

در هتل نیویورک دوم اکتوبر ۱۹۹۹



حضرت والا گوهر شاهی در حال خطاب کردن در کلیسای مرکزی توسان  
در ایالت آریزونا، آمریکا می باشد

تصویری از مجمع روحانی لاهور در یازدہم آوریل ۱۹۹۶  
بیشتر مستمعین شافعی و حنفی مذهب میباشند



جولائی ۱۹۹۷ (پیروی جہانی اتحاد) در برسکوت، آریزونای آمریکا



حضرت والا گوهر شاهی در حال خطاب کردن در معبد سای بابا در دور بان ، افریقای جنوبی  
در این مجمع پیروان سای بابا و ایکنو کولیت ها حضور دارند



حضرت والا گوهر شاهی در حال صحبت با گروه مسلمانان شیا در مسجد نور امام  
در ناظم آباد کراچی، پاکستان میباشد

# حضرت والا گوهر شاہی درمیان سیک ہا

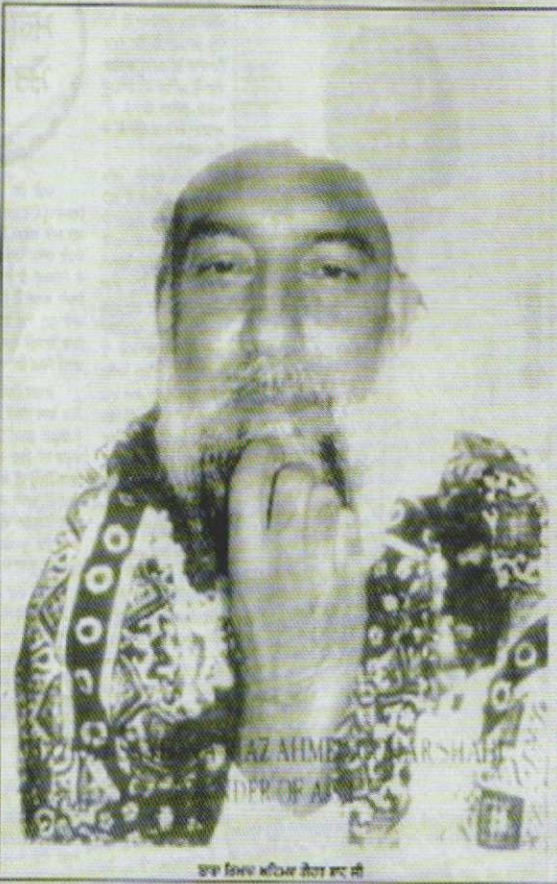


<p><b>انسان کا نام کون سی ہے؟</b>          انسان کا نام کون سی ہے؟ یہ سب سے پہلی بات ہے جس پر ہمیں توجہ دینی چاہیے۔ انسان کا نام اللہ تعالیٰ نے رکھا ہے۔ اس لیے اس کا نام اللہ تعالیٰ کے ناموں کے ساتھ مل کر رکھنا چاہیے۔</p>	<p><b>انسان کا نام کون سی ہے؟</b>          انسان کا نام اللہ تعالیٰ نے رکھا ہے۔ اس لیے اس کا نام اللہ تعالیٰ کے ناموں کے ساتھ مل کر رکھنا چاہیے۔</p>	<p><b>انسان کا نام کون سی ہے؟</b>          انسان کا نام اللہ تعالیٰ نے رکھا ہے۔ اس لیے اس کا نام اللہ تعالیٰ کے ناموں کے ساتھ مل کر رکھنا چاہیے۔</p>	<p><b>انسان کا نام کون سی ہے؟</b>          انسان کا نام اللہ تعالیٰ نے رکھا ہے۔ اس لیے اس کا نام اللہ تعالیٰ کے ناموں کے ساتھ مل کر رکھنا چاہیے۔</p>
<p><b>انسان کا نام کون سی ہے؟</b>          انسان کا نام اللہ تعالیٰ نے رکھا ہے۔ اس لیے اس کا نام اللہ تعالیٰ کے ناموں کے ساتھ مل کر رکھنا چاہیے۔</p>	<p><b>انسان کا نام کون سی ہے؟</b>          انسان کا نام اللہ تعالیٰ نے رکھا ہے۔ اس لیے اس کا نام اللہ تعالیٰ کے ناموں کے ساتھ مل کر رکھنا چاہیے۔</p>	<p><b>انسان کا نام کون سی ہے؟</b>          انسان کا نام اللہ تعالیٰ نے رکھا ہے۔ اس لیے اس کا نام اللہ تعالیٰ کے ناموں کے ساتھ مل کر رکھنا چاہیے۔</p>	<p><b>انسان کا نام کون سی ہے؟</b>          انسان کا نام اللہ تعالیٰ نے رکھا ہے۔ اس لیے اس کا نام اللہ تعالیٰ کے ناموں کے ساتھ مل کر رکھنا چاہیے۔</p>

حضرت والا گوهر شاہی در حال تفویض احترامات و بزرگداشت روحانی یک گروہ از حضار سیک میباشد در در گرونانک کارڈ وارا در فیونکس آریزونای آمریکا

# ਦਿਲਾਂ ਰਾਹੀਂ ਰੱਬ ਨੂੰ ਮਿਲਾਉਣ ਵਾਲਾ-ਬਾਬਾ ਗੌਹਰ ਸ਼ਾਹ ਜੀ!

ਦੇਸ਼ ਸਾਰੇ ਚੰਗੇ ਹਨ, ਪ੍ਰੰਤੂ ਹਨ, ਰੱਬ ਦੇ ਹੋਰ ਖਬਰਾਂ ਹਨ। ਇਸ ਵਰਤੋਂ ਤੋਂ ਸਿਰਫ਼ ਰੱਬ ਵਾਲੇ ਵਾਲੇ ਹੋਣ ਨੂੰ ਇਹ ਹੀ ਨਿਸ਼ਚਿਤ ਹਨ ਕਿ ਉਨ੍ਹਾਂ ਵਾਲੇ ਸਭ ਦੇ ਅੰਤਰ ਅੰਤਰ ਹਨ, ਉਹ ਨੂੰ ਸੋਚ, ਚਾਹਿਦਗੀ, ਸੋਚਣ, God ਨੂੰ ਹੋਰ ਅੱਗੇ ਚੱਲੀ ਨਾਮ ਇਕੋ ਜਿਹੇ ਹਨ। ਪਰ ਉਹ ਕਦੇ ਇਕੋ ਹੀ ਨੇ ਸਾਰੇ ਅਨੁੱਭਵ ਆਪਣੇ ਕੋਲੋਂ ਲਈ ਸੋਚਣ ਸੋਚਣੀ ਵਾ ਕਾਰਨ ਪੁਰਾਣਾ ਹੀ ਇਸ ਸਾਰੇ ਸੋਚਣੀ ਨਾਲ ਸੋਚਣ ਲਈ ਸੋਚਣ ਤੋਂ ਬਹੁਤ ਵਧੇਰੇ ਰੱਬ ਦੇ ਤੌਰੇ ਆਪਣੇ ਆਪਣੇ ਅਧੀਨ ਹੋਣੀ ਦੇ ਲਈ ਹਨ ਤਾਂ ਸਿਰ ਸੋਚਾਂ ਵਾਲੇ ਇਹਦੀਨੇ ਕਿਸੇ ਪੁਰਾਣੇ ਨਾਲ ਵੱਧ ਨਾਲ ਸੋਚਣ। ਰੱਬ ਦੇ ਇਕ ਹੁਣ ਇਸ ਧਰਤੀ ਤੋਂ ਜਦੋਂ ਜਦੋਂ ਪਾਪ ਵਧਦੇ ਹੀ ਆਉਂਦੇ ਹੋਏ ਹਨ ਅਤੇ ਆ ਹੋਏ ਹਨ। ਇਸੇ ਵਿਚ ਇਕ ਹੋਰ ਨਾਮ ਹੁਣ ਸਦਾ ਹੀ ਇਸ ਵਿਚਾਰਕ ਅੰਤਰਾਲ ਕੀਤਾ ਗਾ ਸੀ ਜਿਹੜੇ 20-25 ਸਾਲਾਂ ਵਿਚ ਪੁਸ਼ਟਗਾਣ ਵਿਚ ਪੁਰਾਣੀ ਵਿਚਾਰਕ ਨਾਲ ਰੱਬਾਂ ਦੇ ਵੱਖ ਹੋਰਨੀਕਾਂ ਹੁਣ ਵੱਖ ਹੋਏ ਹਨ। ਇਹਨਾਂ ਹੁਣ ਸਦਾ ਤੋਂ ਹੋਰ ਹੋਰ ਇਕੋ ਹੀ ਰੱਬੀਕਾਂ ਤੋਂ ਵੀ ਵਾ ਹੋਏ ਹਨ ਤੇ ਹੋਰ ਨਾਲ ਮਿਲਣ ਵਾ ਸੋਚਾ ਹੋਈਕਾਂ ਹੀ ਸੋਚਣ ਹੋਂ ਹਨ।



ਬਾਬਾ ਗੌਹਰ ਸ਼ਾਹ ਜੀ

ਦਾ ਕੀ ਵਰਤੋਂ ਹੈ?

ਬਾਬਾ: ਬਾਬੀ ਵਿਚਾਰ ਵਾਲੇ ਦੀ ਇਕ ਵਾਲ ਵਿਚਾਰ ਤੇ ਵਿਚਾਰ ਕਰਦੇ ਹਨ, ਇਹ ਵਾਲ ਵਿਚਾਰ ਵੀ ਹੀ ਤੇ ਅਸੀਂ ਸੁਧਾਰੀਆਂ ਨਾਲ ਵਿਚਾਰ ਕਰਦੇ ਹਾਂ ਕਿ ਵਾਲੀ ਇਕ ਸੁਧਾਂ ਨੇਕ ਤੇ ਅਸੀਂ ਤੇ ਪਸੇ ਦੇ ਸਫ਼ਾ। ਇਹ ਇਕ ਵਾਲਵਾਲੀ ਮਿਲ ਲਈ ਤੇ ਤੇ ਹਾਲਾਂ ਹੀ ਸੋਚ ਸੋਚ ਸੋਚ ਪਾਏ ਹਨ ਤੇ ਇਕੋ ਲਈ ਅਤੇ ਵਾਲੀ ਕਦੇ ਵੀ ਮਿਲੇ ਹਨ ਤੇ ਮੇਲੁ ਲਏ ਹਨ।

ਸਵਾਲ:-ਕੀ ਵਿਚਾਰਕ ਦੇ ਸਾਹੀਬ ਤੇ ਨਾਲ ਹੁਣ ਦਾ ਕਰਮ ਵੀ ਉੱਚੀ ਹੁੰਦਾ ਹੈ?

ਸਵਾਲ:-ਹੁਣ ਕਾ ਸੋਚੀ ਵਾਲੇ ਨਹੀਂ ਹੈ, ਹੁਣ ਤੋਂ ਜਦੋਂ ਪੁਰਾਣੇ ਵਾਲਵਾਲੇ ਆਉਂਦੀਆਂ ਹਨ ਤਾਂ ਇਹੋ ਆ ਤੇ ਇਸ ਵਾਲ ਤੇ ਵਿਚਾਰਕ ਦੇ ਮਿਲ ਪੁੰਜ ਵਾਲਵਾਲੇ ਹਨ, ਉਹ ਰੱਬ ਵੱਲ ਵਾਲਵਾਲੇ ਹਨ ਜਦੋਂ ਇਕੋ ਨੂੰ ਸੋਚ ਹੋ ਜਾਂਦੀ ਹੈ, ਉਹ ਹੁਣ ਵਿਚਾਰ ਵਾਲੇ ਹੋ। ਹੁਣ ਵੀ ਤੇ ਪੁਰਾਣੇ ਵਾਲੇ ਉੱਚੀਆਂ ਹਨ, ਇਹ ਹੁਣ ਹੈ ਅਸੀਂ (ਸਾਰੀ ਹੁਣ) ਜੋ ਇ ਵਿਚੋਂ ਹੀ ਸਾਹੀਬ ਤੇ ਹੋਂ ਅਸੀਂ ਕਾ ਵਿਚਾਰ ਵਾਲਵਾਲੀਆਂ ਵਨ, ਉਹ ਤੇ ਜਿਸੇ ਵੀ ਵਾਲਵਾਲੀਆਂ ਹਨ। ਇਸ ਹੁਣ ਹੁੰਦੀ ਹੈ ਸਭਾਈ (ਵਾਲੀ) ਜੋ ਉੱਚੀਆਂ ਵਿਚਾਰ ਵਾਲੇ ਵਿਚਾਰ ਵਾਲੇ ਵਿਚਾਰ ਆਉਂਦੀ ਹੈ, ਉੱਚੀ ਸੋਚ ਸੋਚੀ ਨਾ ਤੇ ਪੈਰ-ਕੱਚੀ, ਕੁਝ ਨਾ ਵਾਲਵਾਲੇ ਦਾ ਵੀਕ ਵਲੋਂ ਵਾ ਸੋਚ ਵਾਲੇ। ਉਹ ਹੁਣ ਸੋਚੀ ਤੋਂ ਰੱਬ ਨਾਲ ਮਿਲਣ ਤੇ ਇਹ ਵਿਚਾਰਕ ਵਾਲੇ (ਸਵਾਰਕ) ਇਕ ਵਾਲੇ ਸੋਚ ਵਾਲੇ ਪੁਰਾਣੇ ਵਾਲੇ ਵਿਚਾਰਕ ਹੁਣ ਵਾਲੇ ਸਦੀ ਇਕੋ ਹੋਏ ਸੀ ਆਉਂਦੀਆਂ।

ਸਵਾਲ:-ਬਾਬੀ ਸੋਚਾਂ ਨੂੰ ਸਾਹੀਬ ਕੀ ਹੋਣ ਤੇ ਨਾਲਵਾਲੇ ਸੋਚੀਆਂ ਤੇ ਵੇਰ ਇਕੋ ਤੇ ਇਕੋ ਵਾਲੇ ਕਰੀਆਂ, ਉਹਨਾਂ ਵਾਲੇ ਆਉਂਦੀ ਇਕੋ ਵਿਚਾਰਕ ਹੋ।

ਸਵਾਲ:-ਵਿਚਾਰਕ ਤੇ Healing (ਹੀਲਿੰਗ) ਸੁਧਾਰੀ ਵਿਚਾਰਕ। ਅਸੀਂ ਇਕੋ ਵਿਚਾਰਕ ਇਕੋ ਹੀ ਸੋਚ ਨੂੰ ਸੁਧਾਰੀ ਵਾਲੇ ਵਾਲੇ ਵਿਚਾਰਕ ਵਾਲੇ ਵਾਲਵਾਲੇ ਹਨ ਸਾਰੀਆਂ, ਇਹ ਇਕੋ ਵਾਲਵਾਲੀ ਮਿਲ ਲਈ ਹੀ ਤੇ ਹੋਰ ਵੀ ਵਾਲੀ ਕਦੇ ਵੀ ਮਿਲੇ ਹਨ ਤੇ ਮੇਲੁ ਲਏ ਹਨ।

قسمتی جدا شده از مصاحبه حضرت والا گوهر شاهی به زبان کروموخی پنجابی در ۱۷ اکتوبر سال ۱۹۹۹  
 انجمن سیک های سان فرانسيسکو در آمريکا از حضرت والا گوهر شاهی دعوت بعمل آور دندتا در باره  
 عشق آسمانی صحبت بفر مابند. انجمن سیک ها صحبت های ایشان را بنفع انجمن سیک های محلی به  
 طبع رساندند. آن توضیح کاملی درباره تعلیمات حضرت والا گوهر شاهی داد و گفت که گفته های ایشان  
 حقیقت دارد و راه ساده ای برای پیدا کردن خدا و اینکه به این تعلیمات باید عمل شود

منظره ای از حضرت والا ریاض احمد گوهر شاهی که صحبت میکنند  
در کنفرانس (اسم ذات)



تصویری از کنفرانس (اسم ذات) که در هفتم اکتبر ۱۹۹۲ در کراچی  
بر گزار گردید و در آن از همه نوع و دین شرکت کردند



حضرت والا گوهر شاهی در حال خطاب کردن در میان مسلمانان مالکی و حنبلی  
مذهب در مسجد ترکی بنام برو کلین آمریکا

## معرفی کوتاهی از کتاب

- ۱- اگر شما دینی را پیروی میکنید اما از عشق بخدا محرومید، پس آنها از شما بهترند. آنهایی که از دینی نمی پیروی نمی کنند، اما عشق آسمانی دارند.
- ۲- عشق مربوط به قلب است. وقتی کلمه (الله) هماهنگ شد با ضربان قلب شما، به شریانهای اصلی خون شما میرسد از راه جریان خون و در نتیجه روح را بیدار می کند. روح وقتی تحت تاثیر قرار گرفت همراه با نام خدای تعالی به عشق آسمانی میرسد.
- ۳- هر نامی در هر زبانی که خدا را نشان دهد قابل احترام می باشد. نام اصلی خدا در زبان سریانی الله می باشد. (زبانی که در آسمان ها و توسط خدا با ملائکه ها صحبت می شود). فرشته خدا را الله می نامند. نام الله همچنین متصل به (کلمه) هر پیغمبری میباشد.
- ۴- انسانی شایسته افتخار است که، با قلب پاک در جستجوی خدا در زیر دریا و روی زمین باشد.
- ۵- (آدم) های بسیاری همزمان در جا های مختلف جهان فرستاده شدند. همه آدم ها در این جهان خلق شدند از خاک همین زمین. در حالیکه آخرین آدم (صفی الله که در عربستان بخاک سپرده شده) تنها او در آسمان (بهشت) خلق شد از خاک بهشت. ملائک به هیچ آدم سجده نکردند جز آدم (صفی الله) فقط به او.
- ۶- هفت نوع موجود روحانی وجود دارد در بدن انسان. آنها متعلق به هر طبقه از آسمان میباشند و هفت نوع وظیفه در بدن انسان دارند. وقتی به نور می رسند. آنها شکل انسان را تشکیل میدهند. آنها همزمان میتوانند به جاهای زیادی برسند. حتی به مجمع زهاد و پیغمبران و در عین حال میتوانند با خدا مشغول صحبت رو برو شده و اور ادربابند.
- ۷- برای هر فرد بشری دو دین وجود دارد. یکی برای بدن خاکی. وقتی بدن بمیرد آنهم می میرد. یکی هم برای روح انسان (آن از زمان قبل او خلقت وجود داشته) آن عشق آسمانی است. از میان آن فقط، انسان به تعالی میرسد.
- ۸- عشق آسمانی از هر دینی بالا تر است. در نظر داشتن خدا، از هر عبادتی مهم تر است.
- ۹- دانش در ارتباط با خلقت انسانها، حیوانات، صخره ها و درختان، دلایل اینکه چگونه و از چه چیز (حرام) دوری کنیم، چه چیز مجاز است (حلال) برای استفاده و جرایبی آنها.
- ۱۰- چه کسی (موجود) حتی قبل از فرمان باش (کن) وجود داشت (ارواح و ملائک) کدام سگها وارد بهشت میشوند بعنوان قطمیر؟ مردم، آنهایی که روحشان (کلمه) را خوانده بود در زمان قبل از خلقت؟

**آن مرد کیست. راز که باز گونشده در این کتاب؟**

یک ضرورت است خواندن این کتاب برای دانش و تحقیق

این کتاب سایت زیر در دسترس است